

# جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد

ملانی اسمیت و پاول لمپل

بخشی از رشته انتشارات درباره مضامین عمدهء مربوط به کلام خلاق الهی

"کلمهء الهی به مثابه نهال است؛ مقرر و مستقرش  
افئدهء عباد. باید آن را به کوثر حکمت و بیان تربیت  
نمایید تا اصلش ثابت گردد و فرعش از افلاک بگذرد"  
- حضرت بهاءالله (دریای دانش، ص ۹۶)

# جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد

---

## محتوای این مجموعه

دیباچه

پیشگفتار

۱ نبرد تاریکی و نور

۲ انضباط جنود روحانی

۳ تقویت روح

۴ اخلاق حسنه

۵ زندگی همراه با خدمت

۶ تبلیغ

۷ میدان عمل: گفتگو

۸ میدان عمل: وقف خویشتن

فهرست مراجع در مورد نقش و مسئولیت‌های جوانان

## دیباجه

در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، چنین آمده است: "اصول، نظم اداری و مبانی امر مبارک کاملاً معلوم است، اما ضرورت تام دارد که اجتهاد به مطالعه آثاری عمیق تر مبادرت نمایند که به میزانی به مراتب اعظم از قبل به آنها بلوغ روحانی بخشد، آنها را در حیات جامعه متحد نماید، و قادر سازد که طریق حیات بهائی را به نحو احسن و اولی تجسم بخشند..."<sup>۱</sup>

این کتاب بخشی از رشته‌ای از انتشارات است که هدف آنها جذب خواننده به مطالعه مفاهیم عمیقی است که در آثار مبارکه بهائی یافت می‌شود. ضمناً این مقصود نیز مد نظر است که به عنوان پلی برای رسیدن به مطالعه گسترده آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله عمل کند.

این کتاب را می‌توان برای مطالعه فردی و گروهی استفاده کرد. هر درس به چند بخش تقسیم می‌شود که به طور گزینشی می‌توان آنها را به کار برد:

**مقدمه** در معرفی درس

**نمای کلی** بیان کلی اطلاعات جدید

**توضیح جزئیات** "نمای کلی" همراه با نقل بیانات و مثالها

**مطالب خواندنی** نقل بیاناتی در زمینه موضوع درس از آثار مبارکه

**تشریح با مثال** گزیده‌هایی در مورد عنوان درس، معمولاً از کتب بعضی از بهائیان؛ غالباً شامل داستان‌هایی از تاریخ امر مبارک

**مطالعه بیشتر** سه طریق بررسی عمیق تر عنوان درس

**سؤالات** سؤالاتی برای مرور مطالب درس

**جوابها** جواب به سؤالات فوق

**بحث** سؤالاتی برای بحث گروهی

**تمرین** تمرین برای بررسی عمیق تر عنوان درس

**بازخورد** جوابهای پیشنهادی برای تمرین

جهت استفاده فردی از این کتاب، با انتخاب بخش‌هایی که میل دارید در هر درس تحت پوشش قرار دهید، برای خود برنامه مطالعه تنظیم کنید. با توجه به اولویت‌هایی که در نظر دارید، ممکن است مایل باشید از برخی از بخش‌ها صرف نظر کنید. اما، لطفاً از بخش "مطالب خواندنی" صرف نظر نکنید، زیرا فرصتی برای مطالعه کلام الهی و تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و توضیحات بیت‌العدل اعظم فراهم می‌آورد. برای نوشتن یادداشت و ثبت نظریات خود شاید مایل باشید

<sup>۱</sup> ترجمه - مکتوب ۲۴ فوریه ۱۹۴۶ مندرج در ص ۲۲۷ جلد اول *Compilation of Compilations*

از حاشیه هر صفحه استفاده کنید. شاید مطالعه هر درس - یا فقط قسمتی از یک درس - با دعای روزانه، در صبح یا شام، برای شما راحت تر باشد.

کتاب را می توان برای تنظیم برنامه ای جهت مطالعه گروهی نیز استفاده کرد. مثلاً، هر درس را می توان، بخش بخش، مطالعه و مورد بحث قرار داد. یا اعضاء گروه می توانند درس را به تنهایی بخوانند، بعد هفته ای یک روز جمع شوند و بیانات و سؤالات را مورد بحث و بررسی قرار دهند. سومین راهی که می توان انتخاب کرد این است که، قبل از آن که گروه به مطالعه و بحث درباره بیانات نقل شده بپردازد، یک رهبر گروه بخش های "نمای کلی"، "توضیح" و "تشریح با مثال" را به طور خلاصه در ده تا پانزده دقیقه به اختصار بیان کند.

در پایان کتاب فهرستی همراه با مراجع گذاشته شده که فراتر از بیاناتی است که در دروس آمده است. این فهرست نقطه آغاز ارزشمندی برای مطالعه گسترده در خصوص نقش جوانان در امر مبارک است.

این کتاب را، غیر از تزئید معلومات شخصی و گروهی، می توان به عنوان منبعی جهت حصول آمادگی جهت بیوت تبلیغی، سخنرانی های عمومی، یا کارهای سمیناری در مدارس بهائی مورد استفاده قرار داد. امیدواریم برای شما سودمند، آموزنده، و روحیه بخش باشد.

## پیشگفتار

پیامی به جوانان بهائی:

در زندان تاریک و بدبوی سیاه‌چال، حضرت بهاءالله چهار ماه درد و رنج را تحمل کردند. در جمیع اوقات، ایشان با دو زنجیر سنگین، به سایر زندانیان بسته شده بودند. آنقدر این زنجیرها سنگین بودند که هر گاه یک زندانی حرکتی می‌کرد، سبب درد و ناراحتی دیگران می‌شد. زخم‌های عمیقی که در پوست حضرت بهاءالله ایجاد شد، آثاری از خود به جای گذاشت که در تمام زندگی ایشان باقی ماند.

هیچ نوری به درون آن زندان زیرزمینی تاریک و ملال‌آور نفوذ نمی‌کرد. بیشتر زندانیان نه لباسی داشتند و نه بستری. هر روز نگهبانان یک یا چند زندانی را بیرون می‌بردند تا شکنجه و اعدام کنند. اما، این فقط آغاز یک عمر فداکاری و رنج و آزار بود که حضرت بهاءالله در کمال میل برای هر یک از ما تحمل فرمودند.

حضرت بهاءالله در زندان اولین پیام الهی را دریافت داشتند که ایشان را از مقام عظیمی که به عنوان مظهر ظهور کلی الهی داشتند، و مأموریتشان برای ایجاد تحول در عالم انسانی، آگاه می‌ساخت. ایشان می‌فرمایند، "در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمهء علیا اصغا شد: **إِنَّا نَنْصُرُكَ بِكَ وَ بِقَلْمِكَ؛ لَاتَحْزَنْ عَمَّا وَرَدَ عَلَيْكَ وَ لَاتَخَفْ، إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ. سَوْفَ يَبْعَثُ اللَّهُ كُنُوزَ الْأَرْضِ وَ هُمْ رِجَالٌ يَنْصُرُونَكَ بِكَ وَ بِأَسْمِكَ الَّذِي بِهِ أَحْيَا اللَّهُ أَفِيدَةَ الْعَارِفِينَ.**"

آیا شما یکی از "کنوز الأرض" هستید که باید برای نصرت حضرت بهاءالله مبعوث شوید و فتح و ظفر امر ایشان را تضمین کنید؟

هر فردی از مؤمنین - زن یا مرد؛ بزرگ، جوان یا کودک - می‌تواند راهی را انتخاب کند. هر یک از آنها باید از خود بپرسد، "ارتباط من با حضرت بهاءالله چیست؟ آیا محبت من به او به اندازه محبت او به من هست؟ برای آن که آنطور که شایسته است به او خدمت کنم، چه می‌توانم بکنم؟"

این کتاب برای کسانی تدوین شده که، به علت حبی که به حضرت بهاءالله دارند، این راه را برگزیده‌اند که اعتنایی به ضعف و ناتوانی خویش نکنند و برای خدمت به آن حضرت تلاش نمایند. این کتاب سعی دارد موضوعاتی را مورد بحث قرار دهد که می‌توانند به ما کمک کنند از این مرحله که فقط خود را بهائی بنامیم به مراتب بالاتر برویم و عملاً یکی از "کنوز الأرض" شویم که تعالیم حضرت بهاءالله را تجسم می‌بخشند.

به چهار طریق خدمت توجه شده است:

- تقویت ارتباط روحانی ما با خداوند؛
- ایجاد خلق و خوی بهائی حقیقی؛
- خدمت به امر مبارک و عالم انسانی؛ و بخصوص
- تبلیغ امرالله، که "هدف اصلی و مقصد غایی کافه خدمات امری"<sup>۲</sup> است.

<sup>۲</sup> پیام رضوان ۱۴۵ بدیع بیت‌العدل اعظم، بند ۸

لازمه هر کدام از این راه‌های خدمت یک عمر تلاش در جهت مبادرت به اقدام و اصلاح و ترمیم آن است. اما دقیقاً از طریق این تلاش هر روزه است که رشد می‌کنیم و مجراهایی برای جریان قدرت روحانی خواهیم شد. این عمل ما را قادر می‌سازد به هدفی که برای خود و ترقی عالم انسانی داریم نائل شویم.

این کتاب به بهترین وجه می‌تواند مقدمه‌ای برای هر یک از این زمینه‌های خدمتی باشد. فصل‌های کتاب نمی‌توانند، فی‌المثل، حاوی توصیف بسیاری از مشخصات خُلق و خوی بهائی یا راهنمایی تفصیلی در مورد نحوه تبلیغ باشد که در آثار مبارکه ذکر شده است. برای یافتن کتابها و مراجع در آثار مبارکه جهت بررسی مفصل‌تر عناوین ارائه شده در هر فصل، راهنمایی اضافه عرضه شده است.

با این حال، تمرکز این کتاب بر عمل است، نه صرفاً بر مطالعه. در اثر عمل است که کاربرد هدایات حضرت بهاءالله برای متحوّل ساختن خود و جهان اطرافمان را به حدّ کمال می‌رسانیم.

جوانان، در زمان‌های متوالی، از طریق آرمان‌گرایی و توجّه به کمال مطلوب، جهان و بی‌عدالتی‌هایش را که بزرگترها به آنها عرضه داشتند، ردّ کردند. بعضی نسل‌ها در صدد ایجاد تحوّل بر آمدند. اما هیچ نسلی به اندازه نسل فعلی به ابزارها، مبانی، و فرصتی برای ایجاد تحوّل چشمگیر در سرنوشت عالم انسانی مجهّز نبوده و آمادگی نداشته است. ابزارها عبارت از تعلیم حضرت بهاءالله است. اساس و شالوده وسعت گسترش امر مبارک در سراسر جهان و تأسیس جوامع بهائی و نظم اداری آن است. فرصت عبارت از اوج دو جریان سازنده و مخرب در این زمان است.

باز هم باید گفت که این موضوع به انتخاب فردی بستگی دارد. می‌توانید اعلام انصراف نموده خود را کنار بکشید. می‌توانید در طلب راحت و آسایش خود برآیید. یا می‌توانید این تلاش بزرگ را انتخاب کرده، برای ایجاد تحوّل بهتر در جهان، تحوّل جاوید و پایدار، از ابزار، اساس، و فرصت استفاده نمایید.

"جوانان ما قدرت و توانایی آن را دارند که در تشیید و تجهیز جوامع آینده در قرن آتیه سهم به‌سزایی را ایفا نمایند. آری، جوانان ما که عالمی را به حرکت در آورد."<sup>۳</sup>

---

<sup>۳</sup> پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۴ به جوانان / مجموعه جوانان، ص ۶

# أَتَنُوحُ أَوْ أَنُوحٌ بَلْ أَصِيحٌ مِّن قِلَّةِ نَاصِرِيكَ

لوح احتراق

ادعيه محبوب، طهران، ص ١٦٦

## نبرد تاریکی و نور

### مقدمه

جوانان همیشه در پیشبرد امر مبارک نقشی اساسی ایفا کرده‌اند. بیت‌العدل اعظم در پیامی خطاب به جوانان بهائی طالب "جنودی از جوانان مصمم و برخوردار از بیداری روحانی" شدند که قیام نمایند و "به میزانی به مراتب اعظم از قبل قوای ارزشمند خود را" وقف ترویج امر "پروردگار همواره ناظر و منتظر خود" نمایند.<sup>۴</sup>

نیاز به چنین جنودی هیچ زمانی به این اندازه نبوده است. زیرا در این زمان برخورد قوای تاریکی که خصیصه نظم کهن جهانی است و قوای نور که خصیصه نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله است، مقدر است که به اوج خود برسد. تحولات عظیم در داخل و خارج از امر مبارک، سرنوشت عالم انسانی را از پایه دگرگون می‌سازد. جنود حضرت بهاءالله، یعنی سپاه نور، در خط مقدم این نبرد قرار گرفته است.

در این کتاب، نقش جوانان در طی این بحرانی‌ترین لحظه در تاریخ بشری مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل اول و دوم به بررسی شرایط این نبرد حماسی نور و ظلمت، نقش مردان و زنان جوانی می‌پردازد که قیام خواهند کرد تا "جنود" روحانی این سپاه نور شوند.<sup>۵</sup> فصل‌های ۳-۶ به مطالعه مسئولیت‌های معین این جنود روحانی اختصاص دارد و فصل‌های ۷ و ۸ بر فعالیت عملی تمرکز خواهد داشت.

### نمای کلی

حضرت ولی امرالله دو جریانی را که در عالم در حال فعالیت است، توصیف می‌فرمایند.<sup>۶</sup> جریان اول عبارت از نقشه اعظم الهی<sup>۷</sup> است که اساساً جریانی از تخریب است که نظم کهن جهانی را فرو می‌پاشد و راه را برای نظم بدیع جهان‌آرای حضرت بهاءالله مهیا می‌سازد. جریان دیگر، جریان سازندگی است. این وظیفه بهائیان است که الگوی نظم بدیع جهانی را مطرح سازند.

دو فرایند سازندگی و تخریب در انتهای قرن به اوج خود نزدیک می‌شوند. قوای آزاد شده در اثر ظهور حضرت بهاءالله، یعنی قوای نور، مقدر است با قوای تاریکی نظامی که به سرعت در حال سقوط است، برخورد داشته باشند.

قوای آزاد شده در اثر ظهور حضرت بهاءالله نیاز به افرادی دارد که به عنوان مجاری پاکیزه جهت اجرای امور امر مبارک عمل نمایند. از همان ابتدای ظهور امر الهی، جوانان برای خدمت در این طریق قیام کردند. حال، در لحظه‌ای چنین خطیر از ظهور و بروز امر الهی و تاریخ عالم انسانی، جوانان بهائی بار دیگر فرا خوانده می‌شوند تا به عنوان جنود روحانی سپاه نور به اجرای اعمال دلیرانه و اقدامات دلاورانه قیام نمایند.

<sup>۴</sup> ترجمه - پیام ۲۳ ژوئن ۱۹۸۳ به جوانان بهائی سراسر جهان

<sup>۵</sup> اصطلاح "جند" و "جنود" توسط حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و بخصوص حضرت ولی امرالله به کار رفته است. برای مشاهده مراجع به فهرست پایان کتاب مراجعه نمایید.

<sup>۶</sup> حصن حصین شریعت‌الله، ص ۳۹ / پیام رضوان ۱۹۹۸ (۱۵۵) / مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۶۷ معهد اعلی به یکی از اجتهاد مندرج در صفحات ۴-۱۳۳

*Wellspring of Guidance*

<sup>۷</sup> نقل ترجمه اصطلاح از صفحه ۵۸ قرن انوار



## توضیح

حضرت عبدالبهاء قرن بیستم را "قرن انوار"<sup>۸</sup> توصیف فرموده‌اند. ایشان برای اجتناب توضیح دادند که قوای آزاد شده در اثر ظهور حضرت بهاء‌الله در حال متحوّل ساختن جهان طبق تعالیم ایشان است. ایشان همچنین "حصول اصطدام بین سپاه نور و لشکر ظلمت"<sup>۹</sup> را پیش‌بینی فرمودند.

حضرت ولی امرالله توضیح فرمودند که دو جریان سازندگی و تخریب روز به روز در حال سرعت گرفتن و به نحوی بی‌امان به سوی حدّ اعلای خود در حال حرکتند.<sup>۱۰</sup> ایشان به بهائیان وعده دادند که "زمان اعظم مساعی و مجهودات آنان و اعلی فرصت انجام فتوحات باهره ایشان باید با اضطراب شدیدی که در مکاشفات یوحنا به آن اخبار گشته و نشانه ادنی مرحله انحطاط عالم انسانی است مقارن باشد."<sup>۱۱</sup>

ظهور و بروز این نمایش عظیم در وهله اولی به تأسیس صلح اصغر توسط ملل عالم منجر خواهد شد.<sup>۱۲</sup> این اقدام عظیم و تاریخی ... به نوبت خود به بیداری حسن روحانیت جمهور منجر خواهد شد و این نیز نتیجه معرفت مقام و شناسایی دعاوی امر حضرت بهاء‌الله است که شرط ضروری امتزاج نهایی تمام اجناس و مذاهب و طبقات و ملل می‌باشد و این امتزاج نیز نظم بدیع جهانی حضرتش را باید اعلام دارد.<sup>۱۳</sup>

بیت‌العدل اعظم خاطرنشان ساختند که "از آغاز این امر مبارک، یعنی از دوران اولیه تاریخ بهائی، نسل جوان در ترویج و انتشار امرالله سهم بسزایی داشته و در این سبیل به خدمات فائده نائل آمده است. حضرت باب وقتی اظهار امر فرمودند از سن مبارکشان بیش از بیست و پنج سال نمی‌گذشت... حضرت مولی‌الوری ... در عنفوان جوانی مسئولیت‌های عظیم در خدمت آب بزرگوار به عهده گرفتند... حضرت شوقی ربّانی موقعی برای استقرار بر اریکه ولایت امر دعوت شدند که در رعیان شباب بودند."<sup>۱۴</sup> و گروهی از سایر جوانان، در سبیل شهادت و تبلیغ امرالله به ایثار جان قیام کردند.

با نزدیک شدن دو جریان سازنده و مخرب به اوج خود، جوانان دیگر بار نقش بسیار مهمی را باید ایفا کنند. بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "جوانان بهائی ضمن ترک و طرد ارزش‌ها و موازین دنیای قدیم، شائق و مشتاقند موازینی را که حضرت بهاء‌الله وضع فرموده‌اند تحصیل نمایند و خود را با موازین مزبور منطبق سازند و به این طریق خلأئی را که از ترک نظام کهنه و فرسوده حاصل می‌شود با ارائه نظم بدیع ملکوتی مرتفع سازند."<sup>۱۵</sup>

ویژگی‌های جنود روحانی را نباید با هیچ مفهوم نزاع و قدرت حاکمیت اشتباه گرفت. حضرت ولی امرالله توضیح می‌فرمایند که، "فارسان دلیر حضرت بهاء‌الله به نام مقدّس آن وجود نازنین و به امدادات غیبیه‌اش جهت تطهیر و ایجاد وحدت و روحانیت در جامعه کنونی عالم که از لحاظ اخلاق و ملکات روحانی ورشکست و در پرتگاه فنا و اضمحلال قرار گرفته" اقدامات و مجهودات جلیله معمول و مُجرا می‌دارند.<sup>۱۶</sup>

<sup>۸</sup> ترجمه - خطابه ۱۳ مه ۱۹۱۲ مندرج در ص ۱۲۵ *The Promulgation of Universal Peace*

<sup>۹</sup> نقل ترجمه از صفحه ۱۰۳ ارکان نظم بدیع (مندرج در تلگرام ۴ ژوئن ۱۹۵۷)

<sup>۱۰</sup> *Messages to America*, page ۵۳

<sup>۱۱</sup> نقل ترجمه از صفحه ۶-۷۵ حصن حصین شریعت‌الله

<sup>۱۲</sup> توفیق قد ظهر یوم‌المیعاد، ص ۱۲۳ انگلیسی و ۲۴۱ فارسی

<sup>۱۳</sup> نقل ترجمه از صفحه ۲۴۱ توفیق قد ظهر یوم‌المیعاد

<sup>۱۴</sup> نقل ترجمه پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ از صفحه ۳۵ مجموعه "جوانان"

<sup>۱۵</sup> نقل ترجمه پیام رضوان ۱۳۰ (۱۹۷۳) از صفحه ۳۱۴ مجموعه دستخط‌های بیت‌العدل اعظم

<sup>۱۶</sup> نقل ترجمه از صفحه ۸-۲۷۷ توقیعات مبارکه، ۱۱۴-۱۰۹

جوانان برای این که وظیفه خود را در این نبرد ایفا کنند، نمی‌توانند صرفاً خود را بهائی بنامند. آنها نمی‌توانند به این قانع باشند که در فعالیت‌های جامعه بهائی به طور انفعالی شرکت کنند. جوانان باید جنود تحوّل یافته و منضبط در سپاه نور شوند. آنها باید برای متحوّل ساختن جهان برای پروردگارشان، بر خود غلبه کرده قلوب اهل عالم را فتح نمایند. بیت‌العدل اعظم تأیید فرمودند که، "شبهه‌ای نیست که جوانان ما قدرت و توانایی آن را دارند که در تشیید و تجهیز جوامع آینده در قرن آتیه سهم بسزایی را ایفا نمایند. آری جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد."<sup>۱۷</sup>

## مطالب خواندنی

- ۱- حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، "مشاهده فرمایید سالها است نه ارض ساکن است و نه اهل آن ... باسأ و ضراء ارض را احاطه نموده؛ معذلک احدی آگاه نه که سبب آن چیست و علت آن چه. (دریای دانش، ص ۱۴)
- ۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "جریانی مرکب از دو نیروی متضاد سرگرم تغییر و تبدیل وضع کنونی جهان است؛ در حالی که هر یک از این دو نیرو با شتابی فزاینده مسیری مخالف با مسیر نیروی دیگر را طی می‌کند. این دو نیرو یکی سازنده و الفت دهنده است و دیگری مخرب و متلاشی‌کننده... آن سیر سازنده به آئین نوزاد حضرت بهاء‌الله وابسته است و طلوعه نظم بدیع جهان‌آرایی است که به زودی امر بهائی تأسیس خواهد کرد؛ و بالعکس، این نیروی مخرب، که نماینده آن سیر دیگر است، وابسته به مدنیتی است که از اجابت مقتضیات زمانه اعراض نموده و بالنتیجه به کابوس هرج و مرج و انحطاط دچار شده است. در این دوران تحوّل ... در نتیجه برخورد آن دو سیر متضاد، تلاطمی عظیم و اصطکاک سخت بر خاسته که شدت و وسعتش بی‌سابقه و عظمت جلال نتایج نهائی‌اش وصف‌ناپذیر است." (نظم جهانی بهائی، ص ۲-۱۱۱)
- ۳- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "حضرت ولی امرالله به ما فرمودند که دو جریان عظیم در عالم انسانی در حال فعالیت است: یکی نقشه عظیم الهی که در پیشروی خود ایجاد تلاطم و آشوب می‌کند و در کلّ عالم انسانی در حال فعالیت است؛ موانع وحدت جهانی را در هم می‌شکند و نوع بشر را، در آتش آلام و تجارب، در هیأتی واحد متحد می‌سازد. این جریان، در میقات معین الهی، موجد صلح اصغر، یعنی اتحاد سیاسی عالم خواهد بود.. جریان ثانی، که وظیفه دمیدن دم حیات در این هیأت متحد - ایجاد وحدت و روحانیت حقیقی در صلح اعظم - است، به عهده بهائیان است که آگاهانه، با رهنمودهای تفصیلی و هدایات مداوم و مستمرّ الهی، برای برپا کردن بنای ملکوت الهی بر وجه ارض در حال بذل مجهوداتند..." (ترجمه - *Wellspring of Guidance*، ص ۴-۱۳۳)
- ۴- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۴۰ (۱۹۸۳) می‌فرمایند، "تسریع تحقّق دو مرحله، طیّ دهه گذشته، از جهتی زوال و اضمحلال نظم قدیم و از جهت دیگر پیشرفت و اعتلاء و استحکام نظم بدیع جهان‌آرای الهی، که الیوم به رأی‌العین مشاهده می‌گردد و به قسمی است که حضرت ولیّ عزیز امرالله آن را بیان و تبیان فرموده‌اند، بلا تردید به وسیله مورّخین آینده به عنوان یکی از بارزترین حوادث این زمان و خصوصیات برجسته این دوران، در عالم امکان عنوان می‌گردد. حتی افزایش حدّت اخیر و سرعت حدوث این وقایع مهمّه، بیش از پیش آشکار و پدیدار است. هم‌اکنون در داخل و خارج امرالهی، قوای عظیمه‌ای در سریان است تا این دو مرحله متضادّ در جریان را در این قرن عظیم فخیم به اوج خود رسانند."
- ۵- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "فعالیت نقشه عظیم الهی به نحوی اسرارآمیز در جهتی که تنها نفس حضرتش هدایت می‌فرماید در حال حرکت است، اما نقشه صغیری که به ما عنایت فرموده تا، به عنوان نقش ما در طرح عظیم حضرتش

<sup>۱۷</sup> نقل ترجمه پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۴ بیت‌العدل اعظم از صفحه ۶ مجموعه "جوانان"

برای نجات و فلاح نوع بشر، اجرا نماییم، به وضوح توصیف و تشریح شده است. ما باید جمیع قوای خود را به این امر اختصاص دهیم، زیرا هیچ نفس دیگری برای اجرای آن وجود ندارد." (ترجمه - *Wellspring of Guidance*، ص ۱۳۴)

۶- بیت‌العدل اعظم در پیام ۸ مه ۱۹۸۵ خطاب به جوانان می‌فرماید، "افق تیره و تاریکی که جهان غافل از موعود و منشأ نجات و نجات خود با آن مواجه است، دیدگاه و بینش نسل جوان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است: نومیدی دردناک و مصیبت‌بارشان و التجاء آنها به راه‌حل‌های وخیم اما بیهوده و حتی خطرناکی که از روی استیصال به آن روی می‌آورند قاطعانه مستلزم بذل توجه اصلاحی و درمانی جوانان بهائی است، که در اثر عرفان به منبع و منشأ مزبور و بینشی روشن که به آنها عنایت شده، نمی‌توانند در اعطاء مسرت حیات‌بخش، امید سازنده و اطمینان تابناک ظهور عظیم حضرت بهاء‌الله به آنها درنگ نمایند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۳)

۷- بیت‌العدل اعظم در پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ خطاب به جوانان بهائی اروپا می‌فرماید، "این نسل جوانان بهائی از وجه تمایزی بی‌مثیل برخوردار است. شما در دورانی زندگی خواهید که کرد که قوای تاریخ به نقطه اوج خود، که نوع بشر شاهد تأسیس صلح اصغر خواهد بود، در حال حرکت است؛ دورانی که در طی آن، امر الهی در بازسازی جامعه بشری نقشی ایفا خواهد کرد که یوماً فیوماً از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد. در سالهای آینده از شما خواسته خواهد شد، در مقابل شرایط و تحولاتی که هنوز به زحمت می‌توان تصور و تجسم نمود، سگانداز امر الهی شوید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۴۴)

۸- بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۵ مه ۱۹۷۵ خطاب به کلیه محافل ملی می‌فرماید، "جوانان عزیز که با نیروی حیات و قوای جوانی هر مشکلی را آسان شمرده طاقت تحمل سختی‌ها و شداید را دارند و به سهولت خود را با اوضاع محل وفق داده با حرارت و محبت خود نفوسی را که ملاقات می‌کنند مشتعل و منجذب می‌نمایند و از عهده حلّ معضلات جدید برمی‌آیند، چون با صفات و کمالات روحانی که سجتیه جوانان بهائی است مجهز گردند، قادر خواهند بود در طرح‌هایی که در نظر گرفته شده سهمی بسیار عظیم به عهده گیرند. فی‌الحقیقه جوانان بهائی با این خصائص و امتیازات در میدان خدمت چون طلّیعه لشکر، پیشرو جمیع هستند و در هر مشروعی که شرکت نمایند، چه در سطح محلی و چه در دایره ملی، قوه محرکه و فعاله خواهند بود. چشم انتظار این مشتاقان به سوی جوانان بهائی دوخته است." (نقل ترجمه از صفحه ۱۳ مجموعه "جوانان" / انوار هدایت، شماره ۲۱۲۲)

۹- بیت‌العدل اعظم در پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ خطاب به کنفرانس جوانان اروپا می‌فرماید، "در کمال محبت و اشتیاق از شما می‌خواهیم در بحر تعالیم الهی مستغرق شوید، حامی و علمدرا امر الهی و شریعت ربّانی گردید، و برای احیاء عالم انسانی قیام نمایید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۴۶)

۱۰- حضرت بهاء‌الله می‌فرماید، "یا مَلَأَ الْأَرْضِ سَارِعُوا إِلَى مَرْضَاءِ اللَّهِ وَ جَاهِدُوا حَقَّ الْجِهَادِ فِي إِظْهَارِ أَمْرِهُ الْمُبْرَمِ الْمَتِينِ. قَدْ قَدَّرْنَا الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِجُنُودِ الْحِكْمَةِ وَ الْبَيَانِ وَ بِالْأَخْلَاقِ وَ الْأَعْمَالِ. كَذَلِكَ قُضِيَ الْأَمْرُ مِنْ لَدُنْ قَوِيٍّ قَدِيرٍ." (لوح مبارک خطاب به شیخ نجفی، ص ۱۸)

۱۱- حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "نفس مبارک موعود در کتاب مقدس به ربّ الجنود تعبیر گشته؛ یعنی جنود آسمانی. و مقصود از جنود آسمانی نفوسی هستند که به کلی از عالم بشریت منسلخ و منقلب به نفوس ملکوتی و ملائکه آسمانی گشته‌اند. این نفوس اشعه شمس حقیقتند که آفاق را روشن می‌نمایند و هر یک صوری در دست و نفعه حیات بر آفاق می‌دمند. از صفات بشریت و عالم طبیعت نجات یافته متخلّق به اخلاق الهی گردند و منجذب به نفعات رحمانی شوند. مانند حواریون مسیح که مملوّ از مسیح شدند، این نفوس نیز مملوّ از حضرت بهاء‌الله گردند؛ یعنی محبت بهاء‌الله چنان مستولی بر اعضاء و اجزاء و ارکان آنها گردد که عالم بشریت را حکمی نماند. این نفوس جنود الهی هستند و فاتح شرق و غرب. اگر نفوسی از این نفوس توجه به جهتی نماید و نداء به ملکوت الهی کند، جمیع قوای معنویّه و تأییدات ربّانیّه معین و ظهیر او گردد؛ ... یک سواره به سپاه عالم زند، لشکر آفاق را از یمین و یسار درشکند و صفوف عالم را خرق کند و هجوم

بر قلب آفاق نماید. این است جنود الهی... ملاحظه نمایید که حضرت بهاءالله چه ابوابی از برای شما گشوده است و چه مقام بلند اعلیٰ مقدر نموده است و چه موهبتی میسر کرده است." (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۹-۲۷)

۱۲- حضرت ولی امرالله در تلگرام ۲۸ مه ۱۹۵۳ می‌فرمایند، "یک مرتبه دیگر از اعضاء کلیه جوامع تقاضا می‌کنم، قبل از آن که فرصت حالیه به نحوی علاج‌ناپذیر از دست برود، قیام نمایند و در زمره جنود مجاهدین حضرت بهاءالله در آیند... انشاءالله جنود دلاور بهائی... در اسرع اوقات قیام نمایند و برای فتح اهداف در زمره صفوف جنود الهی قرار گیرند." (ترجمه - صفحه ۴۹ *Messages to the Baha'i World*)

## تشریح با مثال

نیروهای نور و تاریکی که در حال فرو شکستن شالوده‌های جامعه بشری‌اند، تأثیر خود را بر بهائیان نیز گذاشته‌اند. جامعه بهائی در ایران، که در سال ۱۸۴۴ در آن قدم به عرصه وجود نهاد، به طور متناوب در معرض اذیت و آزار قرار گرفته است. شروع دور جدید اذیت و آزارها اواخر دهه ۱۹۷۰ به دست روحانیون مسلمان شروع شد که، تا حدی، تا به امروز ادامه دارد. در نتیجه نسل جدیدی از جنود روحانی برای علمداری و حمایت از امر الهی قیام کرده‌اند. در یکی از وقایع در هجدهم ژوئن ۱۹۸۳، ده تن از بانوان بهائی، از هجده تا ۲۵ ساله، بدان علت که نخواستند از ایمان و عقیده به حضرت بهاءالله دست بشویند، به دار آویخته شدند. یکی از این بانوان، زرین مقیمی بود. داستان محاکمه او قبل از شهادتش چنین بازگو شده است:

"زمانی که زرین را نزد حاکم شرع بردند تا از امر مبارک تبری نماید، و آنچنان که معمول است به او گفته شد یا دست از عقیده خود بردارد یا خود را برای اعدام شدن آماده سازد، در جواب گفت، "راه منتهی به حقیقت را یافته‌ام و به هیچ قیمتی حاضر نیستم آن را از دست بدهم. بنابراین، تسلیم حکم دادگاه می‌شوم." در موقعیت دیگری، قاضی از زرین پرسید، "تا چه حدی آماده‌ای به عقیده خود پای‌بند باشی؟" زرین پاسخ داد، "امیدوارم تا آخرین نفس بر عقیده خود ثابت و راسخ بمانم." قاضی پرخاش کنان گفت، "اما تو باید دست از عقیده‌ات برداری!" زرین، رنجیده‌خاطر از تکرار پیشنهادی یکسان، فریاد زد، "حضرت آقا، روزهای بسیاری است که مرا محاکمه می‌کنید، و یک سؤال را مرتباً تکرار کرده‌اید و من به شما جوابی قاطع و قانع کننده داده‌ام. تصور نمی‌کنم تکرار یک جواب لزومی داشته باشد!" اما قاضی گستاخانه همان پیشنهاد را تکرار کرد. زرین عزیز گریست و به صدای بلند گفت، "به چه زبانی می‌خواهید به شما بگویم؟ چرا مرا تنها نمی‌گذارید؟ چرا مرا به حال خود رها نمی‌کنید؟ تمام وجود من بهاءالله است؛ عشق من بهاءالله است؛ قلب من وقف بهاءالله است." قاضی، خشمگین و غضبناک داد زد، "قلبت را از سینه‌ات در می‌آورم!" زرین جواب داد، "اگر چنین کنید، قلب من ندا در خواهد داد و به صدای بلند خواهد گفت، «بهاءالله! بهاءالله!»" قاضی تحت تأثیر این نمایش پراحساس، برخاست و اطاق را ترک گفت.<sup>۱۸</sup> (نقل از صفحه ۵۳ *Unrestrained as the Wind*)

## مطالعه بیشتر

<sup>۱۸</sup> اذیت و آزار اجابتی ایران در این دوران، خود، عامل شتاب‌دهنده‌ای برای رهایی قوای روحانی بود که به خروج امر مبارک از مرحله مجهولیت منجر شد. بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۶ ژانویه ۱۹۸۲ خطاب به بهائیان عالم فرمودند، "هر قطره خونی که توسط شهدای شجاع بر زمین ریخت، هر آهی که از بن جان قربانیان ظلم و ستم بر آمد، هر تمنایی که برای حصول امدادات الهی توسط اجابتی وفادار تقدیم ساحت حق شد، به نحوی اسرارآمیز، قوایی را آزاد کرده و همچنان آزاد خواهد ساخت که احدی از اعدای امر مبارک قدرتی بر آن نخواهد داشت، و، آنچنان که خداوند همیشه حاضر و ناظر اراده و هدایت فرموده، سبب گردید صیت و شهرت امر مبارک در جمیع قارات عالم به سمع جمیع نفوس برسد... تزییقات حالیه سبب شده که توجه اهل عالم، به نحوی که در تاریخ سابقه ندارد، به سوی اسم و آوازه امر محبوب ما جلب شود." (ترجمه)

یکی از فقرات را از بخش "مطالب خواندنی" انتخاب کنید

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بلاجواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی و منبعی که رد زیر آورده شده برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-	
۲-	
۳-	
۴-	

قرن بدیع اثر حضرت ولی امرالله - تاریخ صد ساله اول امر مبارک که توسط حضرت ولی امرالله نوشته شده و طی آن ستیزه بین قوای نور و ظلم در طی دوران مزبور به تصویر کشیده شده است.

### سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- عوامل مرتبط با نقشه بزرگ الهی (نقشه اعظم) را با ضربدر علامت بزنید:

الف - صلح اصغر یا صلح اعظم

ب - جریان سازنده یا جریان مخرب

ج - فعالیت جهان یا فعالیت بهائیان

د - مدنیت در حال انحطاط یا نظم بدیع جهانی

۲- چهار مورد از شش ویژگی جوانان را که بیت‌العدل اعظم تعیین فرموده‌اند و آنها را قادر خواهد ساخت "پیشرو جمیع باشند و در هر مشروعی که شرکت نمایند، قوه محرکه و فعاله" گردند، ذکر کنید.

- الف -----
- ب -----
- ج -----
- د -----

۳- سه هدفی را که جنود روحانی حضرت بهاء‌الله برای آن نبرد می‌کنند ذکر کنید:

- الف -----
- ب -----
- ج -----

## جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- نقشه اعظم الهی به دو جریانی اشاره دارد که "از طریق کلّ عالم انسانی عمل می‌کند" در حالی که نقشه صغیر از آن بهائیان است. صلح اصغر، جریان تخریب و فروپاشی، و مدنیت در حال انحطاط نشان دهنده ظهور و بروز نقشه عظیم الهی است. به سه بیان شماره ۱ تا ۵ در بخش "مطالب خواندنی" توجه کنید.

۲- به بیان شماره ۸ توجه کنید. شش مورد احتمالی عبارتند از:

- طاقت تحمل سختی‌ها و شدايد
- حرارت و محبت
- به سهولت خود را با اوضاع محل وفق می‌دهند
- از عهده حلّ معضلات جدید بر می‌آیند
- مشتعل و منجذب ساختن دیگران

• صفات و کمالات روحانی که سنجیهء جوانان بهائی است

۳- به بیان حضرت ولی امرالله در بخش "توضیح" توجه کنید. سه هدف را مشخص می فرمایند:

- تطهیر
- ایجاد وحدت
- روحانیت

### بحث

به کلام خود دو جریان سازنده و مخرب را که هم‌اکنون در جهان در حال فعالیت هستند، توصیف نمایید. چه شواهدی از این دو جریان مشاهده می‌کنید؟ (به بیانات شماره ۱ تا ۵ اشاره کنید).

وجه تمایز بی‌مثیل این نسل از جوانان بهائی چیست؟ (به بیان شماره ۷ اشاره شود).

مسئولیت‌های جوانان بهائی در این دوران بحرانی چیست؟ (به شماره‌های ۱۲-۵ اشاره شود).

صفات جنود روحانی چیست؟ دست زدن به نبرد روحانی به چه معنی است؟ از چه لحاظ به نبرد عملی شباهت دارد؟ از چه لحاظ تفاوت دارد؟ (به بیانات ۱۲-۹ اشاره شود).

## انضباط جنود روحانی

### مقدمه

حضرت ولی امرالله فرمودند، "احباء باید در جمیع اوقات مدّ نظر داشته باشند که آنها، از جهتی، مانند جنودی هستند که مورد حمله و هجوم قرار گرفته باشند. عالم در این زمان، از لحاظ روحانی، فوق العاده مظلم و تاریک است؛ نفرت و انواع تعصبات، جدّاً و حقیقتاً در حال متلاشی کردن آن است. از طرف دیگر، ما حارسان قوای مقابل، یعنی قوای محبت، وحدت، صلح و ائتلافیم، و باید مستمراً مراقب باشیم ... مبدا این قوای منفی مخرب از طریق ما در جمع ما رخنه و نفوذ نمایند."<sup>۱</sup>

سپاه نیرومند محتاج سربازان منضبط است. سپاه نور از این قاعده مستثنی نیست. کسانی که قیام می‌کنند تا در نبرد نور و تاریکی در زمره جنود روحانی قرار گیرند باید مسئولیت تقویت روابط خود با خداوند را به عهده گرفته، برای تحوّل روحانی تلاش نمایند و به اعمال ارزشمندی در خدمت به امر مبارکش مبادرت ورزند.

وصول به این اهداف، فرایندی تدریجی و مستلزم انضباط و تلاش مداوم برای فرد است. چهار فصل آینده بر چهار طریق خدمت برای جوانان متمرکز خواهد بود. هر یک از این طرق خدمت باید با شور و حرارت دنبال شود. توفیق در هر یک از آنها بر پایه انضباط روحانی که در این فصل مورد بحث قرار می‌گیرد، استوار است.

### نمای کلی

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "کلّ مسئولیت ترقی و تقدّم" امرالله، به عهده جوانان است.<sup>۲</sup> برای تحقّق این وظیفهء عالیّه، جوانان بهائی باید متحوّل گردند و جنود روحانی – "نور مجسم" – شوند.

نبرد تاریکی و نور متضمّن برخورد قوایی است که جهان را شکل می‌دهند. ماده پرستی، تعصب، ملیت پرستی، بی‌دینی، و سایر قوای ظلمت، جهت جذب قلوب و در اختیار گرفتن سرنوشت نوع انسان، در حال ستیزه و نزاع با محبت، وحدت و روحانیت هستند.

ماهیت سلاح‌هایی که در این نبرد استفاده می‌شود اساساً روحانی است. این سلاح‌ها عناصر انضباط نفس و تحوّل است که در آثار بهائی توصیف شده است. جوانان بهائی می‌توانند از این سلاح‌ها برای جذب قوه روحانی جهت غلبه بر قوای ظلمت استفاده کنند و مجرای پاکیزه برای جریان یافتن قوای نور شوند که در حال ایجاد نظم بدیع جهانی هستند.

<sup>۱</sup> ترجمه – انوار هدایت، شماره ۱۳۴۷

<sup>۲</sup> ترجمه – توقیع دوم نوامبر ۱۹۳۲ مندرج در صفحه ۴۲۹ جلد دوم *Compilation of Compilations*

<sup>۳</sup> مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۲۸



## توضیح

حضرت ولی امرالله به "ظهور و بروز انقلاب عظیم جهانی" اشاره فرمودند که "قوای" آزاد شده ناشی از آن "تعادل اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی جامعه عمومی سازمان یافته را به شدت دچار اختلال و تزلزل ساخته است."<sup>۴</sup> هیکل مبارک توضیح می‌فرمایند که از جمله این قوای ظلمت "تعصب نژادی"<sup>۵</sup>، "الحاد، ملت پرستی، بی‌دینی و ماده پرستی" است.<sup>۶</sup>

ما با نفس ضعیفی که داریم نمی‌توانیم امیدوار باشیم که در نبرد علیه این قوای ظلمت به پیروزی دست یابیم. باید متحوّل شویم. این تحوّل از طریق مبادرت به عمل و تفکر و تأمل مبتنی بر آثار حضرت بهاءالله میسر می‌شود.

بنا به بیان حضرت بهاءالله، هدف از هر ظهوری تغییر و تبدیل در هر یک از افراد بشر است.<sup>۷</sup> ظهور حضرت بهاءالله قوای نیرومند روحانی را آزاد نموده که می‌توانند به مدد ما بیایند و ما را تغییر دهند. به مدد این قوا "پشه ضعیف"، "عقاب قوی" گردد و "گنجشک نحیف" به "شهباز" تبدیل گردد.<sup>۸</sup> به مدد این قوا، جوانی حقیر به سلحشوری روحانی بدل گردد.

این جریان که به وسیله آن، شخص متحوّل می‌گردد، الزاماً کند و مستلزم بردباری و تلاش مداوم و سیستماتیک برای به کار بردن تعالیم بهائی در زندگی روزمره است.

حضرت عبدالبهاء در یکی از بیانات خود از جوانان بهائی می‌خواهند که "شاگردان حق"<sup>۹</sup> باشند. این به چه معنی است؟ کارآموز و شاگردی را در کارگاه خیاطی در نظر بگیرید. شاگرد کارش را از استاد خیاط یاد می‌گیرد. این یادگیری از طریق عمل و راهنمایی، و نه صرفاً با خواندن کتاب، صورت می‌گیرد.

شاگرد با به کار بردن مهارت‌های عملی خیاط، روز به روز بیشتر پیشرفت می‌کند. در آغاز، شاگرد دوختن را یاد می‌گیرد؛ سپس متر کردن و برش را می‌آموزد. بالاخره روزی فرا می‌رسد که شاگرد بسیاری از مهارت‌ها را کنار هم می‌گذارد و لباس کامل را از کار در می‌آورد. اگرچه این لباس کامل و بی‌نقصی نیست که استاد خیاط می‌دوزد، اما با تمرین بیشتر، کار بهتر خواهد شد.

جُند روحانی آینده، به عنوان "شاگرد حق" به کار ملکوت مشغول می‌شود. روزهای متوالی با قوای ظلمت مقابله و مبارزه می‌کند. روز به روز مهارت‌های روحانی‌اش را فزونی می‌بخشد، بر نقائصش فائق می‌آید، خُلق و خویش را متحوّل می‌سازد، از طریق دعا، مطالعه، تبلیغ و خدمت به عالم انسانی به خدایش نزدیکتر و نزدیکتر می‌شود. به مدد خداوند، قوای نور را که برای متحوّل ساختن جهان فعالیت دارند، جذب می‌کند.

<sup>۴</sup> ترجمه - *The Advent of Divine Justice*، ص ۳ / ترجمه فارسی مطلب فوق در صفحه ۵ متن فارسی موجود است؛ اما با متن انگلیسی تطبیق تام ندارد.

<sup>۵</sup> حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۹۶

<sup>۶</sup> نقل ترجمه از فصل پانزدهم گوهر یکتا / اصل بیان در صفحه ۱۶۹ *Messages to the Baha'i World*

<sup>۷</sup> ایقان، ص ۱۸۷ ("مقصود از هر ظهور، ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهرّاً، ظاهراً و باطناً؛ چه اگر به هیچ وجه امورات ارض تغییر نیابد، ظهور مظاهر کلیه لغو خواهد بود.")

<sup>۸</sup> منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۱

<sup>۹</sup> مجموعه آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۸۰

حضرت ولی امرالله فرمودند، "در مقابل چشمان جنودی که در ظلّ این رایب نوراً داخل می‌شوند، آنچنان میادین وسیع و گستردهء تحقیق و تحکیم وجود دارد که سبب بُهت عیون و حیرت و دهشت قلب هر نفسی می‌شود که مانند مستظّلین در ظلّ رایب سمحای این امر مبارک، قاطع و مصمّم نیستند. مدارج عالیهای که علّمداران این دین مبین باید به آن ارتقاء جویند فی الحقیقه صعب و مهیب؛ مشکلات و معضلاتی که در این سبیل با آن مواجهند، متعدّد و کثیر؛ طریق منتهی به فتح و ظفر کَلّی و نهایی، سخت بغرنج، ناهموار و باریک است. معهدا، کلام نازله از قلم اعلی، مشحون از اطمینان مؤکّد، از آن آنها است: «لَوْ يَقَوْمٌ وَاحِدٌ مِنْكُمْ عَلَى نُصْرَةِ أَمْرِنَا لَيَغْلِبَهُ اللَّهُ عَلَى مِائَةِ أَلْفٍ وَ لَوْ أُرْدَادًا فِي حُبِّهِ لَيَغْلِبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ.»<sup>۱۱</sup>

## مطالب خواندنی

۱- حضرت ولی امرالله در ۱۱ اوت ۱۹۵۷ می‌فرمایند، "احبّای الهی باید قدرت روح القدس را که در این زمان، به واسطهء ظهور اعظم جمال رحمن، ظاهر و عیان گشته و در حال تجدید حیات روحانی آنان است، درک کنند. اگر احبّاء خود را کاملاً در معرض نفوذ و هدایت روح قدسی الهی قرار دهند، هیچ قدرتی، اعم از سماوی یا ارضی، قادر نخواهد بود لطمه‌ای به آنان وارد آورد."<sup>۱۲</sup>

۲- حضرت بهاءالله در ایقان شریف می‌فرمایند، "همین گروه ... به مجردّ این که صهبای ایمان را از کأس ایقان از ایادی مظاهر سبحان می‌نوشیدند، بالمرّه تقلیب می‌شدند، به قسمی که از زن و فرزند و اموال و اثقال و جان و ایمان، بلکه از ما سوی‌الله، می‌گذشتند؛ و به قسمی غلبات شوق الهی... ایشان را اخذ می‌نمود که دنیا را و آنچه در آن هست به پر کاهی ندانسته ... و یک نفر از این جنود در مقابل گروهی مقاتله می‌نمود. معذلک چگونه می‌شود که اگر این نفوس همان نفوس قبل باشند، این گونه امورات، که مخالف عادات بشریّه و منافی هوای جسمانیّه است، از ایشان ظاهر شود؟" (ص ۱۲۱)

۳- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "ملکوت الهی از قوّت و قدرت لایتناهی برخوردار. جنود حیات باید متهوّر و شهیم باشند تا تأییدات ملکوت مستمراً مکرراً بر آن نازل گردد ... میدان وسیع، و زمان برای حرکت فارسان مقتضی. حال باید قوّت و قدرت به منصّهء ظهور رساند، شهامت قلب و شجاعت نفس و قوّت و قدرت نمایان نمود."<sup>۱۳</sup>

۴- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "حضرت اعلی روحی له الفدا می‌فرماید، «لَوْ أَرَادَتْ نَمْلَةٌ أَنْ تُفَسِّرَ الْقُرْآنَ مِنْ ذِكْرِ بَاطِنِهِ وَ بَاطِنِ بَاطِنِهِ لَتَقَدَّرَ؛ لِأَنَّ السَّرَّ الصَّمْدَانِيَّةَ قَدْ تَلَجَّلَجَ فِي حَقِيقَةِ الْكَائِنَاتِ.» چون مور ضعیف را چنین استعداد لطیف حاصل، دیگر معلوم است که در ظلّ فیوضات جمال مبارک ... چه عون و عنایت حاصل گردد و چه تأیید و الهام متواصل شود.

پس ای نورسیدگان نورانی شب و روز جهد نمایند تا به حقائق و معانی پی برید و اسرار یوم ظهور را ادراک کنید و حجج و براهین اشراق اسم اعظم را اطلاع یابید. زبان به ثنا بگشایید و ادلّه و برهان اقامه نمایید؛ تشنگان را به معین ماء حیوان

<sup>۱۰</sup> نقل بیان حضرت بهاءالله، از توقیع مبارک نوروز ۱۱۰ / توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹، ص ۱۱۵

<sup>۱۱</sup> ترجمه - توقیع مبارک آوریل ۱۹۵۶ خطاب به انجمن‌های شور روحانی سالانه در جمیع قارات | *Messages to the Baha'i World*، ص ۱۰۱

<sup>۱۲</sup> ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۷۶۶ / *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۲۱

<sup>۱۳</sup> ترجمه - نقل در توقیع مبارک ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ مندرج در صفحه ۱۷ *Messages to America*

برسانید و مریضان را شفای حقیقی بدهید. شاگردان حق گردید و طبیبان الهی شوید؛ مریضان انسان را معالجه نمایید." (آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۸۰-۷۹)

۵- کاتب حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک مرقوم داشته است: "هیچ بهائی حقیقی و باوفایی در این یوم نباید عاطل و باطل ماند یا طالب راحت و آسایش خویش یا حتی رضایت نفس خود باشد. ما باید مستمراً بر قوای ظلمت که کره ارض را احاطه کرده هجوم آوریم و طلوع فجر یوم بدیع را که حضرت بهاءالله از آن اخبار فرموده، سرعت بخشیم." (رقیمه مورخ ۱۹ آوریل ۱۹۳۳)

۶- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "نمایندگان محلی و ملی جامعه ... حتی ولی امرالله نیز بنفسه ... هیچ‌یک نمی‌توانند وظیفه فرد را تعیین نمایند و یا در ایفای چنین وظیفه‌ای جای او را بگیرند. تنها فرد است که باید اهمیت موضوع را تشخیص داده، به وجدان خود رجوع کند و با توسل به دعا و مناجات جوانب امر را در نظر گیرد و مردانه با غریزه راحت‌طلبی، که مانع از قیام اوست، مبارزه کند و قاطعانه، به کمال بسالت، علائق ناچیز و بیپوده را، که مانع از حرکت اوست، به دور افکند و از هر فکری که سبب سدّ سبیل شود، خود را آزاد و فارغ ساخته ... با عموم طبقات جامعه، از مرد و زن، مؤانست جوید ... و با حکمت و محبت و دعا و پافشاری، نفوس را به امری که خود به آن ایمان آورده، جلب نماید.

مادیت خشک و خشنی که در حال حاضر سرتاسر ملت را فرا گرفته، تعلق به اشیاء دنیوی که نفوس بشری را احاطه نموده، ترس و اضطرابی که افکار را پریشان کرده، لذات و تفریحاتی که اوقات را معطوف به خود ساخته، تعصبات و خصوماتی که آفاق را تیره و تار کرده، لاقیدی و رخوتی که مشاعر روحانی را فلج ساخته - اینها از جمله موانع عظیمه‌ای هستند که هر طالب مجاهدی که قصد خدمت در سبیل امر حضرت بهاءالله را دارد با آن مواجه می‌گردد و برای تجدید حیات و رستاخیز هموطنانش باید با آن به مبارزه برخاسته، بر آن غلبه نماید.

مجاهدی که در جبهه داخلی به خدمت قیام می‌کند به هر اندازه که از آلودگی‌ها پاک و مطهر و از مشغولیات ثانویه و اضطرابات ملال‌انگیز آزاد و از تعصبات و خصومات بری و از نفس فارغ و مملو از قوه امداد و شفافبخش الهی گردد، موفق به غلبه بر قوایی شود که علیه او قد علم کرده و صف کشیده است. آن وقت است که می‌تواند نفوسی را که طالب هدایت آنان است، به مغناطیس محبت جذب نموده، سبب ایمان و ولای ثابت و راسخ آنان به امر حضرت بهاءالله گردد.

هر چند این امر دقیق و دشوار و مستلزم سعی و کوشش ممتد و فراوان است و نفسی که به حمایت امری قیام می‌نماید که با شیوع قوای مادیت و ملتیت و لامذهبی و تعصب نژادی و مقاومت علمای رسوم در حال جنگ و مبارزه است، در راه خود با انواع خطرات و دام‌های گوناگون مواجه خواهد گردید؛ ولیکن قدرت غالبه فضل و تأیید الهی که از ظهور حضرت بهاءالله شامل او می‌گردد، بدون تردید به نحوی اسرارآمیز و محیرالعقول پیروزی و غلبه کامل را نصیب او خواهد فرمود." (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۹۶-۱۹۴)

۷- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "وَ اجْعَلُوا إِشْرَاقَكُمْ أَفْضَلَ مِنْ عَشِيَّتِكُمْ وَ غَدَكُمْ أَحْسَنَ مِنْ أَمْسِكُمْ." (لوح حکمت، آثار قلم اعلی، ج ۲، ص ۱۳۱ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۸)

۸- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "اتلوا آیات الله فی کلّ صباحٍ و مساءٍ؛ إِنَّ الَّذِي لَمْ يَتَلُ لَمْ يُؤْفَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ مِيثَاقِهِ..." (کتاب اقدس، بند ۱۴۹)

۹- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، چنین آمده است: "حضرت ولی امرالله فوق العاده تقدیر می فرمایند که شما در کمال وفاداری و صیابی حضرت بهاءالله در مورد ادای نماز روزانه را اطاعت و اجرا می کنید، و به این وسیله برای جوانان بهائی سرمشق مطلوبی را فراهم آورده‌اید. این نمازهای روزانه از قوت مخصوص برخوردار است که تنها کسانی که آنها را به طور مرتب ادا می کنند می توانند آنچنان که شاید و باید به آن پی ببرند." (ترجمه - صفحه ۲۴۰ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

۱۰- حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارکه می فرمایند، "اصول تعالیم حضرت بهاءالله، یک به یک، باید به دقت مطالعه شود تا قلب و روان به آن پی ببرد و آن را درک کند - به این ترتیب پیروان قوی نور، سربازان حقیقی روحانی و آسمانی خداوند می شوید و به کسب و انتشار مدنیت حقیقی در ایران، اروپا و در تمام عالم می پردازید." (ترجمه - صفحه ۲۲ *Paris Talks*)

۱۱- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده، چنین آمده است، "آنچه که هر یک از احباء، اعم از قدیم یا جدید، باید درک کند این است که امر مبارک از قدرتی روحانی برای خلق جدید ما برخوردار است مشروط بر آن که سعی کنیم قوه مزبور در ما رسوخ و نفوذ نماید... ما باید به حضرت بهاءالله التجاء نماییم که در غلبه بر نقائص اخلاقی خود و نیز در استفاده از قوه اراده خویش برای تسلط بر خود، به ما مساعدت نمایند." (صفحه ۴۴۲ *Unfolding Destiny*)

۱۲- حضرت بهاءالله در سوره الملوک می فرمایند، "ثُمَّ انصَبْ مِيزَانَ اللَّهِ فِي مُقَابَلَةِ عَيْنَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ نَفْسَكَ فِي مَقَامِ الَّذِي كَانَتْ تَرَاهُ ثُمَّ وَزِّنْ أَعْمَالَكَ بِه فِي كُلِّ يَوْمٍ بَلْ فِي كُلِّ حِينٍ وَ حَاسِبْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبَ..." (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۴۱)

۱۳- حضرت ولی امرالله می فرمایند، "این تقدیس و تنزیه ... مستلزم توجه و مراقبت تام در احتراز از مشتتهیات نفسانی و ترک اهواء و تمایلات سخیفه ... است." (ظهور عدل الهی، ص ۶۳)

۱۴- حضرت بهاءالله می فرمایند، "غفلت را به نار حبّ و ذکر بسوزاند و از ما سوی الله چون برق درگذرد." (ایقان، ص ۱۵۰)

۱۵- حضرت عبدالبهاء می فرمایند، "آیات الهی را تلاوت کنید، در معانی آن دقت و تأمل نمایید و به موجب آن عمل کنید." (ترجمه - صفحه ۸۵ جلد اول *Tablets of Abdu'l-Baha*)

۱۶- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "دعا و مناجات از عوامل بسیار مهم در تحکیم حیات روحانی فرد است، اما باید با عمل و سرمشق توأم باشد، زیرا این دو نتایج ملموس دعا و مناجات است." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۴۸۳)

۱۷- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "باید اطمینان داشته باشید که تمسک تام شما به احکام و حدودی که حضرت بهاءالله عمل به موجب آن را واجب فرموده‌اند، یکی از قوایی است که به نحوی مؤثر می تواند شما را هدایت کند و قادر سازد تا در امتحانات و افتتانات زندگی خود سربلند و پیروز باشید، و به شما کمک کند که از لحاظ روحانی از رشد و ترقی مداوم نصیب برید." (ترجمه - صفحه ۲۴۰ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

۱۸- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "ابدأً نباید بگذارند یومی بگذرد بدون آن نفسی تبلیغ شود؛ باید به حضرت بهاءالله اعتماد نمود که بذر کاشته شده رشد خواهد کرد." (ترجمه - صفحه ۳۲۱ *Compilation of Compilations*)

۱۹- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "توصیه برادرانه هیکل مبارک به شما و کلیه احتیای باوفا و مشتاق مانند شما آن است که باید معلومات خود در مورد تاریخ و اصول اعتقادی امر مبارک را، نه تنها با مطالعه دقیق و کامل، بلکه با مشارکت فعال، جدی، صمیمانه و مستمر در جمیع فعالیت‌های اداری و غیر اداری جامعه‌تان، از عمق و وسعت بیشتر برخوردار نمایید. حیات جامعه بهائی آزمایشگاهی لازم و حیاتی در اختیار شما قرار می‌دهد که می‌توانید در آن، اصولی را که از تعالیم مبارکه درک و برداشت می‌کنید، به عمل سازنده و استوار تبدیل نمایید." (ترجمه - صفحه ۲۱۹ جلد اول و صفحه ۴۲۴ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

۲۰- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "شرط، استقامت است؛ و در هر امری که ثبوت و استقامت گردد، البته نتیجه بخشد و الا ایامی چند دوام نماید، بعد مختل گردد." (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۴۰ / آثار مبارکه درباره تربیت بهائی، ص ۷۸)

۲۱- در مکتوبی که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است، "کافی نیست که در کمال جدیت برای کسب هدایت دعا شود، بلکه بعد از دعا باید در مورد بهترین روش‌های عملی به تفکر و تعمق پرداخت و سپس به عمل مبادرت کرد. حتی اگر عمل بلافاصله منجر به نتایج نگردد، یا شاید تماماً صحیح نباشد، تفاوت زیادی نخواهد داشت، زیرا دعا را از طریق عمل می‌توان اجابت کرد و اگر عمل کسی صحیح نباشد، خداوند می‌تواند از آن برای نشان دادن مسیری که صحیح است استفاده نماید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۵۰۸ / صفحه ۳۲۵ جلد دوم *Compilation of Compilations*)

## مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-	
۲-	
۳-	
۴-	

### سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- چهار مورد از قوای ظلمت را که توسط حضرت ولی امرالله توصیف شده فهرست کنید:

- الف - -----
- ب - -----
- ج - -----
- د - -----

۲- (هر کدام را که مصداق دارد علامت بزنید). کدام یک از موارد زیر را حضرت ولی امرالله به عنوان مانعی در راه جنود آینده در خدمت حضرت بهاءالله توصیف می‌فرمایند:

الف - ماده پرستی

ب - مقاومت علمای رسوم

ج - لذات و عیاشی

د - خمودت و جمودت

۳- (هر کدام را که مصداق دارد علامت بزنید.) بهائیان هر روزه به عنوان بخشی از انضباط روحانی شخصی خود به کدام یک از فعالیت‌های زیر باید بپردازند:

الف - نماز و مناجات

ب - مطالعه آثار مبارکه

ج - به حساب کشیدن نفس خود

د - تبلیغ امرالله

## جوابها

در زیر جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- آنچه که در این فصل ذکر شده عبارتند از ماده پرستی، لامذهبی، تعصب نژادی، مقاومت علمای رسوم، و الحاد. نگاه کنید به قسمت "توضیح" و نیز شماره ۶ در "مطالب خواندنی".

۲- الف، ج و د. نگاه کنید به شماره ۶ در "مطالب خواندنی". حضرت ولی امرالله گزینه "ب" را به عنوان یکی از قوای ظلمت ذکر می‌کنند، اما آن را به عنوان یکی از موانع شخصی که جنود آینده در خدمت حضرت بهاءالله باید بر آن غلبه کنند، مذکور نمی‌دارند.

۳- الف، ب، ج، و د. نگاه کنید به شماره‌های ۸، ۹، ۱۳، ۲۰ و ۲۱ در "مطالب خواندنی". این فقرات به بحث درباره سایر اقداماتی که باید بخشی از انضباط روحانی منظم جنود روحانی در سپاه نور باشد، می‌پردازند.

## بحث

"شاگردان حق" بودن به چه معنی است؟ این حالت چه کمک می‌کند که مجرای برای جاری شدن قوه الهی شویم؟

شهامت چه ارتباطی با جذب قوه الهی دارد (اشاره به شماره ۳ در "مطالب خواندنی")؟

قوای ظلمت را که در این فصل ذکر شده، فهرست کنید. هر یک از این قوا چه هستند؟ مثال‌هایی از نحوه فعالیت هر یک در جهان بیان کنید. (اشاره به بخش "توضیح" و شماره ۶ در "مطالب خواندنی").

به کلام خود تلاش فردی برای غلبه بر قوای ظلمت را که حضرت ولی امرالله در شماره ۶ در "مطالب خواندنی" توصیف کرده‌اند، توضیح دهید. فرد به چه اقدامی باید مبادرت نماید؟ چه موانعی برای غلبه وجود دارد؟ فرد چگونه به پیروزی دست می‌یابد؟ مفاهیم ضمنی این فقره برای وضعیت شخصی شما چیست؟

عناصر انضباط شخصی روحانی روزانه چیست؟ برای خودتان ملاحظه نمایید که آیا به این فعالیت‌ها می‌پردازید یا خیر. چه کاری می‌توانید برای تغییر الگوی فعالیت‌های روحانی خود می‌توانید انجام دهید تا اقداماتی را که در آثار مبارکه از شما خواسته در آن بگنجانید؟ (به شماره‌های ۷ به بعد در "مطالب خواندنی" اشاره شود).

## تمرین

جُند خداوند هدایات خود برای مبادرت به عمل را از آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم دریافت می‌دارد. جند مؤثر بودن به توانایی شما برای شناسایی هدایت‌هایی در مطالبی که خوانده‌اید، و سپس عمل به موجب آنها بستگی دارد. تمرین زیر به شما اجازه می‌دهد این وظیفه را عملی سازید.

هدایات برای اقدام و عمل به آسانی شناسایی می‌شود. معمولاً آنها فعل‌های عملی هستند که همراه با واژه‌های معدودی بیان می‌شوند که معنا و مفهوم را بسط می‌دهند. غالباً چندین فرمان در یک ردیف وجود دارد. این هدایات غالباً همراه با نتایج اطاعت همراه است. در فقراتی که ذیلاً نقل می‌شود، هدایات برای عمل را بیابید و زیر آنها خط بکشید. چند مورد اول برای شما انجام شده است. سپس، هدایات را به زبان خوتان فهرست کرده راه‌هایی را که می‌توانید به موجب آن عمل کنید، بیان نمایید.

### از آثار حضرت بهاءالله:

۱- أَنْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ لَا تَسْتَقِرُّوا عَلَى فِرَاشِ الرَّاحَةِ وَإِذَا عَرَفْتُمْ بَارِعَكُمْ وَسَمِعْتُمْ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ قَوْمُوا عَلَى النَّصْرِ ثُمَّ انْطَقُوا وَلَا تَصْمُتُوا أَقَلَّ مِنْ أَنْ وَإِنَّ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كَنُوزِ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ. (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۱۵۴)

۲- يَا مَلَأَ الْبِهَاءَ لَا تَكُونُوا بِمَثِ الدِّينِ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ أَنْ اجْهَدُوا بِأَنْ يَظْهَرَ مِنْكُمْ عَلَى الْأَرْضِ آثَارُ اللَّهِ وَأَوَامِرُهُ؛ ثُمَّ اهدوا النَّاسَ بِأَفْعَالِكُمْ ... الْأَعْمَالُ يَمْتَازُكُمْ عَنْ دُونِكُمْ وَيَظْهَرُ أَنْوَارِكُمْ عَلَى مَنْ عَلَى الْأَرْضِ. (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۹۵)

### از آثار حضرت ولی امرالله

۳- تنها فرد است که باید ... به وجدان خود رجوع کند و با توسل به دعا و مناجات جوانب امر را در نظر بگیرد و مردانه یا غریزه‌راحت‌طلبی که مانع از قیام اوست مبارزه کند و قاطعانه در کمال بسالت علائق ناچیز و بیهوده را که مانع از حرکت اوست به دور افکند و از هر فکری که سبب سدّ سبیل شود خود را آزاد و فارغ ساخته، به امتثال نصایح صاحب امر و به پیروای از مثل‌اعلای آن با عموم طبقات جامعه از مرد و زن مؤانست جوید و با شمیم و صفات ممتاز از حسن افکار و اقوال



و اعمال جاذب قلوب گردد و با حکمت و محبت و دعا و پافشاری نفوس را به امری که خود به آن ایمان آورده است، جلب نماید. (حصن حصین شریعت‌الله، ص ۵-۱۹۴)

## باز خورد

ذیلاً جوابهای پیشنهادی به تمرین فوق ذکر می‌شود. نقشه‌های مربوط به اقدام، البته، از فردی تا فرد دیگر تفاوت خواهد داشت.

۱- أَنْ يَا أَحِبَّاءَ اللَّهِ لَا تَسْتَقْرُوا عَلَي فِرَاشِ الرَّاحَةِ و إِذَا عَرَفْتُمْ بَارِعَكُمْ و سَمِعْتُمْ مَا وَرَدَ عَلَيْهِ قَوْمُوا عَلَي النَّصْرِ ثُمَّ انْطَقُوا و لَا تَصْمُتُوا أَقْلَ مِنْ أَنْ و إِنَّ هَذَا خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ كَنُوزِ مَا كَانَ و مَا يَكُونُ لَوْ أَنْتُمْ مِنَ الْعَارِفِينَ.

اهدایات	اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> <li>این طرف و آن طرف بیهوده و بیکار دراز نکشید</li> <li>حالا که به عرفان حضرت بهاء‌الله نائل شدید، قیام کرده حرکت کنید.</li> <li>با تبلیغ به نصرت حضرت بهاء‌الله بشتابید</li> <li>در مورد امرالله ساکت ننشینید - تبلیغ کنید</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>کمتر تلویزیون تماشا کنم - یک ساعت در روز</li> <li>در طرح تبلیغی جامعه شرکت کنم - مارسیا را صدا بزنم و به او پیشنهاد کمک بدهم.</li> <li>برای مساعدت، نقشه داشته باشم - بلافاصله!</li> <li>سعی کنم امیلی، ژوزف، می و معلم تاریخم را تبلیغ کنم.</li> </ul>

۲- يَا مَلَأَ الْبِهَاءَ لَا تَكُونُوا بِمَثِ الَّذِينَ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَهُ فِي أَنْفُسِهِمْ أَنْ اجْهَدُوا بِأَنْ يَظْهَرَ مِنْكُمْ عَلَي الْأَرْضِ آثَارُ اللَّهِ و أَمْرُهُ؛ ثُمَّ اهِدُوا النَّاسَ بِأَفْعَالِكُمْ ... الْأَعْمَالُ يَمْتَازُكُمْ عَن دُونِكُمْ و يَظْهَرُ أَنْوَارُكُمْ عَلَي مَنْ عَلَي الْأَرْضِ.

اهدایات	اقدامات
<ul style="list-style-type: none"> <li>مثل دیگران نباشید که قولشان با فعلشان منطبق نیست.</li> <li>سعی کنید آثار الهی را به ظهور برسانید.</li> <li>از طریق اطاعت و عمل، در مورد احکام به تفکر و تأمل پردازید.</li> <li>سعی کنید اعمال شما برای دیگران سرمشق باشد.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>همان کاری را انجام می‌دهم که می‌گویم اعتقاد دارم.</li> <li>محبت یکی از آثار الهی است - سعی می‌کنم با خدمت کردن به مردم بیش از پیش به آنها محبت داشته باشم.</li> <li>احکام بهائی را اجرا می‌کنم - دیگر غیبت نمی‌کنم.</li> <li>اگر غیبت نکنم، به غیبت‌های دیگران هم گوش ندهم، نهایتاً غیبت کم خواهد شد.</li> </ul>

۳- تنها فرد است که باید ... به وجدان خود رجوع کند و با توسل به دعا و مناجات جوانب امر را در نظر بگیرد و مردانه با غریزه راحت‌طلبی که مانع از قیام اوست مبارزه کند و قاطعانه در کمال بسالت علائق ناچیز و بیهوده را که مانع از حرکت

اوست به دور افکند و از هر فکری که سبب سدّ سبیل شود خود را آزاد و فارغ ساخته، به امثال نصایح صاحب امر و به پیروای از مثلّ اعلاّی آن با عموم طبقات جامعه از مرد و زن مؤانست جوید و با شیم و صفات ممتازه از حسن افکار و اقوال و اعمال جاذب قلوب گردد و با حکمت و محبّت و دعا و پافشاری نفوس را به امری که خود به آن ایمان آورده است، جلب نماید.

اقدامات	هدایات
<ul style="list-style-type: none"> <li>• وقتی را برای دعا و تفکر در مورد آن کنار بگذارم.</li> <li>• هر صبح ۱۵ دقیقه زودتر بلند شوم تا برای تبلیغ آماده گردم.</li> <li>• کمتر وقت و پول را صرف مد کنم و از اینگونه موارد ناچیز بگذرم.</li> <li>• خودم آیتی بشوم - مثبت فکر کنم؛ موانع را به صورت مشکلاتی ببینم که باید بر آن غلبه کرد.</li> <li>• با افراد خارج از "گروه" خود طرح دوستی بریزم و آنها را به بیت تبلیغی دعوت کنم؛ همسایه بیمارم، آقای لی را، با مراقبت از حیاطش تبلیغ کنم.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>• به وجدان خود رجوع کنید که بدانید برای امرالله چه کاری باید انجام داد.</li> <li>• در مقابل میل به بیهودگی و عدم فعالیت مقاومت کنید.</li> <li>• از علائق ناچیز که مانع از حرکت است خود را رها کنید.</li> <li>• تفکر منفی در مورد موانع را کنار بگذارید - مثبت فکر کنید.</li> <li>• با انواع مردم مؤانست جوید؛ سعی کنید با اخلاق و اعمال در قلب آنها نفوذ کنید و آنها را تبلیغ کنید.</li> </ul>

## تقویت روح

### مقدمه

در این فصل به اولین مورد از چهار طریق عملی برای جوانان بهائی، یعنی تقویت روح، توجه می‌کنیم.

حضرت ولی امرالله خاطر نشان فرمودند، "چگونه روحانیت حاصل می‌گردد حقیقتاً سؤال است که هر زن و مرد جوانی بایستی دیر یا زود برای آن جواب رضایت بخشی بیابد. لیکن دقیقاً به جهت نداشتن جواب قانع‌کننده، جوانان امروزی خود را سرگردان می‌یابند و بالنتیجه تحت تأثیر قوای مادی که با نهایت قدرت بنیاد اخلاقی و حیات معنوی انسان را ویران می‌سازد، قرار می‌گیرند. فی الحقیقه، علت عمده سیئات که حالیه در جامعه شایع و بسیار متداول است، فقدان روحانیت است."<sup>۱</sup>

به این ترتیب، اولین سلاح جُند روحانی برای مبارزه با قوای تاریکی عبارت از روحی نیرومند است که از ارتباط تزلزل‌ناپذیر با منبع قوای الهی نشأت می‌گیرد. جُند روحانی به این طریق به مجرای برای جریان یافتن قوای ربّانی نور تبدیل می‌شود.<sup>۲</sup>

### نمای کلی

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "... هسته ایمان مذهبی آنگونه احساسات پنهانی و عرفانی است..."<sup>۳</sup> اولین وظیفه ما به عنوان جنود روحانی این است که دل به خدا بندیم تا قوه الهی را، که خون حیات برای موجودیت روحانی ما است، جذب نماییم.

حضرت ولی امرالله حدّ اقلّ بر چهار اقدام مرتبط به هم اشاره می‌فرمایند که در اثر این ارتباط روحانی صورت می‌گیرد. این موارد عبارت از حبّ الهی، ثبوت بر عهد و پیمان، تعامل با کلام الهی، و توکل به ذات حق است. در هر یک از این راهها، قلوب ما پیوندی محکم‌تر با خداوند می‌یابد.

با تقویت ارتباط روحانی با خداوند و اراده او از طریق دعا و اجرای تعالیم حضرت بهاءالله، به مجاری مؤثرتر برای جریان یافتن قوای روحانی تبدیل خواهیم شد.

<sup>۱</sup> مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۸۴۵ / نقل ترجمه از ص ۸ راهنمای جوانان

<sup>۲</sup> *The Power of Divine Assistance*، صفحه ۲۰؛ از طرف حضرت ولی امرالله

<sup>۳</sup> مکتوب ۸ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله / انوار هدایت، شماره ۱۸۴۵ / نقل ترجمه از ص ۹ راهنمای جوانان

## توضیح

حضرت ولی امرالله با این کلام به جنود روحانی حضرت بهاءالله متوسل می‌شوند: "درع حبّ در بر، بر مرکوب استقامت سوار، سنان کلام ربّالجنود در دست، و با توکل مسلّم به وعود حضرتش به عنوان بهترین توشه سفر، به میادین توجّه نمایند که هنوز بکر و نامکشوف باقی مانده و قدم به سوی اهدافی بردارند که هنوز وصول به آن میسر نشده..."<sup>۴</sup>

این بیان بر چهار اقدامی تأکید دارد که از تمسک تام به مولی‌الأنام نشأت می‌گیرد و ما را در نبرد روحانی مجهز می‌سازد. هر یک از آنها بر توانایی ما برای جذب قوای روحانی اثر می‌گذارد.

- **حبّ الهی** جاذب محبت خداوند به سوی ما است و ما را در سوزاندن و از بین بردن "حجاب‌های نفس شیطنی"<sup>۵</sup> که مانع از رشد روحانی ما است، کمک می‌کند.
- **ثبوت بر عهد و پیمان** به معنای استقامت و اطاعت از احکام و تشکیلات امریه است. ثبوت و رسوخ ما را از امتحانات حفظ می‌کند و جاذب "نفحات الروح"<sup>۶</sup> است.
- **تعامل با کلام الهی** قلوب ما را به خداوند اتصال می‌دهد<sup>۷</sup>، ما را به "قوت عرفان"<sup>۸</sup> مجهز می‌سازد، و می‌تواند "سبب طهارت قلوب انسانی"<sup>۹</sup> شود.
- **توکل به ذات حق** عبارت از اعتماد به وعود الهی در مورد نزول تأییدات و حصول فتح و ظفر نهایی است که ما را قادر می‌سازد بدون آن که ضعف و عجز فردیمان ما را فلج کند، در میدان عمل قدم برداریم.<sup>۱۰</sup>

مسئولیت هر یک از جنود روحانی است که ارتباط با خدا را تقویت نماید و به مجرای جهت جریان یافتن "قوای عجیبه دافعه"<sup>۱۱</sup> حضرت بهاءالله در عالم وجود که از "قوه قاهره الهیه ... فوق احصاء و احاطه عباد"<sup>۱۲</sup> برخوردار است، تبدیل گردد. نتیجه حاصله عبارت از جریان قوی‌تر قوه‌ای است که با آن باید به مبارزه و نبرد با قوای تاریکی پرداخت.

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "فقط یک نفس که به بلوغ معنوی واصل شده و از درک روحانی و معرفت عمیق نسبت به امر الهی نصیب و بهره برده، می‌تواند مملکتی را مشتعل سازد - قوه امر الهی آنقدر عظیم است که می‌تواند از طریق مجرای که پاک و پاکیزه و عاری از هر گونه نفس‌طلبی باشد، عمل کند."<sup>۱۳</sup> بدیهی است که با اعانت نیروی شگرف، دستاوردها

<sup>۴</sup> ترجمه - پیام آوریل ۱۹۵۶ مندرج در صفحه ۱۰۲ *Messages to the Baha'i World*

<sup>۵</sup> هفت‌وادی؛ آثار قلم‌اعلی، ج ۳، ص ۱۰۲

<sup>۶</sup> مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۳۸

<sup>۷</sup> خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۵۸

<sup>۸</sup> منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۴

<sup>۹</sup> مکاتیب عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳۲۵

<sup>۱۰</sup> بیانات منتسب به حضرت نقطه اولی مندرج در صفحه ۸۱ مطالع‌الأنوار

<sup>۱۱</sup> دور بهائی، ص ۱۴

<sup>۱۲</sup> ظهور عدل الهی، ص ۳۴

<sup>۱۳</sup> ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۱، شماره ۱۳/۵، ج ۲، شماره‌های ۱۷۱۷ و ۱۹۷۲

دستاوردها به مراتب بیشتر می‌تواند باشد. در مقایسه با نیرو بشری به تنهایی، با استفاده از اسب و شخم قطعه‌گسترده‌تری از زمین را می‌توان شخم زد و آماده کشت نمود. اگر تراکتوری جایگزین اسب شود، تأثیر حاصله چند برابر خواهد شد.

"اسّ اساس و مقصود از شریعت الهی " تقویت روابط با خداوند - یعنی "ترقی روحانی باطنی" است.<sup>۱۴</sup> این رابطه باید در انضباط روحانی روزمره ما، به دقت تمام پرورش یابد. این جریان مشابه عملکرد رادیو است.

اطلاعات توسط امواج رادیو توسط ایستگاه فرستنده راهی هوا می‌شود. انرژی در آنجا است، اما شنونده تنها در صورتی از آن متأثر می‌گردد که رادیو روشن شده در کانال صحیح قرار گیرد. هرچه رادیو نسبت به امواج انتقالی دقیق‌تر تنظیم شده باشد، پارازیت کمتر و دریافت صدا واضح‌تر خواهد بود. به همین ترتیب نفس مستعد، از طریق دعا و سایر اقدامات روحانی، می‌تواند به مجرایی که به طور دقیق تنظیم شده و مرتبط با خداوند و قوه ربّانی اوست تبدیل گردد. در این صورت این نفس از توان لازم برای نفوذ در دیگران برخوردار می‌شود.

## مطالب خواندنی

۱- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "کافی نیست که شخص مؤمن فقط تعالیم الهیه را قبول و رعایت نماید؛ بلکه علاوه بر این، شخص باید احساسات روحانی خویش را که مخصوصاً از طریق دعا و مناجات حاصل می‌شود، در خود پرورش دهد. لذا آئین مبین بهائی مثل سایر ادیان الهی اصولاً دارای خصیصه معنوی و عرفانی است و هدف اصلی آن رشد فرد و اجتماع از طریق تحصیل فضائل روحانی و کسب قوای معنوی است." (راهنمای جوانان، ص ۱۰)

۲- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "مواهبی که انسان را از سایر مظاهر وجود ممتاز می‌کند در لطیفه‌ای مکنون است که از آن به روح انسانی، که عقل نیز از خواص ذاتی آن است، تعبیر می‌شود. این مواهب سبب شده که انسان را قادر بر ساختن بنیان تمدن سازد و از لحاظ مادی مرقه‌اش نماید. اما موفقیت در این امور هرگز سبب ارضاء روح انسانی نگشته است؛ زیرا روح انسانی لطیفه‌ای است که به عالم برتر مایل و به جهان غیب راغب است؛ پروازش به سوی حقیقت مطلقه و ذات لایدرک یا جوهرالجواهری است که نامش خداست و ادیان، که پی در پی در هر زمان به واسطه شمس ساطعه روحانی ظاهر شده و مهم‌ترین رابطه بین بشر و آن حقیقت غیبیه مطلقه بوده‌اند، همه سبب شده‌اند که استعداد و قوای بشری بیدار و مصفا گردد و توفیقات روحانی انسان با ترقیات اجتماعیش هم‌عنان شود." (وعده صلح جهانی، بند ۱۲)

۳- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "مع کلّ ذلک، احبّای الهی ... صرفاً مجراهایی هستند که ذات الهی از طریق آنها پیامش را به نوع بشر ابلاغ می‌کند. آنها وسائلی هستند که خداوند توسط آنها منویاتش را به خلقش انتقال می‌دهد... آنها باید به امدادات الهیه که حضرت بهاءالله به آنها وعده فرموده اطمینان راسخ داشته باشند، و با کسب قوت و روح حیات از این اعتماد تا آخر الحیات به بذل مجهودات ادامه دهند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۰۴)

۴- حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه عربی (فقره ۴) می‌فرمایند، "یا ابن الانسان اَحْبَبْتُ خَلْقَكَ فَخَلِّخْتُكَ؛ فَأَحْبَبْنِي كَيْ أَدُكَّرَكَ وَ فِي رُوحِ الْحَيَاةِ أُتَبِّتَكَ."

<sup>۱۴</sup> ترجمه - بیان حضرت ولی امرالله مندرج در *Directives from the Guardian*، شماره ۲۲۳

- ۵- حضرت عبدالبهاء می‌فرماید: "امیدوارم که ... روز به روز در محبت الهی و انجذاب به جمال باقی نیر آفاق بیفزاید. زیرا عشق الهی و محبت روحانی انسان را طیب و طاهر نماید ... و چون انسان به کلی به حق دل بندد و به جمال مطلق تعلق یابد، فیض ربانی جلوه نماید." (منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۹۷)
- ۶- حضرت بهاء الله می‌فرماید، "پس متابعت نفس ننمایید و عهدالله را مشکند و نقض میثاق مکنید. به استقامت تمام به دل و قلب و زبان به او توجه نمایند و مباشید از بی‌خردان... از پروردگار خود مگسلید و مباشید از غفلت‌کنندگان." (دریای دانش، ص ۱۲۵ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۲۸)
- ۷- حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "... باید اول قدم را بر میثاق ثابت نمود تا تأییدات بهاء الله از هر جهت احاطه کند و جنود ملاً اعلیٰ معین و ظهیر گردد و نصایح و وصایای عبدالبهاء در قلوب مانند نقش در حجر نافذ و باقی و برقرار ماند." (مکاتیب عبدالبهاء، ص ۳۰)
- ۸- حضرت بهاء الله در (بند ۱۸۲) کتاب اقدس می‌فرماید، "اغْتَسِمُوا فِي بَحْرِ بَيَانِي لَعَلَّ تَطْلِعُونَ بِمَا فِيهِ مِنْ لَثَائِي الْحِكْمَةِ وَ الْأَسْرَارِ."
- ۹- بیت العدل اعظم در تاریخ ۵ ژوئن ۱۹۸۸ می‌فرماید، "هر یک از یاران باید مستمراً به زیارت آثار مبارکه و نیز بیانات حضرت ولی محبوب امرالله پردازد، همیشه سعی و تلاش نماید که در مورد اهمیت آنها برای او و جامعه‌اش، به درکی جدید و بهتر نائل گردد. هر فردی باید در کمال اشتعال و انجذاب برای کسب هدایات الهیه، حکمت و قوت ربانیه برای مبادرت به امور جالب رضای الهی دعا نماید و در جمیع اوقات و با منتهای قوت به خدمت حق پردازد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۰۷)
- ۱۰- حضرت بهاء الله در سوره الملوک می‌فرماید، "مَنْ كَانَ لِلَّهِ، كَانَ اللَّهُ لَهُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ يَحْرِسُهُ عَنْ كُلِّ مَا يَضُرُّهُ وَ عَنْ شَرِّ كُلِّ مَكْرٍ لَنُيْمِ." (الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۳۷)
- ۱۱- در مکتوبی که کاتب حضرت ولی امرالله از طرف ایشان ترقیم نموده، آمده است، "... هیکل مبارک به شما توصیه می‌فرماید که در ایفای وظیفه‌ای که به اجرای آن مصمم شده‌اید، مداومت نمایید و اطمینان داشته باشد که با اعانت الهی قادر خواهید بود، دیر یا زود، به هدف خود نائل گردید. اتکاء و اتکال به ذات الهی فی الحقیقه قوی‌ترین و ایمن‌ترین سلاحی است که هر مبلغ بهائی می‌تواند به آن مجهز باشد. زیرا به این وسیله هر قوه دنیوی مغلوب گردد و عبور از هر مانعی میسر شود." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۲۲۱؛ شماره ۱۷۰۸)
- ۱۲- حضرت ولی امرالله می‌فرماید، "زیرا هسته ایمان مذهبی آن گونه احساسات پنهانی و عرفانی است که انسان را با خداوند مرتبط می‌سازد. این حالت ارتباط روحانی را می‌توان به وسیله دعا و تفکر به وجود آورد ... احتباء، مخصوصاً جوانان، باید ضرورت دعا و مناجات را کاملاً احساس نمایند. زیرا دعا و مناجات برای رشد و کمال روحانی آنها اهمیتی بسزا دارد..." (راهنمای جوانان، ص ۹ و ۱۱)
- ۱۳- حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "صلوة فرض و واجب است چه که منتج به خضوع و خشوع گردد و منجر به توجه الی الله و بیان خلوص و ایمان به او شود. انسان با نماز با خداوند انس و الفت گیرد و به او تقرب جوید و با محبوب قلب خود مکالمه کند و به مدارج روحانیه واصل شود." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۴۴)

۱۴- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "سؤال کرده‌اید که آیا ادعیه‌ها ما از حضرت بهاءالله هم فراتر می‌رود؛ همه چیز به این بستگی دارد که آیا ما مستقیماً به سوی آن حضرت دعا می‌خوانیم یا از طریق ایشان خدا را مخاطب قرار می‌دهیم. هر دو کار را می‌توان انجام داد، و می‌توان مستقیماً نیز به سوی خداوند دعا کرد؛ اما اگر خداوند را از طریق مظهر ظهورش، یعنی حضرت بهاءالله، خطاب کنیم، به مراتب مؤثرتر و برخوردار از نورانیت بیشتر خواهد بود." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۴۸۹)

۱۵- حضرت بهاءالله در (بند ۱۴۹) کتاب اقدس می‌فرمایند، "أتلوا آیاتِ اللهِ على قدرٍ لا تأخذكمُ الكيسالُ و الأحزانُ لا تحمِلوا على الأرواح ما يكسلها و يثقلها بل ما يخفها لتطير بأجحة الآيات الى مطلع البيئات. هذا أقرب إلى الله لو أنتم تعقلون."

۱۶- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "وَ إِذَا نَجَى رَبُّهُ وَ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ وَ اسْتَفَاضَ مِنْ بَحْرِهِ فَفَنَسَ هَذَا التَّضَرُّعَ نَوْراً لِقَلْبِهِ وَ جَلَاءَ لَبَصَرِهِ وَ حَيَاةً لِرُوحِهِ وَ عُلُوًّا لَكَيْنُونَتِهِ ... فبهذه الانجذابات تزداد السعة و الاستعداد؛ و إذا اتسع الآناء زاد الماء و إذا زاد العطش، عذب في ذوق الإنسان فيض الغمام." (بهاءالله و عصر جدید، ص ۱۰۸)

۱۷- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "عابد حقیقی در حین نماز و دعا، باید سعی کند از خداوند زیاد تقاضای اجابت امیال و آمالش ننماید، بلکه آمال و منویات خویش را با مشیت الهیه منطبق سازد. فقط با چنین تلقی و نگاهی است که می‌توان به آن احساس آرامش و رضایت باطنی نائل شد که فقط قدرت دعا به تنهایی می‌تواند ایجاد کند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ص ۲۳۹)

## تشریح با مثال

حضرت شوقی افندی جوانی فوق‌العاده استثنایی بودند، و البته ایشان حضرت عبدالبهاء را می‌پرستیدند. و وقتی که حضرت عبدالبهاء صعود فرمودند، دنیا در نظرشان تیره و تار شد. گویی هر چه نور بود، رخت بر بسته بود. وقتی ایشان به ارض اقدس برگشتند، از آنچه که حضرت عبدالبهاء به ایشان فرموده بودند، این را در نظر داشتند - حالا به شما می‌گویم که ایشان چه فرمودند. ایشان فرمودند، "در نظر داشتم که حضرت عبدالبهاء این افتخار را به من خواهند داد که مجمع عظیمی را دعوت کنم تا اعضاء بیت‌العدل اعظم را انتخاب نمایند. و تصور می‌کردم که در الواح وصایای مبارک در این مورد هدايات لازم را فرموده‌اند که چه باید کرد."

ایشان فرمودند، "اما به جای آن متوجه شدم که به عنوان ولی امرالله منصوب شده‌ام ... میل نداشتم ولی امرالله باشم. اولاً فکر نمی‌کردم لیاقت آن را داشته باشم. ثانیاً، مایل نبودم با این مسئولیت‌ها روبرو شوم ... نمی‌خواستم ولی امرالله باشم. می‌دانستم که به چه معنی است. می‌دانستم که زندگی من به عنوان یک بشر عادی تمام شده است." ایشان فرمودند، "میلی به آن نداشتم و مایل نبودم با آن مواجه شوم."

در ادامه فرمودند، "لذا ... یادم می‌آید که ارض اقدس را ترک کردم و به ارتفاعات کوهستانی سویس پناه بردم و با خودم جنگیدم تا بالاخره بر خودم غلبه کردم. بعد مراجعت کردم و توجه خود را بر خداوند متمرکز کردم و ولی امر شدم." بعد فرمودند، "حالا، هر یک از احبّاء در عالم، هر شخصی در جهان باید همین کار را بکند. چه یادی امر باشی، یا در زمره فارسان حضرت بهاءالله؛ چه عضو محفل ملی باشی، یا مبلغ امرالله؛ چه مهاجر باشی یا عضو هیأت‌های اداری؛ صرف نظر از آنچه

که هستی یا هر کاری که برای امر مبارک انجام می‌دهی؛ هر بهائی باید با خودش بجنگد و بر خود غلبه کند. و وقتی که بر خود غلبه کرد، فقط بعد از آن که بر خود غالب آمد، وسیله‌ای حقیقی برای خدمت به امرالله خواهد شد. مادام که چنین کاری را نکرده باشد، ابداً به توفیقات عظیمه نائل نخواهد شد. این نکته‌ای است که هر یک از احباء در سراسر عالم باید به آن واقف باشند."

این یکی از نکات اصلی است که مایلم از سخنرانی امشب فرا بگیرید و به خاطر بسپارید: یعنی هدایات حضرت ولی امرالله که هر فردی باید با خود بجنگد و بر خود غلبه کند، بر ماهیت پست و طبیعت دون خویش غلبه نماید، بر خود پیروز شود و توجه خود را بر خداوند متمرکز سازد تا روح قدسی الهی بتواند از طریق او عمل نماید. و وقتی روح القدس از طریق شما عمل کند، در این صورت شاهد انتصارات پیاپی خواهید بود. چون روح القدس وجه خلاق الهی است و جز حصول فتح و ظفر و حصول توفیقات برای امر مبارک کاری نمی‌تواند انجام دهد. (نقل از سخنرانی ایادی امرالله جناب لروی آیواس، *In the Days of the Guardian*)

### مطالعهء بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

<p>این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟</p>	<p>محتوای این فقره چیست؟</p>
--	------------------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

<p>۱- ۲- ۳- ۴-</p>
--------------------------------



## سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- چهار طریقی را که افراد با خداوند رابطه‌ای روحانی ایجاد می‌کنند تا مجرای برای جریان قوه الهی گردند، ذکر کنید:

الف - -----

ب - -----

ج - -----

د - -----

۲- کدام یک از عبارت زیر در مورد دعا و مناجات صحیح است:

الف - انس و الفت با خداوند از طریق دعا صورت می‌گیرد.

ب - دعا برای رشد روحانی ضروری و حتمی است

ج - تا حدی که می‌توانید باید دعا کنید.

د - شما در دعا با خدا مکالمه می‌کنید

ه - هر چه که بخواهید می‌توانید از خدا تقاضا کنید

و - دعا برای استعداد و قابلیت شما می‌افزاید

## جوابها

در زیر جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- از طریق تعامل با کلام الهی، حبّ الهی، ثبوت بر عهد و پیمان، و توکل به ذات حق

۲- الف، ب، د، ه، و صحیح است. در مورد الف و ب به بیان شماره ۱۲؛ برای د به بیان شماره ۱۳؛ برای و به بیان شماره ۱۶ مراجعه کنید. در مورد ج، حضرت بهاءالله توصیه می‌فرماید آنقدر دعا و مناجات نخوانید که سبب کسالت روح شود و بار سنگینی بر روان شما وارد گردد. به شماره ۱۵ مراجعه نمایید. در مورد ه، اگرچه حضرت ولی امرالله میفرمایند بهترین

راه این است که دعا بخوانید تا خود را با اراده الهی تطبیق دهید (بیان شماره ۱۷)، اما حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند که، "آنچه خواهی از فضل لانهایه الهی خواه." اما در ادامه آن توصیه می‌فرمایند، "اما اگر به وصیت من توجه داشتی جز دخول به ملکوت ابهی نمی‌خواستی، و غیر از مواهب جمال ابهی نمی‌طلبیدی..." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۴۱)

## بحث

ماهیت چهار وجه پیوند ما با خداوند را که در این فصل مطرح شده مورد بحث قرار دهید. آنها چه ارتباطی با یکدیگر دارند. آیا در استعاره‌ای که حضرت ولی امرالله در بیان مبارک در بخش "توضیح" برای هر یک از وجوه مزبور به کار برده‌اند، اهمیت خاصی مشاهده می‌کنید؟ (مثلاً کلام الهی به عنوان سنان، و غیره.)

درباره دیدگاه بهائی در مورد دعا بحث کنید. چرا دعا می‌کنیم؟

مقصود حضرت بهاءالله چیست که می‌فرمایند، "اتلوا آیات الله علی قدر لاتأخذکم الکیسالة"؟ این مورد در خصوص دعا و مناجات شما چگونه صادق می‌آید؟ (به شماره ۱۵ در "مطالب خواندنی" اشاره شود.)

تفکر و تعمق چیست؟ چگونه به تعمق می‌پردازید؟

برای خودتان: حالت "احساس عرفانی پنهانی" بین خود و خدا را ارزیابی کنید. برای تقویت این پیوند چه می‌توانید

بکنید؟

## اخلاق حسنه

### مقدمه

خُند روحانی باید ملبّس به خلعت اخلاق پسندیده باشد. حضرت بهاءالله می‌فرماید، "هر نفسی الیوم به جنود اخلاق و تقوی نصرت نماید و لله و فی سبیل الله بر خدمت قیام کند، البتّه آثارش در اشطار ظاهر و هویدا گردد."<sup>۱</sup>

وسیلّه لازم برای کسب اخلاق پسندیده همان قواعد روحانی است که در فصل ۲ بحث شد. قواعد انضباطی دعا و مطالعه، نبرد روزانه روحانی، تلاش برای به کار بستن تعالیم، و استقامت در عمل باید طوری عملی گردد که فضائل ربّانی کسب شود و به موجب آن عمل شود. در این فصل، تعدادی از موضوعات مرتبط در خصوص ماهیت و هدف از خُلق بهائی حقیقی مدّ نظر قرار خواهد گرفت.

این فصل دومین مورد از مسیر عملی است که جنود روحانی در امر حضرت بهاءالله باید در آن قدم بردارند. این چهار طریق مستقل از یکدیگر نیستند. اخلاق حسنه بر رابطه ما با خداوند (فصل ۳)، و تلاش‌های ما برای خدمت (فصل ۵) و تبلیغ (فصل ۶) تأثیر دارد. کسب صفات الهی بدون مشارکت در این سه زمینه امکان‌پذیر نیست. به این ترتیب، ترقی اخلاقی را در انزوا و دور از دیگران نمی‌توان به دست آورد. در واقع، تأمل و تفکر بیش از حدّ بر بعضی نقاط ضعف و نقائص خارج از متن حیات کامل بهائی ممکن است مانع از ترقی روحانی ما شود.<sup>۲</sup>

اگر خود را بهائی بنامیم، و خلیقات ما در حال تغییر و تحوّل نباشد، در این صورت تعالیم حضرت بهاءالله، حیات ایشان، و فداکاری‌های ایشان تماماً بی‌نتیجه خواهد بود. زیرا هدف از ظهور مظهر الهی متحوّل ساختن نفوس انسانی و مزین کردن آنها به فضائل آسمانی است.<sup>۳</sup> هیکل مبارک می‌فرماید، "اگر به هیچ وجه امورات ارض تغییر نیابد، ظهور مظاهر کلّیه لغو خواهد بود."<sup>۴</sup>

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید، "الیوم اعظم امور تعدیل اخلاق است و تصحیح اطوار و اصلاح رفتار."<sup>۵</sup> حضرت ولی امرالله خاطر نشان می‌فرماید که، "... جوانان بهائی مخصوصاً بایستی همیشه کوشا باشند که سرمشق و نمونه حیات بهائی باشند." زیرا، "جهان از حرف خسته شده و تشنه عمل است و جوانان بهائی باید جوابگوی این انتظار باشند."<sup>۶</sup>

در این فصل به موضوعات زیر در رابطه با کسب اخلاق و صفات بهائی توجّه خواهد شد:

- چرا باید حُسن خُلق داشته باشیم؟

<sup>۱</sup> مجموعه اشراقات، ص ۲۸۰

<sup>۲</sup> بیان بیت‌العدل اعظم مندرج در ص ۱۵۰ *Unrestrained as the Wind*

<sup>۳</sup> لثالی حکمت، ج ۳، ص ۳۷۴ / مائده آسمانی، ج ۸، ص ۸

<sup>۴</sup> کتاب ایقان، ص ۱۸۷

<sup>۵</sup> مکاتیب عبدالبهاء، ج ۴، ص ۱۹۲

<sup>۶</sup> نقل ترجمه از صفحه ۳۳ نمونه حیات بهائی، نشر دوم (۱۳۱ بدیع)

- معیار بهائی در مورد اخلاق پسندیده؛
- جریان کسب اخلاق حسنه؛ و
- خودداری از ریا: اعمال ما باید منطبق با کلام ما باشد

## توضیح

"سیف الأخلاق و الآداب أحدٌ من سيوف الحديد."<sup>۷</sup> جُند روحانی، با این سلاح، می‌تواند در جهت "اصلاح عالم"<sup>۸</sup> بکوشد و می‌تواند به "هدف از این حیات" که "آماده ساختن روح برای جهان بعد است"<sup>۹</sup> نائل گردد.

تعالیم حضرت بهاءالله در مورد اخلاق حسنه را می‌توان با قوانین طبیعت مربوط به بوم‌شناسی مقایسه کرد. اگر آلودگی هوا یا تخریب محیط زیست تعادل بوم‌شناختی را بر هم زند، عواقب مصیبت‌باری دامن افراد و جامعه بشری را خواهد گرفت. اگر رهنمودهای مربوط به اخلاق حسنه ندیده گرفته شود، اثراتش در ترقی روحانی افراد و پیشرفت جامعه محسوس خواهد بود.

آثار مبارکه حاوی فقراتی است که رئوس کلی معیار اخلاقیات بهائی را به دست می‌دهد. حضرت بهاءالله به احتیاء توصیه می‌فرمایند که خود را "مألاً به جمیع صفات مزبور، که مقام حقیقی انسان را به حیّز شهود آورد"<sup>۱۰</sup> متّصف سازند.

کسب اخلاق حسنه تلاشی است مربوط به تمام عمر که مستلزم بذل مجهودات و رعایت انضباط روحانی است. در جواب فردی که سؤال کرد چگونه به صفات بسیاری که برای فرد بهائی لازم است، متّصف شود، حضرت عبدالبهاء فرمودند، "کم کم؛ روز به روز."<sup>۱۱</sup>

"راه سخت و ناهموار است؛ ... اگر یاران بیاموزند که بر طبق تعالیم حضرت بهاءالله زندگی کنند، متوجّه خواهند شد که حقیقتاً قوای غیبیه شامل حال آنها گشته و همواره حمایت و اعانت الهی در دسترس است و موانع مرتفع و در خاتمه موفقیت حتمی و قطعی است."<sup>۱۲</sup>

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "انسان آنچه به لسان گوید، باید به اعمال و افعال اثبات کند. اگر ادعای ایمان نماید، باید به موجب تعالیم ملکوت اِبهی عمل نماید."<sup>۱۳</sup>

کلمات زیبا بدون پشتیبانی عمل و اقدام مانند سرابی است در بیابان. برای کسی که در بیابان، مستأصل و سرگردان باشد، ظهور دریاچه می‌تواند این امید را بیافریند که تشنگی به پایان خواهد رسید و زندگی نجات خواهد یافت. متأسفانه، اگر دریاچه فقط سراب باشد، امید به پایان می‌رسد و وعده بعدی در مورد آب با تردیدی و بدبینی مواجه خواهد شد. اما، اگر دریاچه واقعیت داشته باشد، تشنگی را می‌توان فرو نشاند، روحیه را دیگر بار ارتقاء بخشید، و امید را به قلب باز گرداند.

<sup>۷</sup> حضرت بهاءالله - لوح مبارک خطاب به شیخ نجفی، ص ۲۲

<sup>۸</sup> لوح دنیا، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۸ / دریای دانش، ص ۸۷

<sup>۹</sup> ترجمه - بیت‌العدل اعظم؛ ۶ فوریه ۱۹۷۳ به یکی از احتیاء / انوار هدایت، شماره ۱۲۰۹

<sup>۱۰</sup> ترجمه - منقول در صفحه ۷ *Trustworthiness*

<sup>۱۱</sup> نقل ترجمه بیان حضرت ولی امرالله (۲۳ آوریل ۱۹۵۶)، از صفحه ۴۹ نمونه حیات بهائی، نشر دوم

<sup>۱۲</sup> منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۳۵

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "موازین امری، بالاختصاص در مقایسه با اخلاقیات کاملاً فاسد دنیای فعلی، بسیار متعالی است."<sup>۱۳</sup> این موضوع غالباً سبب می‌شود که زندگی طبق تعالیم مبارکه دشوار شود. با این همه، مقتضیات فعلی امر مبارک، که در حال خروج از مجهولیت است، "وظیفه‌ای اجتناب‌ناپذیر را بر عهده جوانان می‌گذارد که اطمینان حاصل نمایند زندگی آنها، در حدّ چشمگیری، آینه تمام‌نمای قوه متحوّل کننده ظهور جدید است ... اگر پیام شفا بخش حضرت بهاءالله در جوانان، که در زمره پرنرزی‌ترین، تأثیرپذیرترین و نویدبخش‌ترین عناصر در جامعه هستند، هیچ تأثیر محسوسی نداشته باشد، چگونه باید توسط عالم انسانی شکاک مورد تصدیق و تأیید قرار گیرد؟"

## مطالب خواندنی

- ۱- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "حق ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و ثقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدسه، کلّ را مزین فرماید." (لئالی‌الحکمه، ج ۳، ص ۳۷۴ / مائده آسمانی، ج ۸، ص ۹)
- ۲- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "از خداوند جلّ جلاله مسألت نماییم که جمیع احتیای آن ارض را به اتّصاف به اخلاق حسنه مؤید فرماید تا به ترویج عدالت و انصاف در میان امم ارض منتهی شود. مقصود اولیه و اساسیه از خلقت جز ظهور امانت و دیانت، صداقت و حسن نیت در میان نوع انسان نبوده و نیست؛ چه که این صفات سبب و علت صلح، امنیت و آرامش است. طوبی از برای کسی که به این فضائل متخلّق گردد." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۲۰۱۹)
- ۳- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "بهائیان باید در حفظ موازین امریه، هر قدر که در ابتدا مشکل به نظر برسد، منتهای جدّ و جهد را مبذول دارند. اگر جوانان پی ببرند که مقصود از احکام و موازین امریه آزاد شدن آنها از معضلات غیر قابل وصف روحانی و اخلاقی است، بذل این مجهودات آسانتر خواهد شد همانطور که درک صحیح از قوانین طبیعت، شخص را قادر می‌سازد که منطبق با نیروهای کره ارض زندگی کند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۱۶)
- ۴- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "اساس و بنیان زندگی در سبیل الهی بذل مساعی جهت وصول به اعتلاء اخلاقی و وصول به شخصیتی است که موهوب به صفات مرضیه الهیه باشد. بهائیان باید خود را به این قمیص مقدّس مزین و ملبّس سازند؛ با این سیف قویم باید حصون قلوب انسانی را تصرف کنند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۱، شماره ۱۶۲)
- ۵- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "یا حزب‌الله به خود مشغول نباشید. در فکر اصلاح عالم و تهذیب امم باشید. اصلاح عالم از اعمال طیبیه طاهره و اخلاق راضیه مرضیه بوده. ناصر امر اعمال است و معینش اخلاق. یا اهل بهاء به تقوی تمسک نمایید. هذا ما حکم به المظلوم و اختاره المختار." (دریای دانش، ص ۸۷)
- ۶- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر؛ چنانچه در جمیع کتب سماویّه نازل و مسطور است، مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و بردباری و رضای بما قضی الله له و القناعه ب ما قدر له و الصبر فی البلايا بل

<sup>۱۳</sup> ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۱۰

الشكر فيها و التوكل عليه في كل الأحوال. این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حق مذکور و دیگر مابقی احکام فروغیه در ظل آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود." (اقتدارات، ص ۱۶۲)

۷- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "حسن اخلاق و اصالت کردار که از مقتضیات آن صدق و صفا و محبت و وفا و امانت و دیانت و انصاف و عدالت و پاکی و طهارت است، باید در جمیع شئون و احوال مابه‌الامتیاز حیات جامعه و صفت ممیزه هر فرد بهائی مستظل در ظل کلمه ربّانی قرار گیرد." (ظهور عدل الهی، ص ۵۱)

۸- حضرت ولی امرالله، در توقیع ظهور عدل الهی، می‌فرمایند، "عفت و عصمت به نحو مستقیم و اخصّ مربوط به جوانان بهائی است که می‌توانند نسبت به پاکی و طهارت و تحرّک و فعالیت حیات جامعه کمک‌های قاطع و مؤثر مبذول داشته و در تعیین مقدرات و خطّ مشی آن در مستقبل ایام همچنین ظهور کامل قوا و استعداداتی که به مشیت نافذده رحمانیه در نهاد آن ودیعه گذاشته شده، سهم عظیمی بر عهده گیرند (س ۴۹)..."

این تقدیس و تنزیه با شئون و مقتضیات آن از عفت و عصمت و پاکی و طهارت و اصالت و نجابت مستلزم حفظ اعتدال در جمیع مراتب و احوال از وضع پوشش و لباس و ادای الفاظ و کلمات و استفاده از ملکات و قرائح هنری و ادبی است؛ همچنین توجه و مراقبت تامّ در احتراز از مشتهیات نفسانیّه و ترک اهواء و تمایلات سخیفه و عادات و تفریحات رذیله مغرطه‌ای است که از مقام بلند انسان بکاهد و از اوج عزّت به حسیض ذلّت متنازل سازد و نیز مستدعی اجتناب شدید از شرب مسکرات و افیون و سایر آلاینش‌های مضرّه و اعتیادات دنییه نالایقه است (ص ۶۳)."

۹- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "اقوال، افعال، افکار، عدم تعصّب، شرافت خصائل، نیت متعالی خدمت به سایر نفوس - در یک کلام، صفات و اعمالی که فرد بهائی را متمایز می‌سازد باید مستمراً توصیف‌کننده حیات باطنی و سلوک ظاهری بهائیان و روابط متقابل آنها با دوست و دشمن باشد... امید چنان است که عزم جزم نمایند که فضای محلّ تحرّک خود را، اعم از کلاس‌های درس یا تالارهای آموزش عالی، محلّ کار، تفریحات، فعالیت امری یا خدمات اجتماعی، اعتلاء و ارتقاء بخشند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۳ و ۲۱۵۴)

۱۰- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "تزیید معلومات و معارف، به کمال رساندن خود از لحاظ موازین فضیلت بهائی و تحسین اخلاق باید اعظم وظیفه هر جوان بهایی باشد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۳۱)

۱۱- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "باید اوقات مخصوصه تذکّر و تنبّه و دعا و مناجات را فراموش ننمود ... نمی‌دانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید. ولی تحقّق این امر منوط به سعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایام است." (مائده آسمانی، ج ۶، ص ۶)

۱۲- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "باید به خاطر داشت که هدف از این حیات مهیا کردن روح برای عالم بعداست. در این جهان باید سلطه بر نفس و هدایت غرایز حیوانی را آموخت، نه آن که برده آنها شد. حیات در این عالم عبارت از توالی امتحانات و کامیابی‌ها، شکست‌ها و ترقیّات جدید روحانی است. گاهی اوقات مسیر ممکن است سخت دشوار به نظر برسد، اما می‌توان مکرراً شاهد بود که روح انسانی که در کمال استقامت از حکم حضرت بهاءالله اطاعت می‌نماید، هر قدر که سخت و دشوار به نظر برسد، از لحاظ روحانی رشد می‌کند، اما کسی که برای رسیدن به لذّات ظاهری به مصالحه با حکم الهی می‌پردازد مشاهده می‌شود که تابع وهم و خیال است: او به لذّت و مسرتی که طالب آن است واصل نمی‌شود، بلکه

ترقی روحانی خود را به تعویق می‌اندازد و غالباً برای خود مشکلات جدیدی می‌آفریند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۰۹)

۱۳- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "برای بیت‌العدل اعظم نه امکان‌پذیر و نه مطلوب است که به وضع مجموعه مقرراتی بپردازد که در جمیع اوضاع و احوال کاربرد داشته باشد. این از جمله وظائف هر یک از آحاد احبّاء است که، در کمال تضرّع و ابتهال و با درک و برداشتی که از آیات غنی متعال دارد، تصمیم بگیرد که، در رابطه با اوضاع و شرایطی که در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شود، نحوه سلوک او دقیقاً چگونه باید باشد. اگر بخواهد رسالت و مأموریت حقیقی حیاتش را به عنوان مؤمن به جمال مبارک تحقق بخشد، باید تعالیم مبارکه را الگو و سرمشق زندگی‌اش قرار دهد. فردی که به ردای ایمان مطرّز شده، صرفاً به زندگی طبق مجموعه‌ای از مقررات خشک و انعطاف‌ناپذیر، نمی‌تواند به این مقصود نائل گردد. وقتی زندگی او در جهت خدمت به حضرت بهاء‌الله تنظیم گردد، و زمانی که به هر عمل آگاهانه‌ای طبق این ملاک و میزان مبادرت نماید، از وصول به مقصود حقیقی از حیات ممنوع نخواهد شد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۰۷)

۱۴- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "قدرت الهیه قادر است خلقیات و خصائل ما را بالمره تبدیل نماید و ما را به موجودی دقیقاً مغایر با آنچه که قبلاً بوده‌ایم تبدیل فرماید. با دعا و تضرّع، اطاعت از احکام الهی که حضرت بهاء‌الله نازل فرموده، و خدمت دائم‌التزاید به امر مبارکش، می‌توانیم خود را متحوّل سازیم." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۷۰)

۱۵- حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، "قل ایتاکم یا ملأ البهء لاتکونوا بمثل الذین یقولون ما لایفعلونه فی انفسهم." (منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله، ص ۱۹۵)

۱۶- حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، "لازال هدایت به اقوال بوده و این زمان به افعال گشته؛ یعنی باید جمیع افعال قدسی از هیکل انسانی ظاهر شود. چه که در اقوال کلّ شریکند، ولکن افعال پاک و مقدّس مخصوص دوستان ما است. پس به جان سعی نمایید تا به افعال از جمیع ناس ممتاز شوید." (کلمات مکنونه، فقره ۷۵ / مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۵)

۱۷- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "جریان فعلی در جامعه متجدّد و تباین و تضادّ آن با اصول و تعالیم عالیّه امر مبارک در زمینه سلوک اخلاقی، اصولی که با بذل مساعی باید بدان متّصف بود، احبّای الهی را در تصمیم راسخشان در جهت تمسک تامّ به به موازین متعالیه عفت و عصمت و تنزیه و تقدیس که امر مبارک برای آنها وضع نموده، نه تنها متأثر و متزلزل نخواهد کرد، بلکه بالعکس باید آنها را تحریک و تحریض نماید که با عزمی جزم و تصمیمی راسخ، به ایفای وظائف مقدّسه خود و بالتّیجه مبارزه با قوای اهریمنی که به انحطاط و اضمحلاس اساس حیات روحانی و اخلاقی فردی اشتغال دارند، مشغول و مألوف گردند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۲۱۹)

۱۸- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "در این یوم، تنها موردی که می‌تواند سبب نجات عالم از مصائب و ابتلائاتش گردد و قلوب اهل آن را مجذوب سازد، اعمال است نه اقوال؛ سرمشق عملی است، نه حکم و قاعده؛ فضائل قدسیه است، نه عبارات و منشورهای صادره از دولتها و ملتها در خصوص امور اجتماعیّه سیاسیّه. در جمیع امور، اعم از کلی یا جزئی، قول باید مکمل عمل باشد، و عمل ملازم قول؛ هر یک باید مکمل، مؤید و تقویت کننده دیگری باشد. بهائیان در این رابطه است که باید متمایز باشند..." (ترجمه - توقیع فارسی ۸ دسامبر ۱۹۲۳ به احبّای بمبئی / *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۲۰۷۵)

۱۹- کاتب حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک خطاب به نوجوانان می‌نویسد، "امید هیکل مبارک چنان است که شما از لحاظ خلق و اعتقاد بهائی باشید. هدف غایی حضرت بهاءالله آن است که ما خلق جدید شویم؛ یعنی مردمی نیکوکار، مهربان، باهوش، صدیق و شریف که بر مبنای احکام و موازین این امر اعظم، که در این مرحله جدید از تکامل عالم انسانی ظاهر شده، عمل نمایند. خود را بهائی نامیدن کافی نیست، بلکه باید تا اعماق وجودمان، با تخلّق به حیات بهائی، از نورانیت و شرافت برخوردار گردیم. (نقل ترجمه با اندکی اصلاحات، از صفحه ۲۵ "نمونه حیات بهائی" / *Compilation of Compilations*, ش ۱۳۰۰)

۲۰- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "باید اطفال صغیر به جان و دل مطلع بر آن شوند که بهائی به لفظ نیست، به معنی است. هر طفلی باید به تربیت الهی تربیت شود تا مجمع اخلاق حمیده گردد و سبب عزّت امرالله شود، والا لفظ بهائی، بی ثمر، نتیجه ندارد." (منتخباتی از مکاتیب، ص ۱۳۹ / تربیت بهائی، ص ۴۰)

## تشریح با مثال

خانمی از احتیای اولیه به عکّا رفت. او از خانواده‌ای ثروتمند و از گروه مردمان اهل مد نیویورک بود. زندگی‌اش معمولی بود و تقریباً رضایتش را جلب نمی‌کرد. او قبلاً مسیحی مخلص و مؤمنی بود، اما نتوانسته بود آنطور که شاید و باید از دیانت خودش آرامش لازم را کسب کند. اندکی افسردگی پیدا کرده بود. موقعی که در سفر خارج از کشور بود، مطالبی در مورد حضرت عبدالبهاء شنید. با اشتیاق تمام پیام آن حضرت را گرفت و راهی شهری شد که ایشان در آنجا زندانی بودند. وقتی به مقصد رسید همه چیز او را مجذوب کرد و از همه بیشتر حضرت مولی‌الوری. او متوجه شد که حضرت عبدالبهاء همواره در هنگام روبرو شدن با او، می‌فرمودند، "مسرور باش." هیکل مبارک با سایر اعضاء گروه این برخورد را نداشتند. این موضع آزارش می‌داد. بالاخره از کسی خواست که از حضرت مولی‌الوری بی‌رسد که چرا اینگونه با او برخورد می‌فرمایند. هیکل مبارک با همان لبخندی که به نحو غریبی نور و سرور می‌بخشید، جواب دادند، "به تو می‌گویم مسرور باشی چون اگر مسرور نباشیم نمی‌توانیم به حیات روحانی پی ببریم."

در این حال، ترس و نگرانی خانم به پایان رسید و عدم اعتماد به نفسش همراه با نومییدی از بین رفت.

اشکریزان پرسید، "اما بفرمایید که حیات روحانی چیست. از زمان تولدم درباره حیات روحانی مطالبی شنیده‌ام، اما هیچکس برایم توضیح نداده که این حیات روحانی چیست."

حضرت عبدالبهاء نگاهی دیگر، همراه با همان لبخند امیدبخش، به او انداختند و در کمال آرامش و متانت فرمودند، "به خصائل الهی متّصف شو؛ حیات روحانی را می‌شناسی" - چند کلمه، اما برای رساندن مقصود کافی بود. خانم از خود پرسید مقصود حضرت عبدالبهاء چه بود. صفات و خصائل الهی چیست؟ باید صفاتی مثل محبت و جمال، عدالت و سخاوت باشد.

این معمای الهی تمام روز ذهنش را به خود مشغول ساخت، و در طول روز مسرور بود. ابدأ راجع به وظایفش فکر نکرد، و با این حال وقتی شامگاه فرا رسید تا به کارهایش رسیدگی کند، نمی‌توانست به خاطر بیاورد که کاری را انجام نشده رها کرده باشد.



بالاخره بارقه‌ای ذهنش را روشن کرد و تدریجاً مقصود را دریافت. اگر به سوی آرمانهای آسمانی جذب می‌شد، این افکار عالیله لزوماً در قالب افعال ظاهر می‌شدند، و روزها و شبهایش پر از نور و روشنی می‌گشت. از آن لحظه به بعد هرگز آن هشدار ربّانی را، که به او عنایت شده بود، فراموش نکرد: "به خصائل الهی متّصف شو."

و او شناخت حیات روحانی را یاد گرفت.

(مأخذ: *Vignettes from the Life of 'Abdu'l-Baha*، اثر آناماری هانولد، ص ۱۷-۱۱۶)

جناب بدیع یکی از نوزده حواری حضرت بهاءالله بود. او جوانی هفده ساله بود که پیام حضرت بهاءالله خطاب به شاه را به او رساند. بعد از تسلیم موفقیت‌آمیز پیام، سه روز به دست فرآشان شاه شکنجه شد و سپس جمجمه‌اش را خرد کردند و جسدش را در چاه انداختند. بدیع، که زمانی جوانی دردرساز بود که فقط به خود فکر می‌کرد، توسط حضرت بهاءالله متحوّل شد.

در یکی از الواح ذکر شده که جناب بدیع دو مرتبه به تنهایی به حضور حضرت بهاءالله رسید. هیچکس نمی‌دانست در این ملاقات‌ها چه اتفاقی افتاد جز آن که حضرت بهاءالله فرموده بودند که قصد خلق بدیع دارند و جناب بدیع خود بر آن همه آگاه نبود. حضرت بهاءالله در لوح دیگری می‌فرمایند که به دست قدرت و اقتدار او را خلق بدیع فرمودند و چون کره آتش اعزام داشتند...

وقتی جناب بدیع متوجّه شد که حضرت بهاءالله در جستجوی کسی هستند تا لوح مخصوصی را برای ناصرالدین‌شاه، سلطان ایران، ببرد، او، با وقوف بر این که در این راه زندگی‌اش را فدا خواهد کرد، استدعا کرد به او اجازه داده شود این خدمت را انجام دهد. حضرت بهاءالله او را برای این مأموریت مهم پذیرفتند.

حضرت بهاءالله در لوحی خطاب به پدر جناب بدیع، به لحنی تکان دهنده اخبار هیجان‌انگیزی را که در زمان تشرّف پسرش به حضور سلطان ظهور به وقوع پیوسته بود، برای او بیان فرمودند. ایشان خاطر نشان می‌سازند که وقتی خواستند خلق جدیدی بفرمایند، جناب بدیع را احضار کردند که به حجره ایشان برود و یک کلمه به او فرمودند، کلمه‌ای که تمام وجودش را به لرزه در آورد... ید اقتدار، بنا به توصیف حضرت بهاءالله، شروع به خلق جدید او نمود و روح قدرت و اقتدار را در او دمید. القاء این قدرت، بنا به گواهی حضرت بهاءالله، چنان بود که او، اگر مأمور می‌شد، یگّه و تنها، با اعانت الهی و قدرت ربّانی، می‌توانست بر اهل عالم غلبه کند...

حاجی میرزا حیدرعلی گزارش زیر را که یکی از احتیاء به نام حاجی علی، گفته شده نقل می‌کند. حاجی علی در راه ایران با جناب بدیع ملاقات کرد و مسافتی را آنها با هم پیمودند:

"او سراپا نشاط و شادی بود و به صبر و شکرانه می‌پرداخت. من فقط می‌دانستم که او به حضور حضرت بهاءالله مشرف شده و اکنون به ولایت خود در خراسان بر می‌گردد. بارها متوجّه شدم که در حدود صد قدم و یا کمتر یا بیشتر راه می‌رفت و سپس از جاده خارج شده رو به عکّا سجده می‌نمود و می‌شنیدم که می‌گفت، «خدایا آنچه را که با فضلت به من بخشیدی با عدلت از من مگیر و به من قدرت حفظ آن را عطا بفرما.»" (نفحات ظهور، اثر ادیب طاهرزاده، ج ۳، صفحه ۸۴-۱۷۹)

## مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید. کلمات مکنونه منبع مناسبی است

۱-
۲-
۳-
۴-

کلمات مکنونه، اثر حضرت بهاء‌الله - حضرت عبدالبهاء فرمودند، "کلمات مکنونه تلاوت نمایند و به مضمون دقت کنید و به موجب آن عمل نمایید." (مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۹۳)

## سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- (هر کدام را که مصداق دارد علامت بزنید). کدام یک از موارد زیر هدف از اخلاق حسنه را توصیف می‌کند:

الف - هدف شما در زندگی است.

ب - هدف از خلقت است.

ج - شما را از مشکلات رها می‌سازد.

د - در انتشار امرالله کمک می‌کند.

۲- چهار فضیلت بنیادی را که بخشی از خُلقیات بهائی است ذکر کنید:

- الف - -----
- ب - -----
- ج - -----
- د - -----

۳- (هر کدام را که صحیح است علامت بزنید.) کسب اخلاق پسندیده مستلزم .... است:

الف - یک تلاش که یک بار انجام می‌شود

ب - از بین بردن غرایز حیوانی خود

ج - تمسک به مقرراتی که وضع شده

د - خدمت به امرالله

## جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- الف، ب، ج و د. در مورد الف نگاه کنید به بیان شماره ۱؛ برای ب نگاه کنید به بیان شماره ۲؛ برای ج نگاه کنید به بیان شماره ۳ و برای د نگاه کنید به دو بیان شماره ۴ و ۵.

۲- حضرت بهاءالله در بیان شماره ۶ به امانت، صداقت، طهارت قلب، تحمّل، تسلیم در مقابل اراده الهیه، صبر و شکر در سختی‌ها و توکل به خدا اشاره دارند. سایر بیانات مبارکه به فضائل دیگر اشاره دارند.

۳- د. در مورد د نگاه کنید به بیان شماره ۱۴. الف درست نیست، زیرا تلاش لازم باید کند و مداوم باشد. نگاه کنید به بیان شماره ۱۱ و نیز به بخش توضیحات. ب صحیح نیست؛ حضرت ولی امرالله توضیح می‌فرمایند که باید بر غرایز خود تسلط داشته باشیم و آنها را هدایت کنیم نه نابود نماییم. نگاه کنید به بیان شماره ۱۲. هدفی از این غرایز در نظر بوده است و ما مجازیم از مواهب زندگی لذت ببریم، اما باید غرایز خود را کنترل کنیم - قرار نیست آنها ما را کنترل کنند. ج نیز غلط است. نگاه کنید به بیان شماره ۱۳. تعالیم حاوی اصول و احکام است - برای هر موقعیتی نمی‌تان مجموعه‌ای از مقررات داشت.

## بحث

آیا برای شما اهمیت دارد که اخلاق پسندیده داشته باشید؟ چرا؟

وقتی کسی در مورد اجرای احکام بهائی مصالحه می‌کند، چه اتفاقی می‌افتد؟ (به بیان شماره ۱۲ اشاره شود).

از کجا می‌دانید که به عنوان بهائی در هر موقعیتی که در زندگی روزمره ممکن است پیش آید، چگونه باید رفتار کنید؟ این مورد از چه لحاظ با به کار بردن مجموعه‌ای از مقررات متفاوت است؟ (به بیان شماره ۱۳ اشاره شود). آیا اوضاع و احوالی وجود دارد که در حال حاضر با آن روبرو باشید و مطمئن نباشید که چه باید بکنید؟

ریا چیست؟ چگونه بر مساعی ما برای حصول اخلاق حسنه تأثیر می‌گذارد؟ ما چگونه با این مسأله مبارزه می‌کنیم؟ چگونه ممکن است با بهائیان اطراف خود با تزویر و ریا عمل کنیم؟ (به بیانات نقل شده از ۱۵ تا ۲۰ اشاره شود)

## زندگی همراه با خدمت

### مقدمه

حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "طوبی از برای نفسی که در اوّل جوانی و ریعان شباب بر خدمت امر مالک مبدأ و مآب قیام نماید و به حبّش مزین شود. ظهور این فضل اعظم از خلقِ سموات و الأرض است. طوبی للراسخین و نعیماً للثابتین..."<sup>۱</sup>

حضرت ولی امرالله نیز بر اهمّیت خدمت برای جوانان تأکید فرمودند، "تمام امید حضرت ولی امرالله برای ترقّی و توسعه آتی امر مبارک به احتیای جوان و فعّالی مانند شما است؛ هیکل مبارک مسئولیت حفظ روح خدمت ایثارگرانه در میان سایر احتیای را به عهده جوانان می‌گذارند. بدون روح مزبور هیچ امری با موفقیت انجام نخواهد شد. اما وقتی این روح حاکم باشد، حصول فتح و ظفر، هر قدر که دشوار باشد، مسلم و حتمی است."<sup>۲</sup>

در این فصل به مسیر سوم از طرق عملی برای جوانان توجّه می‌شود، یعنی در پیش گرفتن زندگی همراه با خدمت به حضرت بهاءالله.

### نمای کلی

زندگی همراه با خدمت برای هر فرد بهائی متضمّن دو زمینه کاملاً مرتبط است: خدمت به عالم انسانی و خدمت به امر الهی. خدمت به عالم انسانی حول استفاده از داروی شفابخش حضرت بهاءالله برای درمان امراضی است که عالم انسانی با آن مواجه است. خدمت به امر مبارک متضمّن انواع وظایف برای رشد و توسعه امر مبارک است که می‌توان از طریق مهاجرت داخله یا خارجه انجام داد.<sup>۳</sup>

جوانی دورانی خاصی است که فرد برای مبادرت به خدمت در هر دو میدان مزبور آماده می‌شود. بیت‌العدل اعظم فرمودند، "تحوّلی که باید در فعّالیت اجتماع صورت گیرد، مسلماً تا حدّ زیادی به اثربخشی تدارکاتی است که جوان برای جهانی که میراث آنها خواهد بود، تمهید می‌بیند."<sup>۴</sup> معهد اعلیٰ خاطر نشان ساختند که حصول آمادگی مورد بحث برای جوان

<sup>۱</sup> نقل از مقدمه مجموعه "جوانان"

<sup>۲</sup> ترجمه - مکتوب اول سپتامبر ۱۹۳۳ از طرف حضرت ولی امرالله / *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۹۴۰

<sup>۳</sup> حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "جوانان که عمدهً فارغ‌البال تر از احتیای بزرگسال‌ترند، در موقعیتی جهت قیام به هجرت و سکونت در بلاد جدیدترند. تعداد زیادی از مهاجرین در امریکا، که بلاد محلّ تولّد خود، و غالباً سرزمین‌های بومی خود را ترک کرده‌اند ... جوانان بودند - برخی از آنها آنقدر جوان بودند که محافل ملی به اسکان آنها کمک کردند و خود آنها هنوز به سنی نرسیده بودند که به عضویت محافل انتخاب شوند." (ترجمه - مکتوب ۷ ژوئن ۱۹۴۶ به لجنه ملی جوانان، ص ۱۸۷ *Unfolding Destiny*)

<sup>۴</sup> ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۴

شامل مطالعه تعالیم، روحانی ساختن زندگی خود، و شکل گرفتن شخصیت آنها طبق موازین و معیارهای حضرت بهاءالله، کسب معلومات در زمینه علوم و فنون و هنرها، و فراگیری حرفه و فن است.<sup>۵</sup>

اما، "هرگز نباید تصور کرد که جوانان باید منتظر بمانند تا به سنین بلوغ برسند و بعد بتوانند خدمات ارزشمندی را تقدیم امر الهی نمایند."<sup>۶</sup> جوانان باید بلافاصله با مشارکت کامل در حیات جامعه<sup>۷</sup>، تبلیغ - بخصوص تبلیغ هم‌تایان خود<sup>۸</sup>، و طرح‌های توسعه یا خدمتی<sup>۹</sup>، به خدمت بپردازند. این خدمت فوری برای تقویت عالم بهائی آنقدر حائز اهمیت است که بیت‌العدل اعظم از جوانان خواسته‌اند اوقات معینی را وقف بعضی از خدمات امری نمایند.<sup>۱۰</sup>

## توضیح

حضرت ولی امرالله خاطرنشان فرمودند که احباء "واسطه وصول فضل و عطاى الهی" اند.<sup>۱۱</sup> به‌راستی، بخصوص جوانان، به علت صفات و خصلت‌های خاص خود، "وسائل نیرومند"<sup>۱۲</sup> برای اجرای امور مبارکند.

صفات و خصوصیات یک وسیله را در نظر بگیرید؛ ابزاری است بدون آن که از خود دارای اراده یا ارزش باشد. اما، دردست کسی که با مهارت از آن استفاده کند، قادر خواهد بود کار را با کارآمدی و اثربخشی تمام انجام دهد. همینطور، هر فردی از احباء که مایل باشد وسیله‌ای در دست خداوند باشد می‌تواند به ابزاری نیرومند برای تحقق مقصود الهی برای عالم انسانی تبدیل شود.

به‌علاوه، ابزاری با کیفیت بالا و پیچیدگی زیاد بر اثربخشی کارگر در انجام دادن کار می‌افزاید. مثلاً، برای آماده ساختن زمین جهت طرحی ساختمانی، شخصی که بولدوزر را می‌راند قادر است به مراتب بیشتر از کار با بیل، کارایی داشته باشد. به همین ترتیب، فردی از احباء اگر بهتر تعلیم دیده باشد، به نحوی مؤثرتر می‌تواند در اجرای کار خداوند از او استفاده کرد.

قیام به خدمت به امر الهی به عنوان وسیله‌ای برای مشیت الهی، منبع بالقوه انرژی را به خود جذب می‌کند. حضرت ولی امرالله فرمودند، "خدمت مغناطیس تأییدات الهیه است."<sup>۱۳</sup> در این صورت این قوه روحانی به مجهودات فرد در خدمت به امر مبارک و عالم انسانی کمک می‌کند، و رشد روحانی فرد را تزیید می‌بخشد.

<sup>۵</sup> پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ مندرج در صفحات ۹۴-۹۵ *Wellspring of Guidance*

<sup>۶</sup> پیام ۱۰ جون ۱۹۶۶ مندرج در صفحه ۹۲ *Wellspring of Guidance*

<sup>۷</sup> از طرف حضرت ولی امرالله / مندرج در صفحات ۳۶-۳۷ *The Importance of Deepening*

<sup>۸</sup> بیت‌العدل اعظم؛ *Wellspring of Guidance* صفحات ۹۴-۹۵ / برای ملاحظه نگاهی عمیق‌تر به موضوع جوانان و تبلیغ به فصل ششم مراجعه نمایید.

<sup>۹</sup> بیت‌العدل اعظم؛ *Unrestrained as the Wind*، ص ۱۸۶

<sup>۱۰</sup> *Unrestrained as the Wind*، ص ۱۸۶

<sup>۱۱</sup> انوار هدایت، شماره ۴۵۹ / نقل ترجمه از صفحه ۴۶ قرن انوار

<sup>۱۲</sup> پیام ۲۵ مه ۱۹۷۵ بیت‌العدل اعظم به محافل ملی *Unrestrained as the Wind*، ص ۱۰۴

<sup>۱۳</sup> نقل ترجمه از صفحه ۴۵ نمونه حیات بهائی

حضرت ولی امرالله خدمت را به خیشی تشبیه می‌فرمایند که "زمین را شخم می‌کند تا برای بذرافشانی آماده گردد. لذا ضروری است که زمین را شخم زنند تا قوت یابد و موجب رشد سریع دانه گردد. عیناً به همین طریق نیز تکامل روحانی از راه شخم اراضی قلوب حاصل می‌گردد. پس این انعکاس دائمی روح‌القدس است که سبب نمو و ترقی روح انسانی می‌گردد و پیمودن مراحل ترقی را تسریع می‌نماید."<sup>۱۴</sup>

## مطالب خواندنی

۱- بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند، "برای هر فرد جوان، اعم از بهائی یا غیربهائی، سنین جوانی دورانی است بسیار مهم. در این مرحله از حیات است که تصمیمات قاطعه اخذ شده و شخص بنای زندگانی خود را پی‌ریزی می‌نماید؛ در این سنین است که هر فرد به احتمال قوی سرنوشت آتیۀ خود را تعیین و نوع شغل و کار خود را انتخاب، معلومات خود را تکمیل و در امرار معاش تلاش می‌نماید. سپس به مرحله زندگانی مشترک وارد می‌شود و به تشکیل خانواده می‌پردازد و بالاتر از همه، در این دوره است که فکر جوان بیش از هر موقع در صدد تجسس و تحقیق بر می‌آید، مبادی و موازین روحانی را که هادی رفتار و اعمال آینده انسانی است اتخاذ می‌نماید. این عوامل است که بزرگترین فرصت‌ها و بزرگترین مبارزات و بزرگترین آزمایش‌ها را بر وجه جوانان بهائی مفتوح می‌کند؛ یعنی فرصت‌هایی به دست می‌دهد تا تعالیم الهی را کسب نموده و آن تعالیم مبارکه را به دوستان و اقربان خود منتقل نمایند و مبارزاتی پیش می‌آید تا بر مشاغل و ناملازمات حیات غلبه یابند و راه تقدّم و تعالی برای خود و نسل‌های آینده تأمین کنند و آزمایش‌هایی به میان می‌آید تا بتوانند موازین اخلاقی منبعثه از شریعت غراء جمال قدم جلّ اسمہ الأعظم را در زندگانی روزمره خود مجسم و محقق سازند." (پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ / مجموعه دستخط‌ها، ص ۳۲۸ / جوانان، ص ۲۱)

۲- بیت‌العدل اعظم در پیام نوروز ۱۹۷۴ می‌فرمایند، "جوانان بهائی باید تشویق شوند که به تحصیلات و تعلیمات حرفه‌ای و شغلی خود به عنوان بخشی از خدمتشان به امر الهی و در متن ایام حیاتی که وقف پیشبرد مصالح امرالله خواهد شد، بیندیشند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۳۷)

۳- بیت‌العدل اعظم در پیام ۸ مه ۱۹۸۵ می‌فرمایند، "جوانان امروز، موهوب به این برتری و نیز خضوع و تواضع منطبق با آن، با استقامت و پایمردی و عبودیتی مشحون از عشق و محبت، باید به سوی صفوف مقدّم حرف، صنایع، هنرها و فنونی که برای پیشرفت بیش از پیش عالم انسانی ضروری است پیش بروند - این برای حصول اطمینان است که روح امر مبارک انوار خود را بر این زمینه‌های مهمّ مجهودات انسانی خواهد تاباند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۴)

۴- حضرت ولی امرالله در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۳۹ فرمودند، "شما، با آن که هنوز در عنفوان شبایید، باید از هم‌اکنون، با برقراری ارتباط نزدیک با سایر احتبای الهی، و با تمسک تامّ به مطالعات امری خود، سعی کنید خود را برای آن یومی مهیّا سازید که به عنوان عضو مسئول جامعه از شما خواسته خواهد شد در فعالیت‌های امری به طور کامل مشارکت داشته باشید، و با این ترتیب ثابت نمایید برای این اخوت جهانی که حضرت بهاءالله مؤسس آن است، عضوی ارزشمند و گرانقدر هستید." (ترجمه، *Compilation of Compilations*، ج ۲، صفحه ۴۲۸، شماره ۱۰۰۱)

<sup>۱۴</sup> نقل ترجمه از صفحه ۴۷ نمونه حیات بهائی

۵- حضرت ولی امرالله به خطّ خود در تاریخ ۱۸ مه ۱۹۲۶ مرقوم فرمودند، "قویاً به شما توصیه می‌کند، در عین حال که به تحصیلات خود ادامه می‌دهید، تا آنجا که مقدور است اوقاتی را که می‌توانید به مطالعه کامل تاریخ و تعالیم امر مبارک اختصاص دهید. برای مبادرت به خدمت موقّقت‌آمیز آتی به امر مبارک، این شرط لازم است." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، ص ۲۲۳۸)

۶- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "محبتّ بندگان الهی محبتّ‌الله است و خدمت به عالم انسانی است." (خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۹)

۷- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "آرزوی من چنان است که به آنها مساعدت شود تا خادمان ملکوت آسمان گردند، و اسیران خدمت به مشیت الهی شوند. این اسارت آزادی است؛ این ایثار وصول به جلال و عظمت است؛ این زحمت موجد اجر جزیل است؛ این احتیاج عطای موفور است. چه که خدمت همراه با محبتّ به عالم انسانی عبارت از وحدت با خداوند است. نفسی که به خدمت پردازد به ملکوت داخل شده و بر یمین ربّ خود جالس شده است." (ترجمه - *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۸۶)

۸- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "در فکر آن باشید که خدمت به هر نفسی از نوع بشر نمایید ... هر نفسی از احتیای الهی باید فکر را در این حصر نماید که رحمت پروردگار باشد و موهبت آمرزگار؛ به هر نفسی که برسد خیری بنماید و نفعی برساند و سبب تحسین اخلاق گردد و تعدیل افکار." (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۳)

۹- بیت‌العدل اعظم در پیام ۱۰ اکتبر ۱۹۸۳ به بهائیان عالم می‌فرمایند، "مآلاً، از آحاد احتباء، اعم از شیخ و شاب، قدیم و جدیدالتسجیل، خواسته می‌شود [در زمینه توسعه اجتماعی و اقتصادی] اقدام نمایند؛ قدم پیش گذارند و در میدان خدمت جایگاه خود را احراز کنند؛ میدانی که در آن، استعدادها و مهارت‌ها، تعلیمات تخصصی، منابع مادی، وقت و قوا و، مهم‌تر از همه، تعلق آنها به اصول امریه، را می‌توان برای بهبود سرنوشت انسان به کار گرفت." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۸۵۵)

۱۰- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "ثانیاً آن که چه اعمال صالحه در وجود اعظم از نفع عموم است؟ آیا موهبتی در عالم اعظم از این متصوّر که انسان سبب تربیت و ترقی و عزّت و سعادت بندگان الهی شود؟ لا والله. اکبر مَثوبات این است که نفوس مبارکه دست بیچارگان را گرفته از جهالت و ذلّت و مسکنت نجات دهند و به نیّت خالصه، لله، کمر همّت را بر خدمت جمهور اهالی بر بندند و خیر دنیوی خویشتن را فراموش ننموده، به جهت نفع عموم بکوشند ... «خیرالنّاس مَنْ یَنْفَعُ النَّاسَ وَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ یَضُرُّ النَّاسَ»." (رساله مدنیّه، طبع کردستان العلمیه، ص ۱۲۲ / طبع آلمان، ص ۶۹)

۱۱- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "ای خوشا حال نفسی که خیر ذاتی خود را فراموش نموده، چون خاصّان درگاه حقّ گوی همّت را در میدان منفعت جمهور افکنده ... " (رساله مدنیّه، طبع کردستان ص ۱۳۷ / طبع آلمان، ص ۷۶)



## تشریح با مثال

آن دسته از ما که او را قبل از رفتنش می‌شناختند، از تحوّل‌ی که پیش آمده بود حیرت کردند. قبلاً او زن خجالتی جوانی بود - البته مؤمن بود، اما جایگاهش در جامعه در ذهن خودش خیلی با احتیاط و دودلی تعیین می‌شد. والدینش سرشناس بودند. گویی در تلقّی و برخوردش نوشته شده بود، "من که هستم؟" اما امشب، سر حال، زیبا و با اعتماد به نفس، بر کرسی افتخار نشست و با لحنی آرام از تجربه‌اش برایمان سخن گفت؛ او جوان سیاه‌پوست امریکایی بود که به افریقا سفر کرد. داستانها پیاپی بر زبانش جاری می‌شد. آرام گفت، "زندگی‌ام را تغییر داد. کسانی که ملاقات کردم، مردمی که هیچ نداشتند، ماهیت حقیقی ایمان به حضرت بهاء‌الله را به من آموختند." بعدها، این داستان را برایم فرستاد:

"سفری تبلیغی، ما را به اعماق صحرای کالاهاری کشاند. عمیق‌تر از سفرهای قبلی بسیاری که به جنوب افریقا کرده بودیم. فقط راکی، از بومیان بوتسوانا صحرایش را می‌شناخت؛ همانطور که ما خیابانهای شهرمان را می‌شناسیم. راکی از کنار بوته‌ها و حوضچه‌های نمک که کیلومترها مانند دریاچه سفیدی گسترده بود، اتومبیل را می‌راند و جویای دوستان قدیمی بهائیش بود. سوار بر کامیونی بودیم؛ یازده جوان، بار و بُنه، ذخیره آب و غذا، و مرغی سخت آزرده‌خاطر و خشمگین؛ اینهمه در آن چپیده بودیم. مرغ هدیه‌ای از آخرین روستایی بود که همان روز صبح آن را ترک کردیم.

بعد از یک سواری طولانی در جاده‌ای پر دست‌انداز، اتومبیل در مقابل کلبه‌ای ایستاد؛ کلبه‌ای تک و تنها در وسط بیابان. راکی پیاده شده؛ زنی از کلبه در آمد؛ راکی او را در بغل گرفت. از دهان زن صداهایی خارج می‌شد، مانند صدای قدم‌های کودکی خردسال.

راکی، با چهره‌ای سنگین و گرفته، گفت، «می‌گه همسرش مریض و بدحاله.» تا آن موقع متوجه شوهرش نشده بودم؛ کنار پرچین دور کلبه داخل یک گودی نشسته بود. از کمر به بالا، هیكلی قوی و سالم داشت؛ اما پایین تنه‌اش چروکیده و جمع شده بود.

راکی ادامه داد، «می‌گه خیلی درد کشیده؛ چند هفته است که حرف نزده. دیروز این خانم آنقدر مستأصل بوده که دست به دعای مخصوصی برداشته؛ دعای شفا؛ و امروز ما اینجا رسیدیم.»

نگاهی به شوهرش انداختیم. با یکی از جوانانی که از کالیفرنیا آمده بود، گرم گفتگو بود؛ گفتگویی شاد و پر شور؛ به دو زبان کاملاً متفاوت، چون هیچکدام زبان دیگری را نمی‌دانستند.

موقع رفتن فرا رسید؛ راکی از آن خانم پرسید که آیا به چیزی احتیاج دارند. شوهرش جواب داد، "ما بهاء‌الله را داریم. هیچ چیز دیگری نیست که بتونیم به آن نیاز داشته باشیم."

(نوشتهء ملانی اسمیت از گزارشی از دورهء خدمت "کمبا توماس" در افریقا)

## مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-	
۲-	
۳-	
۴-	

## سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- سه راهی که جوانان می‌توانند خود را برای خدمات آتی آماده سازند، چه هستند؟

الف - .....

ب - .....

ج - .....

۲- دو زمینه‌ای که ما بهائیان به رقابت با هم‌دیگر تشویق می‌شویم چه هستند؟

الف - -----

ب - -----

۳- چهار طریقی که جوانان اکنون می‌توانند خدمت کنند فهرست کنید:

الف - -----

ب - -----

ج - -----

د - -----

## جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- جوانان با فرا گرفتن حرفه و فنی که بتوانند به عالم انسانی یا امرالله خدمت کند، می‌توانند برای خدمات آینده خود را آماده کنند (بیان شماره ۲)؛ می‌توانند به خط مقدم هنرها، حرفه‌ها و مشاغل، خود را آماده کنند تا نور تعالیم را در این میدان بتابانند (بیان شماره ۳)؛ و تاریخ و تعالیم امر مبارک را به طور کامل مطالعه نمایند (بیان شماره ۴ و ۵).

۲- احبّاء تشویق می‌شوند که در خدمت به عالم انسانی (بیان شماره ۱۱) و خدمت به امرالله (بیان شماره ۱۶) از یکدیگر پیشی بگیرند.

۳- جوانان اکنون می‌توانند با تبلیغ همتایان خود (بیان شماره ۱ و ۱۳)، مشارکت فعال در حیات جامعه (بیان شماره ۱۴)، شرکت در طرح‌ها (بیان شماره ۱۵)، وارد شدن در دوره خدمت (بیان شماره ۱۵)، کمک به کسانی که سر راه آنها قرار می‌گیرند (بیان شماره ۸)، شرکت در مجهودات توسعه اجتماعی و اقتصادی (بیان شماره ۹ و ۱۰) و تأمین سایر خدمات به عالم انسانی (بیان شماره ۱۱-۶) به خدمت بپردازند.

## بحث

شما در حال حاضر از چه طریق یا طرقی به عالم انسانی خدمت می‌کنید؟ آیا کاری هست که شما یا گروه دوستانتان بتوانند برای توسعه این مجهودات انجام دهید؟

در حال حاضر از چه طُرُقی به امر خدمت می‌کنید؟ چگونه - به طور فردی یا گروه همتایان بهائی - می‌توانید این مجهودات را توسعه دهید؟ اکنون برای بهتر آماده کردن خود جهت خدمات آینده به امرالله چه قدم‌های دیگری می‌توانید بردارید؟

چگونه به انتخاب حرفه و شغل یا آماده کردن خود برای آن می‌پردازید تا شما را به خدمت بهتر به عالم انسانی و امر الهی قادر سازد؟

نقشه شخصی شما برای دوره خدمت چیست؟ برای آن که نقشه مزبور را تدریجاً عملی سازید و جامعه واقعیت ببوشانید چه قدم‌هایی می‌توانید بردارید؟

## تبلیغ

### مقدمه

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "اعظم موهبت الهیّه تبلیغ است و سبب تأیید و اول تکلیف ماست. چگونه از این موهبت باز مانیم تا جان و مال و راحت و آسایش خویش را فدای جمال ابهی نماییم و تبلیغ امرالله کنیم."<sup>۱</sup>

تبلیغ فقط یکی از خدمات بسیاری است که بهائیان تقدیم امر مبارک می‌کنند. با این حال این خدمت بی‌مثیل است و مقامی برتر از جمیع خدمات دیگر دارد. زیرا اگر فرد قیام به تبلیغ نکند، مقصود حضرت بهاءالله برای عالم انسانی تحقق نیابد.<sup>۲</sup> اگر تبلیغ عملی نگردد، قلوب اهل عالم را نمی‌توان با قوای نور روشنی بخشید.

مسئولیت تبلیغ به طور اخصّ به عهدهء جوانان است. بنابراین، نقطهء تمرکز تمام این فصل بر این عنوان خواهد بود. اما تبلیغ - اگرچه از یک لحاظ بسیار ساده است - عنوانی وسیع است که در آثار حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم به آن بسیار توجه شده است. در این فصل، در بهترین حالت، فقط می‌توان عنوان را معرفی کرد. مبلغ شدن مستلزم آن است که هر یک از جوانان به طور مستمرّ به مطالعهء آثار مبارکه در مورد تبلیغ و دعا برای نزول تأییدات الهی بپردازند و برای تمرین این امر مهم و توسعهء مهارت‌های تبلیغی به اقدام مداوم مبادرت نمایند.

### نمای کلی

بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۸ می‌فرمایند، "هدف اصلی و مقصد غایی کافهء خدمات امری تبلیغ امرالله است."<sup>۳</sup> تبلیغ "خطّ مقدّم" نبرد روحانی نور و ظلمت است. با تبلیغ، قلوب نفوس به روی روح ایمان و عرفان حضرت بهاءالله گشوده می‌شود.

بنا به بیان حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله، جوانان مسئولیت خاصی در قبال امر تبلیغ دارند. پیشرفت امرالله منوط به اقدام آنها است. این مسئولیت آنقدر مهمّ و حیاتی است که کلّ تعلیمات جوانان باید در جهت هدایت شود که آنها را به مبلغین فعال و مؤثر تبدیل نماید.<sup>۴</sup>

تبلیغ شامل موارد زیر می‌شود:

- تبلیغ کردن خویشتن (بلّغ نفسک)<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> ایام تسعه، ص ۴۸۳ (الواح وصایا)

<sup>۲</sup> حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۷۲

<sup>۳</sup> پیام رضوان ۱۹۸۸، بند ۸

<sup>۴</sup> بیان حضرت ولی امرالله مندرج در انوار هدایت، شماره ۲۱۳۰

- یافتن نفوس مستعد<sup>۶</sup>
- ابلاغ کلمه با رعایت حکمت<sup>۷</sup>
- جذب و هدایت نفوس به اقبال<sup>۸</sup>
- تحکیم احتیای جدید در خدمت فعال به امر مبارک<sup>۹</sup>

مبلغ مؤثر بودن مستلزم تمسک تام به هدایات مربوط به تبلیغ مندرج در آثار مبارکه است. اینها مهارت‌های جنود روحانی است که قصد فتح قلوب اهل عالم برای پروردگارشان نموده‌اند.

## توضیح

تبلیغ اقدامی روحانی است. کار خدا است. کسانی که به این کار مبادرت می‌کنند، به نصرت الهی می‌پردازند.<sup>۱۰</sup>

حضرت بهاءالله خاطر نشان می‌سازند که خداوند به اشیاء مادی که مردم گرامی می‌دارند، میلی ندارد: "حق... آنچه از برای خود خواسته مدائن قلوب عباد بوده." حضرت بهاءالله توضیح می‌فرماید که احتیاء به منزله "مفاتیحند" تا ابواب قلوب را بگشایند.<sup>۱۱</sup> فرد بهائی با تبلیغ ابواب قلب را به روی روح ایمان و محبت به حضرت بهاءالله می‌گشاید.

حضرت بهاءالله تغییری را که از طریق تبلیغ حاصل می‌شود با تبدیل مس به طلا مقایسه می‌فرمایند. حضرت بهاءالله سؤال می‌کنند: "آیا اکلیل غلبه دارای آن قدرت بوده که اجزای مختلفه در شیء واحد را تبدیل نماید و به مقام ذهب ابریز رساند؟ اگرچه تبدیل آن صعب و مشکل به نظر می‌آید، ولكن تبدیل قوه ناسوتی به قوه ملکوتی ممکن."<sup>۱۲</sup>

حضرت بهاءالله توضیح می‌فرمایند که این تحوّل با کلمه‌الله حاصل می‌شود. به کسانی که به امر الهی اقبال کرده‌اند، "اکسیر احمر" عنایت شده که می‌تواند "نحاس عالم" را به ذهب ابریز تبدیل نماید. به آنها "دریاق اکبر از برای صحت بنی‌آدم" اعطاء شده است.<sup>۱۳</sup>

به این ترتیب، تبلیغ عبارت از نصرت خداوند است تا مقصود او، یعنی متحوّل ساختن نفوس، حاصل شود. تبلیغ می‌کنیم چون عاشق جمال مبارکیم. موقع تبلیغ، قلب شخص را به حضرت بهاءالله و قوه ظهور آن حضرت متصل می‌سازیم. در آن موقع، قوای نور در اختیار نفس مزبور قرار می‌گیرند تا آن را متحوّل سازند. به‌علاوه، سرباز روحانی جدیدی متولد

<sup>۵</sup> آثار قلم اعلی، ج ۴، ص ۱۱۳

<sup>۶</sup> پیام ۲۴ ژانویه حضرت ولی امرالله به احتیای آلاسکا مندرج در صفحه ۶۱ *Messages to Alaska*

<sup>۷</sup> رساله راهنمای تبلیغ، تألیف محمدعلی فیضی، طبع ۱۲۸ بدیع، ص ۹۴

<sup>۸</sup> حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۹۵

<sup>۹</sup> حصن حصین شریعت‌الله، ص ۱۵۳

<sup>۱۰</sup> مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، ص ۱۲۱ (قل إن نصری هو تبلیغ امری)

<sup>۱۱</sup> مجموعه اقتدارات، ص ۳۲۴

<sup>۱۲</sup> لئالی حکمت، ج ۳، ص ۳۷۷ / منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۳۱

<sup>۱۳</sup> منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۲۲ (شماره ۹۲)

می‌شود: تبلیغ کامل نمی‌شود مگر آن که فردی که تازه ایمان آورده برای قبول مسئولیت‌های تبلیغ، ترقی روحانی و خدمت قیام کند.

اگر تبلیغ نکنیم، با قوای نور قطع ارتباط کرده‌ایم.<sup>۱۴</sup> سرباز روحانی از قدرت ساقط می‌شود. به همین ترتیب، اگر ما به نحو مناسب و صحیح از اکسیر احمر استفاده نکنیم، تأثیر مطلوب را نخواهد داشت. قوای نور متمرکز نمی‌شوند. برای آن که بتوانیم در تبلیغ مؤثر باشیم، تا آنجا که می‌توانیم، باید طبق هدایات عمل کنیم و از آنچه که در مورد تبلیغ در آثار مبارکه ذکر شده پیروی نماییم.

## مطالب خواندنی

- ۱- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۸ می‌فرمایند، "تبلیغ غذای روح است. جانهای خفته را نشئه تازه بخشد و سماء جدید و ارض جدید بیافریند. رایت وحدت و اتحاد در جهان برافرازد، عهد و پیمان را منصور و مظفر سازد و آنان که جان در سبیلش فدا نموده‌اند به شرف رضای محبوب فائز نماید."
- ۲- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "قل ان نصری هو تبلیغ امری ... هذا حکم‌الله من قبل و من بعد قل ان عرفوا یا اولی الأبصار." (الواح نازله بعد از کتاب اقدس، ص ۱۲۱)
- ۳- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "رتک ... أراد لنفسه مدائن القلوب لیطهرهم عن دنس الأرض و یقرّبهم الی مقرّ الذی کان عن مسّ المشرکین محفوظا. ان افتحوا یا قوم مدائن القلوب بمفاتیح البیان." (خوشه‌هایی از خرمن ادب و هنر، ص ۱۳ / منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۹۵)
- ۴- حضرت ولی امرالله در ۳۱ مارس ۱۹۳۲ فرمودند، "آیا تصوّر می‌کنید مبلغین هستند که نفوسی را در زمره مقلین وارد می‌کنند و قلوب انسانی را متحوّل می‌سازند؟ خیر؛ ابدأ. آنها فقط نفوس مطهره‌ای هستند که قدم اول را بر می‌دارند و سپس می‌گذارند تا روح حضرت بهاءالله آنها را حرکت دهد و از آنها استفاده نماید ... معیار این است که ما تا چه حدّ آماده‌ایم که بگذاریم مشیت الهیه از طریق ما عمل کند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۷۰۳)
- ۵- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "یا حکیم، آیا اکیل غلبه دارای آن قدرت بوده که اجزای مختلفه در شیء واحد را تبدیل نماید و به مقام ذهب ابریز رساند، اگرچه تبدیل آن صعب و مشکل به نظر می‌آید، ولكن تبدیل قوه ناسوتی به قوه ملکوتی ممکن. نزد این مظلوم آنچه این قوه را تبدیل نماید اعظم از اکسیر است. این مقام و این قدرت مخصوص است به کلمة الله." (لثالی حکمت، ج ۳، ص ۳۷۷)
- ۶- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "کتاب الهی ظاهر و کلمه ناطق ولكن نفوسی که به او متمسک و سبب و علت انتشار گردند، مشاهده نمی‌شود الا قلیل و آن قلیل اکسیر احمر است از برای نحاس عالم و دریاق اکبر از برای صحت بنی آدم." (منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۲۲ (شماره ۹۲))
- ۷- کاتب حضرت ولی امرالله در اول سپتامبر ۱۹۳۳ از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "تمام امید حضرت ولی امرالله برای ترقی و توسعه آتی امر مبارک به احتیای جوان و فعالی مانند شما است ... هر یک از آنها، در حدّ میزان و معیار خود، قادر به ابلاغ پیام الهی است ... هر نفسی به طور بالقوه مبلغ است. فقط باید از آنچه که خداوند به او عنایت فرموده استفاده نماید و به این ترتیب ثابت کند که به این امانت الهی وفادار است." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۹۴۰)

<sup>۱۴</sup> بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۲۰ *The Individual and Teaching*

۸- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "وظیفهء تبلیغ اساساً مسئولیت احتبای جوان است. لذا کلّ تعلیمات آنها باید در جهت هدایت شود که آنها را به مبلغین باکفایت تبدیل نماید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۳۰)

۹- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۷۴ می‌فرمایند، "از گنجینهء قوای معنویّه و شهامت و کمالات عالیّه جوانان عزیز بهائی، که در تحصیل فتوحات نقشهء نه‌ساله سهمی شایان داشته‌اند، باید تا حدّاکثر استفاده کرده و آن گنجینه را کریمانه در سبیل اعلان امرالله و انتشار نفحات‌الله و تحکیم بنیان شریعه‌الله مصروف داشت. از محافل روحانیه تقاضا می‌شود جوانان عزیزی را که قصد دارند حیات خود را بر محور خدمات روزافزون امریه استوار سازند، هدایت فرمایند و با آنان به مشورت پردازند."

۱۰- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۴ به بهائیان اکوادور می‌فرمایند، "ارزش بی حدّ و حصر جوانان بهائی در خدمت به امر مبارک را نمی‌توان از نظر دور داشت. آنها باید در زمرهء مبلغین سیّار در آیند، در صورت لزوم برای ملاقات، تعلیم و تشویق احتبای محلّی، پای پیاده در کوهها و جنگلها سفر نمایند ... جوانان باید تشویق شوند که کلاس تشکیل دهند، پیام حضرت بهاء‌الله را به همتایان خود برسانند، تشکیل دوره‌ها و ایراد خطابه در مورد امر مبارک را فرا بگیرند و مهم‌تر از همه با سلوک اخلاقی و اعمال مرضیهء خود، که در جامعهء فاسد و منحطّ، بهائیان را برتر نشان می‌دهد، سرمشق همگنان گردند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۵۰)

۱۱- بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۵ مه ۱۹۷۵ به کلیه محافل روحانی مّلی فرمودند، "امید چنان است که در برنامهء اسفار تبلیغی بین‌المللی که هم‌اکنون در شرف شروع است، جوانان، با تخصیص وقت در زمان تعطیلات خود، و بخصوص در تعطیلات طولانی‌مدت پایان سال تحصیلی، به ترویج امر تبلیغ در کلیه وجوه آن، نه تنها در جامعهء مّلی خود بلکه در مناطق دور از وطن، نقشی عمده به عهده گیرند." (صفحات ۱۰۴-۱۰۳ *Unrestrained as the Wind*)

۱۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "...نسل جوان بهائی ... قطعاً به انتصارات عمده‌ای نائل خواهند شد. حضرت مولی‌الوری امر مهم و عظیم تبلیغ را به عهده آنان واگذار کرده‌اند. آنها همان کسانی هستند که ندای ملکوت را بلند کرده نفوس را از خواب بیدار می‌کند. اگر آنها قصور ورزند، امر مبارک دچار رکود خواهد شد." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۲۹)

۱۳- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۸ می‌فرمایند، "از یاران الهی دعوت می‌شود، من دون استثناء، چه زن و چه مرد و چه پیر و چه برنا، قدم در میدان خدمت گذارند؛ چه که موفقیت جامعه منوط به ابتکارات و مجهودات تبلیغی و مساعی فرد فرد یاران راستان است. احتبای الهی با ثبوت و رسوخ کامل در عهد و میثاق سبحانی و با تلاوت ادعیّه و مناجات یومیّه و ترتیل آیات مقدّسه و جهد بلیغ در تفهیم سنن و تعالیم ربّانیه و بذل همّت مداوم در مرتبط و منطبق ساختن تعالیم مبارکه با مسائل روزمره، و با تخلّق به اخلاق حسنه و صفات مرضیه در ظلّ نظم جهانی الهی، می‌توانند در میدان تبلیغ به کسب موفقیت‌های فزاینده نائل گردند."

۱۴- بیت‌العدل اعظم در پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ به جوانان اروپا می‌فرمایند، "حال فرصتی فراهم آمده تا به جذب توجّه، ایجاد اشتعال در قلوب و جلب حمایت فعال جوانان جمیع ملل و امم، طبقات و آیین‌های آن قاره بپردازید. کلید موفقیت در این تلاش، اولاً، در عمیق‌تر کردن درک و برداشت از تعالیم امر مبارک است تا بتوانید آنها را در مورد مسائل افراد و جوامع به کار ببرید، و برای همگنان خود به طریقی که درک نموده استقبال نمایند، توضیح دهید؛ ثانیاً تلاش برای سرمشق قرار دادن رفتار و سلوک خود از هر جهت با توجّه به موازین عالیّه صداقت، امانت، شهامت، وفاداری، تحمّل، طهارت و روحانیتی است که در تعالیم مبارکه مطرح شده است؛ و مهم‌تر از همه، زیستن با آگاهی مستمرّ نسبت به وجود قوهء غالبهء حضرت بهاء‌الله است شما را به غلبه بر جمیع وسوسه‌ها و عبور از جمیع موانع قادر خواهد ساخت. (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۴۵)



۱۵- کاتب حضرت ولی امرالله در ۱۱ مارس ۱۹۵۶ از طرف هیکل مبارک مرقوم نمود، "مجهودات یاران در جبههء داخلی زمانی متوجّح به اکتلیل موفقیت خواهد شد که آنها در تعالیم مبارکه مذاقّه نمایند، در کمال اشتعال و ابتهاال برای نزول تأییدات سماویّه دست به دعا بردارند، تعالیم مبارکه را طوری مطالعه نمایند که بتوانند روح تعالیم را به متحرّیان انتقال دهند، و سپس وارد عمل شوند؛ و مهم‌تر از همه در عمل استقامت و پایداری ورزند. وقتی این اقدامات صورت گیرد، و امر تبلیغ در کمال ایثار و اشتیاق انجام شود، امر الهی به سرعت انتشار خواهد یافت." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۱، شماره ۵۱۹)

۱۶- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "با کسب درکی روشن از خصلت حقیقی رسالت و مأموریت خود، روشی‌هایی که باید اتخاذ نمود، مسیری که باید طیّ کرد، و به حدّ کفایت وصول به تجدید حیات روحانی فردی - که شرط اساسی تبلیغ است - با تقوی و پرهیزگاری، ایمان و ایقان، درک کامل و قوّت تمام برای تبلیغ امرالله قیام کنیم. این اعظم وظیفهء هر فرد بهائی است که بدون ادنی تأمل و درنگی به آن مبادرت نماید. آن را حدّ اعلای منویات و آمال خود در حیات عنصری قرار دهیم." (ترجمه - *Baha'i Administration*، ص ۶۹ | *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۹۲۹)

## تشریح با مثال

وقتی حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۳ در اشتوتگارت آلمان تشریف داشتند، واقعه‌ای مربوط به زمان طفولیت خود را تعریف کردند: خوب است که انسان در طفولیت ناشر تعالیم الهی باشد. وقتی به سنّ این طفل (هشت یا نه ساله) بودم تبلیغ می‌کردم. این موضوع واقعه‌ای را به خاطرم آورد. مردی بود تحصیل کرده، اما بهائی نبود. مقدر بود که من، که طفل بودم، او را تبلیغ کنم. برادرش او را نزد من آورد. نزد او ماندم تا تبلیغش کنم. او گفت، "من قانع نشده‌ام؛ راضی نشده‌ام." جواب دادم، "اگر کسی تشنه باشد و آب به او بدهند، می‌نوشد و راضی می‌شود. یک لیوان آب میل می‌کند. تو تشنه نیستی. اگر تشنه بودی، تو هم راضی می‌شدی. مردی که دیده بینا دارد می‌بیند. من می‌توانم دربارهء خورشید با هر شخص بینایی صحبت کنم و بگویم که خورشید از علائم روز است؛ اما شخص نابینا قانع نمی‌شود چون خورشید را نمی‌بیند. اگر شخصی شنوا باشد و به او بگویم به این موسیقی زیبا گوش کن، او گوش خواهد کرد و از آن لذت خواهد برد. اما اگر شما بهترین موسیقی را در حضور آدمی ناشنوا بنوازید، هیچ چیز نمی‌شنود. حال، برو و چشم بینا و گوش شنوا پیدا کن بعد در این موضوع بیشتر با تو صحبت خواهم کرد." او رفت، اما بعداً برگشت. بعد فهمید و بهائی خوبی شد. وقتی خیلی کوچک بودم این اتفاق افتاد.

(مأخذ: *Vignettes from the Life of 'Abdu'l-Baha*، اثر آناماری هانولد، ص ۱۰۳) <sup>۱۵</sup>

<sup>۱۵</sup> این حکایت به ترتیبی دیگر در صفحه ۲۰ جلد اول حکایات امری، اثر روحی ارباب بیان شده است.

## مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار متنوع بهائی برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید. ( به عنوان نمونه لوح مبارک خطاب به سید مهدی دهجی مندرج در مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، صفحات ۱۲۴-۱۲۰. این لوح را حضرت بهاءالله خطاب به یکی از مبلغین امرالله در توصیف ماهیت تبلیغ نازل فرموده‌اند. )

۱-	
۲-	
۳-	
۴-	

## سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- (هر کدام که مصداق دارد علامت بزنید.) کدام یک از عبارات زیر به نحوی صحیح ماهیت تبلیغ را وصف می‌کند؟

الف - تبلیغ غذای روح است

ب - تبلیغ نصرت الهی است

ج - تبلیغ سبب پدید آمدن مؤمنین جدید می‌شود

د - کلمه الله قلوب را متحول می‌سازد

۲- (هر کدام که مصداق دارد علامت بزنید.) کدام یک از عبارات زیر به نحو صحیح نقش جوانان در تبلیغ را توصیف می‌کنند؟

الف - مسئولیت تبلیغ به جوانان داده شده است

ب - کل تعلیمات جوانان باید سبب شود که آنها مبلغینی با کفایت بشوند

ج - جوانان باید کلاس‌های جوانان را دایر کنند

د - جوانان باید در حین تعطیلات برای تبلیغ سفر کنند

۳- پنج عنصر تبلیغ مؤثر را که در این فصل مورد بحث واقع شده بنویسید:

الف -

ب -

ج -

د -

ه -

## جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطهء شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- الف، ب و د. در مورد الف نگاه کنید به بیان شماره ۱ و برای ب نگاه کنید به بیان شماره ۲ و برای د نگاه کنید به بیان شماره ۵. گزینهء ج اشتباه است. مبلغ سبب پدید آمدن مؤمنین جدید نمی‌شود، بلکه نفوذ قوهء الهی، یعنی روح القدس، سبب می‌شود. نگاه کنید به دو بیان ۴ و ۵.

۲- الف، ب، ج، و د. برای الف نگاه کنید به بیان شماره ۷، ۸ و ۱۲؛ برای ب نگاه کنید به بیان شماره ۸؛ برای ج نگاه کنید به بیان شماره ۱۰ و برای د نگاه کنید به بیان شماره ۱۱.

۳- تعدادی جواب در چند بیان ۱۳ تا ۱۶ فراهم آمده است مانند: ثبوت بر میثاق، ادعیه یومیه، تفکر و تعمق، زیارت کلام الهی، تلاش‌های مستمر برای درک تعالیم، ربط دادن تعالیم به اوضاع فعلی جهان، اجرای احکام و حدود، آگاهی بر قدرت حضرت بهاءالله جهت غلبه بر موانع، تأمل در مورد تعالیم و استمرار اقدامات.

## بحث

ماهیت روحانی تبلیغ را وصف کنید. نقش مبلغ در این جریان چیست؟

مسئولیت‌های خاص جوانان در تبلیغ چیست؟

عناصر تبلیغ مؤثر را که در بیانات ۱۳ تا ۱۶ بحث شده چگونه در مساعی تبلیغ گروهی یا شخصی خود می‌توانید به کار ببرید؟

چگونه می‌توانید تبلیغ را میل غالب خود در زندگی قرار دهید؟

## تمرین

یکی از جریاناتی که می‌تواند در مساعی تبلیغی به احباء کمک کند تا مهارت‌های خود را به عنوان مبلغ توسعه دهند و مجهودات سیستماتیک خود برای تبلیغ را شروع کرده تداوم بخشند رویکرد تکاملی به تأسیس مؤسسه‌ای تبلیغی است.

در مراحل اولیه، مؤسسه تبلیغی (یا گروه تبلیغی) شامل هسته کوچکی از احباء است که برنامه درک آثار و مبادرت به اقدام حول آنها تدوین می‌شود. احباء جمعیتی را برای تبلیغ انتخاب می‌کنند. سپس، احباء در مؤسسه برنامه‌ای برای تماس با جمعیت مزبور تنظیم می‌کنند و آن را به مرحله اجرا در می‌آورند. جلسات آینده مؤسسه برای دعا جهت حصول موفقیت در تلاشها، تزئین معرفت نسبت به آثار مبارکه، انتخاب یا تدوین مطالب جهت تماس با جمعیت انتخاب شده، تأمل و بررسی پیشرفت مساعی تبلیغی، و در صورت لزوم تجدید نظر و اصلاح نقشه برای اثربخشی بیشتر تشکیل خواهد شد.

رویکرد تکاملی به مؤسسات تبلیغی فرصتی عالی را برای جوانان فراهم می‌آورد که برای توسعه مهارت‌های تبلیغی و اجرای نقشه‌های تبلیغی به یکدیگر ملحق شوند. در این تلاش می‌توانید از عضو هیأت معاونت خود یا محفل روحانی محلی کمک بگیرید. هدایات بیت العدل اعظم و پیام‌های دارالتبلیغ بین‌المللی برای هدایت مجهودات مؤسسه موجود است.

در مشاورات خود با اعضاء گروه هسته‌ای خود از سؤالات زیر استفاده کنید تا در جریان شروع مؤسسه تبلیغی راهنمای شما باشد (موارد نقل شده گزیده‌های استخراج شده از نامه‌های دارالتبلیغ بین‌المللی است):

### ۱- مؤسسه تبلیغی چگونه کار می‌کند؟

"این نوع مؤسسه به عنوان گروه کوچکی از نفوس عمل می‌کند که برنامه درک و عمل حول آن به طور مستمر تکامل می‌یابد. متوقف نخواهد شد. یک جلسه واحد آخر هفته، یا جلسه پنج‌روزه نیست، بلکه جریانی است که مقصود از آن ایجاد منابع انسانی برای امر الهی، و برانگیختن خادمانی است که موهبت تبلیغ را با شور و وجدش، فداکاری و ایثارش، و انضباط روحانی‌اش به طور کامل بپذیرند؛ جریانی که جریان ورودی مؤمنین جدید را جذب کرده استمرار می‌بخشد." (نامه ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸)

مؤسسه تبلیغی در شکل جنینی‌اش محصول ابتکار فردی در سطح عامه ناس است. نیازی نیست که محفلی محلی شما را منصوب کند - صرفاً گروه افراد را برای خود مجتمع ساخته اقدام را شروع کنید! گروه هسته‌ای باید به طور مرتب تشکیل جلسه دهد: هفتگی، دو هفته یک بار، ماهی یک بار - هر برنامه زمان‌بندی که برای امر تبلیغ مناسب باشد. جلسات شامل مانده روحانی از طریق دعا و تزئید معارف و مشورت در مورد بهترین طریق تبلیغ جمعیت انتخاب شده خواهد بود. می‌توانید برنامه‌های تبلیغی فردی یا گروهی تنظیم کنید و، به مرور زمان، برنامه‌های مزبور را با توجه به تجربه حاصله و مطالعه آثار مبارکه، مورد تجدید نظر و اصلاح قرار دهید. اما، مهم‌ترین فعالیت گروه تبلیغی رویداد بین دو جلسه است، تبلیغ! مشاورات و قوه روحانی را به مرحله عمل برسانید. از جلسات به عنوان فرصتی جهت ایجاد وحدت، جذب تأییدات و امدادات الهیه، و اصلاح برنامه‌های عملی خود استفاده نمایید. مهم‌تر از همه - ابدأ توقف نکنید! هیچ مانعی وجود ندارد که نتوان با استقامت و میزان بیشتری از امدادات الهی بر آن غلبه کرد. بحران و پیروزی بخشی از یک جریان کلی است. نمی‌توان به فتح و ظفر دست یافت، مگر آن که به دعا، مطالعه تفکر، مشورت و گشودن راه از میان بحرانها تمایل داشته باشید.

## ۲- هدف اصلی از مؤسسه تبلیغی چیست؟

"... اگر تعداد مبلغین به طور مستمر افزایش نیابد و با ترویج سریع هم‌گام نگردد، مبادرت به تزئید معارف و عمیق کردن معلومات مؤمنین جدید یا تضمین مساعی پایدار برای ترویج امر الهی میسر نگردد و تقریباً مستحیل و محال شود." (نامه ۲۹ نوامبر ۱۹۸۸)

"... یک سوم مساعی و منابع آن باید بر ترقی روحانی، یک سوم بر تبلیغ و یک سوم بر تدوین مطالب مناسب برای ترویج متمرکز باشد." (نامه ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸)

هدف اصلی از مؤسسه تبلیغی افزایش منابع انسانی برای امر الهی است؛ یعنی مبلغین و مسئولین اداری جدید برای انجام دادن کار حضرت بهاء‌الله. مؤمنین جدید خیلی عالی‌اند، اما، اگر بخواهیم رشد را استمرار داده شتاب بخشیم وجود افراد فعال جدید ضرورت دارد. بنابراین، مؤسسه باید به تزئید معارف احبای جدید و شرکت دادن آنها در امور امریه بپردازد. مطالب برای تبلیغ و تزئید معارف باید از مطالب موجود برای رفع نیازهای جمعیت انتخاب شده، به دقت انتخاب شود؛ در صورت لزوم می‌توان به تدوین مطالب جدید پرداخت.

## ۳- چه جمعیتی را باید تبلیغ کنیم؟

"آنچه که حائز اهمیت است آن که به نفوس گوناگون باید محبت حقیقی داشت و با بسیاری از گروه‌های قومی ... تماس برقرار کرد و به زودی آنها را در جوامع پذیرفت و از آنها استقبال نمود." (مکتوب ۱۴ نوامبر ۱۹۸۸)

"دارالتبلیغ بین‌المللی در این زمان بخصوص در اندیشه افراد بین ده تا شانزده ساله است ... اگر هزاران هزار نفر به امر مبارک دعوت شوند، و به آنها مساعدت شود که مبلغینی عمیق در معارف امریه گردند، آنها به نوبه خود می‌توانند ناجی هم‌تایان خود باشند." (نامه ۵ دسامبر ۱۹۸۸)

گروه تبلیغی می‌تواند هر جمعیتی را برای تبلیغ انتخاب کند. جمعیت مورد نظر می‌تواند محل (مثل مدرسه یا دانشگاه) یا منطقه جغرافیایی، گروه سنی، مردمی از فرهنگ یا نژاد مشخص، گروه هم‌تایان و غیره باشد. اهمیت انتخاب جمعیت در این است که مساعی گروه متمرکز باشد. وقتی تمرکز وجود داشته باشد، تدابیر و مطالب مشخصی را می‌توان انتخاب کرد و با آن جمعیت انطباق داد. بعد از انتخاب جمعیت مورد نظر، باید در مخاطب قرار دادن جوانان و کودکان (در صورتی که موردی وجود داشته باشد) باید ملاحظاتی را مد نظر داشت، زیرا این نفوس غالباً نسبت به تغییرات سعه صدر بیشتری دارند و می‌توانند نفوس فعالی برای امر مبارک باشند.

## ۴- وقتی تعداد احبای جدید افزایش یابد ما چه بکنیم؟

"... توجه گروه هسته‌ای باید ابتدا بر آماده ساختن خود احبای برای تبلیغ در میان جمعیت مورد نظر، و اجرای عملی نقشه‌های تبلیغی متمرکز باشد. با افزایش تعداد مؤمنین در منطقه، مبرم‌ترین موضوعی که پیش روی مؤسسه قرار

دارد تزئینات مؤمنین جدید است تا آنها نیز در تبلیغ شرکت کرده برای رسیدن به درصد پایداری از ترویج کمک کنند. تدریجاً، وقتی که مؤسسه خصوصیات رسمی تر مؤسسات توسعه منابع انسانی را به خود می‌گیرد که در مناطق ترویج در مقیاس وسیع در تکاملند، به سایر امور مورد توجه نیز باید بپردازد." (نامه دوم نوامبر ۱۹۸۹)

موقعی که گروه تبلیغی شما در جذب مؤمنین جدید توفیق حاصل نماید شما باید آنها را بلافاصله در مساعی تزئینات مؤمنین و تبلیغی گروه هسته‌ای مشارکت دهید. مؤسسه را مدام به گروه‌های کوچکتر خرد نکنید - مؤسسه باید به کل جمعیت برسد. اگر تعداد به میزان چشمگیری افزایش یابد، باید در فعالیت‌های خود رسمی تر عمل کنید. محفل محلی و هیأت معاونت می‌توانند در هدایت این جریان مساعدت نمایند. با دهها یا صدها مؤمن جدید، محفل می‌تواند لجنه‌ای هسته‌ای را برای استمرار هدایت جریان برنامه‌ریزی و توسعه کلاس‌های سازمان یافته منصوب نماید.

## میدان عمل: گفتگو

### مقدمه

دو فصل آخر این کتاب بر فعالیت عمده‌تر عملی متمرکز است که جوانان از طریق آن می‌توانند عالم را به حرکت آورند. این فصل به عنصر تدبیر<sup>۱</sup> - نقشه‌ای برای شکل دادن به ساختار و جهت جامعه آینده - می‌پردازد.

مقصد از ظهور حضرت بهاءالله، از لحظه تولد امر مبارک تا کنون، متحول ساختن جامعه و تبدیل آن به ملکوت الهی بر وجه ارض بوده است. اولین وظیفه‌اش - مانند بذری که تازه در زمین کاشته شده باشد - رشد و نمو بود. قوایش در توسعه در سراسر جهان صرف شد. در نیمه دهه ۱۹۸۰، امر بهائی به سطح جدیدی از رشد طبیعی خود دست یافت. اکنون می‌توانست به طور سیستماتیک با جامعه جامعه بیرون تماس حاصل کند و جهان پیرامون خود را متحول سازد. جامعه بهائی که با فداکاری‌های احبای ستمدیده و آزارکشیده ایران، تغذیه شده از قوت و قدرت بیشتر برخوردار شده بود، از مجهولیت خارج شد<sup>۲</sup>، مساعی خود را در سبیل توسعه اجتماعی و اقتصادی ملل و امم آغاز نمود<sup>۳</sup>، و رهبران اندیشه در کلیه سطوح اجتماع را در مورد تأسیس صلح جهانی مورد خطاب قرار داد<sup>۴</sup>.

بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۸۵ فرمودند، "اکنون زمان آن فرا رسیده که جامعه بهائی بیش از پیش در حیات جامعه اطراف خود مشارکت نموده..."<sup>۵</sup> امروزه، میدان عمل برای جوانان نه تنها ادامه حمایت از رشد امرالله بلکه به کار بردن تعالیم حضرت بهاءالله برای حل مسائل عالم انسانی است.

### نمای کلی

جوان تواند که عالمی را به حرکت در آورد. اما چگونه؟ چگونه می‌توانیم ساختار و جهت اجتماع را تغییر دهیم تا خود را از قوای ظلمت رها سازد؟

حضرت بهاءالله در آثار خویش، چارچوبی را برای پرداختن به مسائل عالم انسانی تعیین می‌فرماید. ایشان ما را هدایت می‌فرمایند، "امروز را نگران باشید..."<sup>۶</sup> ایشان همچنین توصیه می‌کنند که هر یک از ما "باید جهد نماید تا اسباب آنچه ذکر شد از عالم الفاظ و اقوال به عرصه شهود و ظهور آید."<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> Strategy

<sup>۲</sup> پیام رضوان ۱۹۸۵ بیت‌العدل اعظم

<sup>۳</sup> پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ بیت‌العدل اعظم

<sup>۴</sup> وعده صلح جهانی، اثر بیت‌العدل اعظم

<sup>۵</sup> پیام رضوان ۱۹۸۵

<sup>۶</sup> دریای دانش، ص ۳

<sup>۷</sup> دریای دانش، صص ۱۸-۱۷

جوانان بهائی برای مبارزه با قوای ظلمت، در سطحی عمیق، باید، با توجه به آثار حضرت بهاءالله، به مسائلی بپردازند که عالم انسانی با آن مواجه است. سطح مشورت در میان جوانان باید ارتقاء یابد تا به بحث و تحلیل عمیق در کلیه موضوعات مورد توجه عالم انسانی منجر گردد.

جوانان، با ایجاد ارتباط به انواع گوناگون ملل و امم، با گوش دادن به آنها و یاد گرفتن از آنها با روحی از توجه تام و تواضع تمام، با پرداختن به تحلیلی از موارد نگرانی آنها با توجه به اصول عمیق تر بهائی، در جهت ایجاد دیدگاهی جدید که بتواند قوای ظلمت را در بحبوحه امراض اجتماع مغلوب سازد، مشارکت خواهند نمود.

## توضیح

در عصر انتقال از ظلمت به نور، جهان با مسائل دردناک و شدید بسیاری مواجه است. بسیاری از گروه‌ها و افرادی که دارای حُسن نیت هستند، رویکردهای عملی برای حلّ مسائلی از این دست پیشنهاد کرده متعهد تأمین منابع وسیع مالی و انسانی برای اجرای این راه‌حل‌ها شده‌اند - اما نتایج حاصله چندان زیاد نبوده است. غالباً، راه‌حل‌های نافرجام فقط باعث عمیق‌تر شدن مسأله شده است.

راه‌حل‌های مسائل جهان در بسته‌بندی‌های مرتّب تسلیم نمی‌شود. باید میزان آگاهی کسانی را که با این مسائل روبرو هستند بالا برد تا ریشه مسأله و اصول دخیل در آن را دریابند. تنها در این صورت است که راه‌حل‌های مؤثر را می‌توان به دست آورد.

بیت‌العدل اعظم اظهار امیدواری کردند که، "تعداد فزاینده‌ای از احبّاء قادر به تحلیل مسائل نوع بشر در هر یک از زمینه‌ها باشند و تعالیم الهی را برای حلّ آنها عرضه نمایند."<sup>۸</sup> معهد اعلی صریحاً جوانان را تشویق فرمودند که، "درک خود از تعالیم امر مبارک را عمیق کنید تا بتوانید آنها را در مورد مسائل افراد و اجتماعی به کار ببرید، و آنها را به نحوی برای هم‌تایان خود توضیح دهید که درک و استقبال نمایند."<sup>۹</sup>

برای رسیدن به مقصود، گفتگوی جوانان بهائی باید به سطحی عمیق ارتقاء یابد. جوانان باید سعی کنند مسأله یا نیازی را شناسایی کنند و آن را در پرتو تعالیم مبارکه "با به کار بردن اصول روحانی ... و مبادرت به هنر مشورت" مورد بررسی قرار دهند.<sup>۱۰</sup>

مشورت که سبب می‌شود این رویکرد به مرحله اجرا در آید، می‌تواند برای یافتن جوابی به سؤالات زیر مورد استفاده قرار گیرد:

۱- "مسائل عالم انسانی" که نگرانی عمده بعضی گروه‌ها یا جمعیت‌ها است، کدامند؟

۲- موضوعات بنیادی در قلب این مسائل چه هستند؟

۳- کدام یک از تعالیم یا اصول بهائی با این موضوعات مرتبط است؟

<sup>۸</sup> ترجمه - پیام ۱۹ ژانویه ۱۹۸۳ / انوار هدایت، شماره ۱۴۲۸

<sup>۹</sup> ترجمه - پیام ۴ ژوئیه ۱۹۸۳ / انوار هدایت، شماره ۲۱۴۶

<sup>۱۰</sup> ترجمه - پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ به احتبای عالم / انوار هدایت، شماره ۱۸۴۹



۴- این تحلیل را چگونه می‌توان برای تمهید وسائل معرفی امر بهائی به مردم استفاده کرد تا بتوانند مرتبط بودن تعالیم با نیازهایشان را درک کنند؟<sup>۱۱</sup>

اگر جوانان بهائی بتوانند قابلیت خود را برای تحلیل و درک موضوعات و کمک به مردم برای مشاهده مسائلشان در پرتو نوری متفاوت، افزایش دهند، در این صورت به اساسی‌ترین صفتی که در حل مسائل جهان مؤثر خواهد بود متّصف خواهند شد. از ماده اصلی این دیدگاه‌های جدید، راه‌حل‌ها را می‌توان نهایتاً اقتباس نمود و از طریق فرایند عمل و بررسی و تأمل به مرحله اجرا در آورد. این امر، فرایند مداوم مشورت در خصوص موضوعات (که در بالا توصیف شد)، پیشنهاد راه‌حلها، عمل بر مبنای راه‌حل‌های پیشنهادی؛ تأمل بر پیشرفت مساعی، و تجدید نظر و اصلاح مجهودات در پرتو تجربیات حاصله و درکی عمیق‌تر نسبت به اصول روحانی را شامل می‌شود.

اما، اساسی‌ترین قدم عبارت از برقراری گفتگویی جدید در میان جوانان است. گروه‌های جوانان بهائی و دوستانشان می‌توانند این تلاش را در بحث‌های غیررسمی یا اظهارات مکتوب، در فعالیتهای اوقات فراغت یا در کلاس‌های مدارس، در فعالیتهای جامعه محلی خود یا در طرح‌های ویژه ملی یا بین‌المللی شروع کنند. جوانان موقعی که در مورد مسائل عالم انسانی با یکدیگر مشورت می‌کنند، فرایندی را شروع می‌کنند که درک آنها نسبت به تعالیم مبارکه را عمیق می‌سازد، همتایان آنها و توده‌های نوع بشر را به سوی امر مبارک جذب می‌کند، و جهان را به سوی هدف مقدّری که توسط حضرت بهاءالله تعیین شده، سوق می‌دهد.

## مطالب خواندنی

۱- بیت‌العدل اعظم در پیام رضوان ۱۹۸۴ به بهائیان عالم می‌فرماید، "تردیدی نیست از این زمان به بعد پیشرفت و ارتقاء امرالله به ازدیاد اقدامات و فعالیت‌های متفرّقه و ارتباط با نمایندگان معاهد و مؤسّسات و زمامداران و شخصیت‌های مهمّ در جهان غیربهائی منوط است... آمادگی و پاسخ مثبت ما به این موقعیت باید با تعمیق مستمرّ معارف امری ما، تمسک و تشبّث تزلزل‌ناپذیر به احکام و اوامر و نواهی الهی، همچنین خودداری از ورود به گروه‌های سیاسی و آزادی از قید تعصّبات جاهلیّه و مهم‌تر از همه درک روزافزون حقایق اصلیه معنویه امر مالک برّیه و ارتباط آن با مسائل امروزی جهان همراه و توأم باشد."

۲- منشی حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک در ۱۳ مارس ۱۹۳۲ مرقوم نمود، "اوضاع حالیه عالم - عدم ثبات اقتصادی، مشاجرات اجتماعی، نارضایتی‌های سیاسی و عدم اعتماد بین‌المللی - باید جوانان را از خواب بیدار سازد و آنها را به تحقیق و تفحص در آنچه که آینده به بار خواهد آورد سوق دهد. تردیدی نیست که اگر عالم به مصیبتی مبتلا شود، آنها هستند که بیش از همه دچار آلام و رنجها خواهند شد. لذا، آنها باید چشم خود را به اوضاع فعلی باز کنند، قوای شرارت و بلا را که در جهان عمل می‌کنند مورد مطالعه قرار دهند و با مجهودات جمعی قیام کنند و اصلاحات لازم را متحقّق سازند - اصلاحاتی که در حوزه و محدوده خود دارای مراحل روحانی و نیز اجتماعی و سیاسی حیات بشری باشند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۲۱۲۵)

<sup>۱۱</sup> بیت‌العدل اعظم، *Unrestrained as the Wind*، صفحه ۱۷۵

- ۳- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "جوانان بهائی، اعم از ذکور و اناث، باید در تعالیم الهی تعمق و تدبّر نمایند، به طوری که قادر باشند نفوس را متقاعد نمایند که برای هر مشکلی راه حلی وجود دارد." (۱۲ مه ۱۹۴۴ به یکی از احباء / نقل ترجمه از صفحه ۲۴ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۴- حضرت ولی امرالله در تاریخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۵ مرقوم فرمودند، "اگر بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء را در کمال خلوص و دقت و تمرکز بر آنها مطالعه نمایید، حقایقی را کشف خواهید کرد که قبلاً برای شما مجهول بوده و در مورد مسائلی که متفکرین بزرگ عالم را متحیر و سرگردان ساخته به بینش‌ها و بصیرت‌هایی دست خواهید یافت." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۱۲۷۰)
- ۵- منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۷ اوت ۱۹۵۱ از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "... تعالیم مبارکه را بیش از پیش مورد مذاقه و تعمق قرار دهید. تحقیق بهائی واقعاً بیش از تحقیق عمومی لازم است، چون اولی روحانی و باقی و دومی کم و بیش مادی و فانی. تعداد معدودی از احباء از تعالیم الهی بخصوص از معانی عمیق‌تر آن آگاهند..." (نقل ترجمه از صفحه ۵۷ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۶- منشی حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک در ۳ ژوئیه ۱۹۴۹ مرقوم داشت، "... می‌دانیم که تعالیم عمیق‌تر و وسعت نظم جهانی در خلق بدیع جامعه، تازه و بسیار متحرکند و این امور است که باید بیاموزیم، هوشمندانه و با شوق وافر ... منتقل سازیم." (نقل ترجمه از صفحه ۵۶ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۷- حضرت ولی امرالله در ۲۰ مارس ۱۹۲۹ فرمودند، "به آنها [جوانان] توصیه می‌کنم بیانات منزله الهیه حضرت بهاءالله و خطابات حضرت عبدالبهاء را عمیقاً مطالعه نمایند و بیش از حد لزوم به سخنان و تعبیر ناطقان و مبلغان بهائی در مورد تعالیم مبارکه متکی نشوند." (ترجمه - *Compilation of Compilations*، ج ۲، شماره ۲۲۳۹)
- ۸- منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۳۲ از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "اگر احباء مایل باشند که در مطلع ساختن اهل عالم پیشقدم شوند، باید ابتدا به تعلیم خویشتن بپردازند و پی ببرند که واقعاً چه مسائل و مشکلاتی وجود دارد که اذهان ابناء بشر را متحیر ساخته است." (ترجمه / انوار هدایت، شماره ۱۸۹۴)
- ۹- منشی حضرت ولی امرالله در ۵ ژوئیه ۱۹۴۹ از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "احباء ... باید بسیار مطلع بوده قادر به بحث و مشورت عالمانه و عاقلانه در مورد وضع کنونی عالم و مشاكل آن باشند. ما نیازمند محققین بهائی هستیم که نه تنها حقیقتاً از تعالیم الهی اطلاع کامل یابند، بلکه دارای مطالعه و معرفت کافی و وافی بوده قادر به ربط تعالی مقدسه بهائی به افکار جاری رهبران جامعه باشند." (نقل ترجمه از صفحه ۲۵ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۱۰- در ۲۳ مارس ۱۹۸۳ از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شد، "بسیاری از جنبه‌های تفکر غربی وجود دارد که، تا حدّ اصل مسلّم، در اذهان عموم جای گرفته، اما بعد معلوم شده که غلط یا حدّاقلّ تا حدّی درست است." (نقل ترجمه از صفحه ۴۶ جزوه "تحقیق و تتبع")
- ۱۱- بیت‌العدل اعظم در پیام ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶ می‌فرمایند، "تعالیم حضرت بهاءالله درک بسیاری از حقایق زندگانی و معلومات بشری را آسان‌تر و روشن‌تر می‌سازد. فرد بهائی یقیناً بیش از اغلب مردم به این حقیقت توجه دارد که هر گونه معلوماتی به وی داده می‌شود، باید قبلاً آن را با میزان الهی که در دست دارد بسنجد نه آن که کورکورانه قبول نماید... جوان بهائی باید به قدر مقدور استعداد خود را پرورش دهد و علم را از افواه رجال اخذ نماید و نسبت به معلّمین خود نهایت خضوع و خشوع مرعی دارد؛ ولی همانطور که ذکر شد، باید آنچه را که می‌شنود با تعالیم الهیه بسنجد. زیرا تعالیم الهی است که می‌تواند انسان را در تشخیص و تمیز ذهب خالص از قشور و مصنوعات زائده که مولود افکار سخیفه بشری است معاضدت نماید." (نقل ترجمه از صفحه ۴۴ جزوه "تحقیق و تتبع")

۱۲- در ۲۱ اوت ۱۹۷۷ از طرف بیت‌العدل اعظم مرقوم شد، "همچنان که جامعه بهائی پیش می‌رود متخصصینی در زمینه‌های گوناگون می‌یابد - اعم از بهائینی که متخصص شوند یا متخصصینی که به امر مبارک اقبال نمایند - همچنان که این متخصصین دانش و تخصص خود را در اختیار جامعه قرار می‌دهند، و حتی بیش از آن، همچنان که از نور تعالیم الهی زمینه‌های تخصصی خویش را منور می‌سازند، مسائلی که جامعه را دچار اختلال و از هم‌گسیختگی نموده، یکی بعد از دیگری حل می‌شوند." (نقل ترجمه از صفحه ۲۸ جزوه "تحقیق و تتبع")

۱۳- در ۱۰ ژوئن ۱۹۶۶، بیت‌العدل اعظم مرقوم فرمودند، "فرد بهائی دارای این امتیاز است که در ظلّ تعالیم الهی که برای این عصر مقرر گردیده قرار گرفته است و این خود به مثابه مشعل فروزانی است که فرا راه او واقع شده و او را به حلّ بسیاری از معضلات حیات که متفکرین جدید را حیران نموده، موفق می‌سازد." (نقل ترجمه از صفحه ۸۵ مجموعه "جوانان" / جزوه "تحقیق و تتبع"، ص ۴۴ / انوار هدایت، شماره ۷۲۱)

۱۴- بیت‌العدل اعظم در پیام "وعده صلح جهانی" می‌فرمایند، "برای هر مشکل اجتماعی می‌توان بر اصول روحانی، یا به قول دیگر بر ارزش‌های انسانی، اتکاء نمود. زیرا هر شخص خیراندیشی برای مشکلات راه حلی پیشنهاد می‌نماید. ولی خیراندیشی و داشتن دانش عملی معمولاً کافی و وافی برای حلّ مشکل نیست. اینجا است که اهمیت و ضرورت اصول روحانی بیشتر معلوم می‌شود. زیرا، هم سبب به وجود آوردن محیط مساعدی می‌شود که موافق و متوازن با فطرت اصلیه انسانی است، و هم یک رفتار و یک تحرک و یک اراده و آرزویی را بر می‌انگیزد که به موجب آن، راه‌های عملی برای حلّ مشکل مکشوف‌تر و اجرایش آسان‌تر می‌گردد."

۱۵- حضرت ولی امرالله به خطّ خود مرقوم فرمودند، "مسائلی که در این زمان احبّای الهی بالمواجهه با آن روبرو هستند، اعم از اجتماعی، روحانی، اقتصادی یا اداری، با ازدیاد تعداد و منابع یاران و توسعه استعداد آنها برای خدمت و استفاده از اصول امریه، تدریجاً حلّ خواهند شد. آنها در استفاده از هر فرصت احتمالی که در چارچوب محدودیت‌هایی که اکنون ضرورتاً بر آنها تحمیل می‌گردد، باید صبور، بردبار، مطمئن و فعال باشند." (ترجمه - نقل شده در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳)

۱۶- منشی حضرت ولی امرالله در ۲۶ فوریه از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "[حضرت بهاءالله] از ما نمی‌خواهند که کورکورانه از ایشان تبعیت کنیم؛ ایشان در یکی از الواح مبارک می‌فرمایند که خداوند به انسان عقل عنایت فرموده تا به مشعلی فراراه او عمل کند و او را به سوی حقیقت هدایت نماید. بیانات حضرتش را بخوانید؛ تعالیمش را مدّ نظر قرار دهید؛ و ارزش آنها را با توجه به مسائل و مشاکل معاصر مورد بررسی و ارزیابی قرار دهید." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۵۶۳)

۱۷- بیت‌العدل اعظم در پیام ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ می‌فرمایند، "حضرت بهاءالله از بدایت رسالت عظیم خویش، توجه ملل عالم را به لزوم ساماندهی امور بشر به سیاقی که جهانی در جمیع وجوه اساسی حیات خود متحد و متفق به وجود آید، تشویق و ترغیب فرمود... حال، بعد از سالها فعالیت مداوم تبلیغی، جامعه اسم اعظم رشد کرده و به مرحله ای رسیده که جریانات توسعه اجتماعی و اقتصادی باید به فعالیت‌های منظم آن منضمّ گردد... اقداماتی که باید انجام شود، ضرورتاً باید در خود جامعه بهائی آغاز گردد، و احبّاء با عمل به موجب اصول روحانی، تحسین رفتار و استفاده از فنّ مشورت، سعی کنند خود را ارتقاء بخشند و به این ترتیب خودکفا و متکی به خویش گردند... در این جریان و در نتیجه آن، احبّاء بالاترین منافع حاصله از مساعی خویش را به کلّ جامعه شمول می‌بخشند تا آن که جمیع نوع بشر به ترقّی و نموّی که مقصود مالک عصر و زمان می‌باشد، واصل گردند." (ترجمه - انوار هدایت، شماره ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹)

## تشریح با مثال

"تدابیر امر بهائی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی بر کلّ مسائل متمرکز است. اگر فقر را بخواهیم از ریشه برکنیم، کافی نیست که مردم به مهارت‌های تولید درآمد و قوف یابند. آنها به اعتماد به نفس، حس ارزش قائل شدن برای خویشتن، واسطه‌های صادق و، نهایتاً، تغییر نگرش و رفتار از سوی اَبَر ثروتمندان نیز نیاز دارند. فعالیت گسترده و موفق سوادآموزی مستلزم سازماندهی مطلوب و معلّمین باکفایت و نیز اعتقاد به قابلیت انسان و محبت به محصلین است. تمهیدات روحانی در امر توسعه تأثیری نیرومند دارد زیرا مسائل بشری صرفاً مسائل مادی نیست..."

"بهائیان متعلّق به یکی از گروه‌های بومی در جلسه‌ای بزرگ اجتماع کردند تا در مورد یکی از بیانات مندرج در آثار بهائی به مشورت بپردازند؛ آن بیان در این مورد بود که مردم بومی قاره‌ء خویش را هدایت خواهند کرد. چگونه می‌توانستند به این سرنوشت مقدّر واصل شوند؟ بحث بدون هیچ توقّفی روز و شب ادامه داشت. همه به دقّت گوش می‌دادند. "ما دیگر نباید آنطور که دیگران در مورد ما فکر می‌کنند، درباره‌ء خودمان فکر کنیم." "می‌دانیم که ما اهل بهاء و پیروان حضرت بهاء‌الله هستیم." "تعلیم و تربیت راهی برای پیشرفت فرزندان ما است." "ما باید این سنت را دیگر بار احیا کنیم که مردم ما وقتی تصمیمی گرفته شود در کمال اتحاد آن را اجرا کنند." مشاورات، جدّی و فشرده در تمام منطقه‌ای که محلّ زیست این مردم است، جریان یافت. آنها نقشه‌هایی برای ترمیم فرهنگ خود تدوین کردند. اعضاء گروه به عنوان معلّم تعلیم دیدند. مدارس افتتاح کردند؛ این احباء برنامه‌ء سیستماتیک خود برای تعلیم و تربیت و ارتقاء کلّ ملت خود را ادامه می‌دهند." (توسعه اجتماعی و اقتصادی: رویکردی بهائی، اثر ویک، صفحات ۳۸، ۵۵-۵۴)

## مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

محتوای این فقره چیست؟	این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟
-----------------------	---

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی و کتب امری و منابع دیگری که در زیر برای کمک به شما ذکر می‌شود برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

۱-	
۲-	

*The Importance of Deepening* این مجموعه حاوی بیاناتی در مورد اهمیت مطالعه تعالیم مبارکه و نیز بعضی عناوین داخلی و خارج از امر مبارک است که باید مورد مطالعه قرار گیرد.

"Relating the Faith to Current Issues" اثر دکتر پیتر خان - این رساله رئیس رویگری را برای مرتبط ساختن تعالیم مبارکه به افکار و مسائل جاری عالم انسانی مطرح می‌سازد. این مقاله در بعضی از نشریات از جمله مجله *Glory*، سال بیستم، شماره ۳، ۱۹۸۷ انتشار یافته است.

*Social and Economic Development* اثر هالی هانسون ویک - این کتاب به بررسی نظریه‌ها و نمونه‌های مربوط به رویکرد بهائی به توسعه اجتماعی و اقتصادی می‌پردازد؛ این رویکرد طالب بهبود وضعیت عالم انسانی از طریق به کار بردن اصول روحانی و رها سازی قوای مکنونه روحانی است.

## سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- تعریف کنید که مقصود از گفتمان که در این فصل مطرح شده چیست:

۲- چهار سؤالی که بحث بهائی در خصوص مسائل عالم انسانی باید حول آن متمرکز باشد چیست؟

الف - .....

ب - .....

ج - .....

د - .....

۳- (هر کدام که مصداق دارد علامت بزنید.) کدام یک از موارد زیر در زمره وجوه رویکرد بهائی در پرداختن به مسائل عالم انسانی است؟

الف - پیروی از هدایت سخنرانان برجسته بهائی

ب - آموزش در زمینه‌های یادگیری انسانی

ج - تعریف مجدد زمینه‌های یادگیری انسانی

د - کورکورانه به کار بردن اصول بهائی

## جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- گفتمان عبارت از کلّ بدنه تعامل جوانان بهائی - مکالمات و نوشته‌های آنها - است موقعی که مسائل پیش روی عالم انسانی را در پرتو تعالیم بهائی ملاحظه می‌کنند.

۲- به سؤالاتی که در قسمت توضیح مطرح شده اشاره شود.

۳- ب و ج. در مورد ب نگاه کنید به بیانات شماره ۸، ۹ و ۱۲. بیاناتی که به نحوی مستقیم‌تر به موضوع ارتباط داشته باشد در مجموعه *Importance of Deepening* بخصوص شماره‌های ۱۱۹ و ۱۴۸ موجود است. در مورد ج نگاه کنید به بیانات شماره ۱۰ تا ۱۲. این دو اقدام وابسته به هم هستند، زیرا پرداختن به مسائل عالم انسانی در پرتو تعالیم مبارکه اقدامی فراتر از صرفاً کاربرد دانش اموزی از زمینه‌های مساعی بشری است و نیز به این علت که نمی‌توان بدون درک کامل رشته‌های موجود آنها را مورد نقد و تحوّل قرار داد. گزینه الف غلط است؛ درک عمیق از تعالیم مبارکه باید با مطالعه مستقیم حاصل شود (نگاه کنید به بیانات ۴ تا ۷؛ البته این بدان معنی نیست که ما هدایت صحیح سخنرانان بهائی را ندیده بگیریم). گزینه د نیز غلط است؛ اگرچه باید اصول بهائی را به کار ببریم (شماره‌های ۱۳ تا ۱۷) اما این عبارت از موضوع سهل و ساده اطاعت کورکورانه یا اقدامی در یک وهله نیست. غالباً باید به مجهودات متعددی دست بزنیم تا با عبور از بحرانها و پیروزی‌ها بتوانیم تعالیم مبارکه را برای حلّ مشکلات عملی با موفقیت به کار ببریم. گفتن "تعصّب نداشته باش" و به سهولت پذیرفتن حقیقت چنین اصلی بسیار از ریشه‌کن کردن تعصّب از جامعه فاصله دارد.

## بحث

تحقیق و تتبع بهائی چیست؟ چه کسی می‌تواند محقق بهائی باشد؟ تحقیق و تتبع بهائی چگونه در خدمت نیازهای بشری می‌تواند باشد؟ چگونه می‌تواند در خدمت نیازهای امر مبارک باشد؟ به بیانات شماره ۳ و ۵ و نیز ۹ و ۱۲ مراجعه کنید.

یکی از مسائل عالم انسانی پیش روی هم‌تایان شما یا جمعیتی که در میان آنها زندگی می‌کنید، چیست؟

در این باب، بحثی را شروع کنید.

## تمرین

مسائل، از طریق مشورت شناسایی شده در پرتو بیانات حضرت بهاءالله، در سطحی عمیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. این سطح عمیق تحلیل و کاربرد اصول روحانی فرصتی را برای درک مسائلی و راه‌حل‌های اجتماعی یا سیاسی که غالباً در اجتماع پیشنهاد می‌شود، فراهم می‌آورد.

مثلاً صلح جهانی را در نظر بگیرید. اواسط دهه ۱۹۸۰، نگرانی گسترده‌ای در مورد جنگ هسته‌ای سبب شد فعالان صلح‌طلب در سراسر جهان تظاهراتی را به راه بیندازند و سیاستمداران را برای برقراری توفقی در امور هسته‌ای - پیشنهادی برای ثابت نگه داشتن سطح سلاح‌های هسته‌ای - تحت تأثیر قرار دهند. اگرچه پیشنهادها دیگری نیز مطرح شد، از جمله این نظریه که صلح به عدالت اجتماعی مربوط می‌شود - اما نظریه توقف هسته‌ای صدای بلندتری برای حفظ صلح بود. فرد بهائی، با تحلیل موضوع صلح جهانی در سطح ساده که در آثار مبارکه وجود دارد، می‌توانست پیشنهاد کند که به جای توقف هسته‌ای، آنچه که مورد نیاز است مجمعی جهانی از ملل عالم بود که حکومتی جهانی را برقرار سازند.

اگرچه این نظریه نادرست نیست، اما بیت‌العدل اعظم در وعده صلح جهانی تحلیلی عمیق‌تر ارائه نموده موضع بهائی را مطرح فرموده‌اند. بیت‌العدل اعظم خاطرنشان می‌سازند که مسأله صلح در درک ما از ماهیت انسان نهفته است. بیت‌العدل موانع صلح را برمی‌شمارند، از جمله به مواضعی چون نژادپرستی و برابری حقوق زنان و مردان اشاره می‌کنند. بیت‌العدل اعظم، در عین حال که پیشنهادها حضرت بهاءالله برای نظم جهانی را مطرح می‌فرمایند، تجربه بهائی را به عنوان الگویی جهت مطالعه ارائه می‌کنند و احتیاط را به تعامل با مردم در کلیه سطوح اجتماع جهت ایجاد بینش امید و انتظار برای صلح جهانی تشویق می‌فرمایند.

در مساعی خود برای توسعه بحث و مذاکره در خصوص مسائل پیش روی عالم انسانی - بخصوص موضوعاتی که می‌توانیم در جمعیت محلی خود به آن بپردازیم - می‌توانیم الگوی ارائه شده توسط بیت‌العدل اعظم را مورد استفاده قرار دهیم. در اینجا این فرصت را داریم که نه تنها مسأله‌ای را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، بلکه با سایر امم خوش‌نیت و خیرخواه جهت تمهید راه‌حل‌های عملی مبتنی بر اصول روحانی همکاری کنیم.

این فرایند چگونه عمل می‌کند؟ چندین اقدام مداوم را که غالباً به طور هم‌زمان رخ می‌دهد در بر می‌گیرد:

- شناسایی مسأله‌ای که سبب نگرانی مردم در منطقه، از جمله شما و هم‌تایان شما شده
- کسب اطلاعات در مورد مسأله و علل احتمالی آن
- تحلیل موضوعات عمیق‌تری که موجد مسأله است
- شناسایی اصول بهائی که در مورد مسأله کاربرد دارد
- تعامل با جمعیت و یافتن راهی برای به کار بردن عملی اصول مزبور برای حل مسأله
- به اجرا در آوردن تصمیمات
- اخذ بازخورد در مورد نتایج حاصله از نفوسی که از مسأله مورد بحث لطمه می‌بینند
- تأمل در مورد نتایج اقدامات و اصلاح فعالیت‌ها برای تطبیق با بینش‌های جدید

اما، اقدام حیاتی عبارت از تحلیل است. ملاحظه کنید که مسأله زیر را چگونه می‌توان در سطوح مختلف مورد تحلیل قرار داد:

در طی تعطیلات مدرسه، کودکانی که نظارتی بر کار آنها وجود ندارد دسته‌ها و گروه‌هایی را تشکیل داده به مبارزه و نبرد با یکدیگر می‌پردازند. اموال منهدم می‌شود و کودکانی که در این گروه‌ها قرار ندارند تهدید می‌شوند. هیچ فعالیت سازمان یافته‌ای برای کودکان وجود ندارد و هیچ محلّ دارای سرپرستی و نظارتی نیز موجود نیست تا اوقاتشان را در آنجا با هم بگذرانند. آنها برای فعالیت‌های اوقات فراغت پولی در دسترس ندارند. بعضی از والدین که خارج از منزل کار می‌کنند امکان تأمین مالی مراقبت روزانه از آنها را ندارند.

## باز خورد

نمونه زیر را که بحثی بین چهار جوان در مورد مسأله‌ای است که در بالا مطرح شد، ملاحظه کنید:

جوان اول: در نگاهی به این مسأله، به نظر می‌رسد که نگرانی اصلی باید برای رفاه کودکان باشد. از آنجا که حضرت بهاء‌الله مسئولیت تمهید وسائل تعلیم و تربیت و صیانت از کودکان را در صورت ناتوانی والدین به محفل محلیّ محوّل فرموده‌اند، تصوّر می‌کنم می‌توانیم استنباط نماییم که شهر در اینجا مسئولیت دارد. بنابراین موضوع به این صورت در می‌آید که چگونه می‌توانیم شهر را وادار کنیم برنامه‌های تابستانه فراهم بیاورد. شاید ما بتوانیم برای برقراری چنین برنامه‌ای داوطلب شویم.

**این جواب را تحلیل کنید. چه جوانب دیگری از مسأله را می‌توان بررسی کرد؟**

جوان دوم: مجموعه نصوص بهائی در مورد تربیت را مطالعه کرده‌ام و به نظرم واضح می‌آید که والدین راهنمایی شوند تا مسئولیت کامل تعلیم و صیانت فرزندان را به عهده بگیرند. والدین هستند که باید سعی کنند به این مسأله بپردازند. بسیاری از والدین به نظر می‌رسد از این مسئولیت خود غفلت می‌کنند. بنابراین مسأله این است که چگونه می‌توان والدین را وادار کرد که فرزندان را از مشکلات و دردها دور نگه دارند. یکی از راهها آن است که از شهر بخواهیم والدین را مسئول اعمال فرزندان بدانند. شاید بتوانیم به وضع بعضی قوانین که والدین را جوابگوی اعمال فرزندان نماید، کمک کنیم.

**این جواب را با جواب اول مقایسه کنید. چه ایده‌های مفیدی می‌توان بدان افزود؟ آیا کافی است؟**

جوان سوم: متوجه هستم که درباره‌ی مسئول بودن والدین چه می‌گویید، اما اطمینان ندارم مجازات کردن والدین به خاطر اقدامات فرزندان این مسأله را حل کند. شاید در اینجا موضوع ابعاد عمیق‌تری داشته باشد. شاید والدین متوجه نیستند چقدر اهمیت دارد که فرزندان را صیانت کنند و آنها را از نظر اخلاقی تحت تعلیم و تربیت قرار دهند. ممکن است متوجه نباشند که در مقابل خداوند نیز در این خصوص جوابگو هستند. یا شاید والدین متوجه مسأله هستند، اما نمی‌دانند خودشان چگونه باید به این موضوع بپردازند. شاید احساس ناتوانی می‌کنند. شاید بتوانیم با والدین ملاقات کنیم تا ببینیم مسأله را چگونه مشاهده می‌کنند و به نظر آنها ما چه کمکی می‌توانیم بکنیم.

**این جواب را با دو جواب اول مقایسه کنید. چه وجه مهمی هنوز در این بحث مطرح نشده است؟**

جوان چهارم: سعی دارم این مسأله را از دریچه چشم کودکان ببینم. شاید آنها نمی‌دانند اختلافات را چطور بدون جنگ و دعوا حلّ و فصل کنند. چون هیچ بزرگسالی در طول روز اطرا آنها نیست، شاید احساس می‌کنند هیچکس واقعاً به آنها اهمیت



نمی‌دهد. چه انگیزه‌ای دارند که رفتار خوبی داشته باشند. البته کودکان در صورتی که کسی آنها را تعلیم ندهد و رفتار خوب را یادشان ندهد، وحشی و ویرانگر می‌شوند. حضرت عبدالبهاء در صحبت در خصوص کودکان می‌فرماید که هر کودکی اگر تحت تعلیم و تربیت قرار گیرد ممکن است "سبب نورانیت عالم گردد."<sup>۱۳</sup> همچنین در کلمات مکنونه زیارت کردم که، "صَنَعْتُكَ عَزِيزًا لِمَ تَسْتَدِلُّ؟" کودکان باید آموزش ببینند تا به موجودی شریف و عزیز تبدیل شوند، و باید دارای اهداف متعالی باشند. شاید بتوانیم برنامه‌ای را شروع کنیم که کودکان را آرامش طلب و صلح‌جو بار بیاورد.

**این اظهار نظر آخر چه نکته‌ای را به بقیه افزود؟ آیا می‌توانید ملاحظات جدیدی را بیفزایید که این تحلیل را بیش از پیش عمیق سازد؟ اگر شما در این بحث شرکت داشتید، چه نظر دیگری را ابراز می‌نمودید؟**

---

شما می‌توانید برای ایجاد بحثی در خصوص مسائل عالم انسانی که اطراف شما وجود دارد، اقدام نمایید. خلاق باشید. جوانان منطقه خود را جمع کنید و بحث و مطالعه‌ای غیررسمی را شروع کنید. یا کلوپ بهائی کالج شما ممکن است بخواهد به استادی رجوع کند که کلاس مطالعه مستقلی را در خصوص موضوعی مهم تشکیل دهد که بتواند با استفاده از منابع بهائی و غیربهائی به تحلیل موضوع بپردازد؛ این اقدام سبب ترکیب مجهودات شما برای یافتن تسلط بر زمینه‌های یادگیری بشری و مطالعات بهائی خواهد شد. مساعی اولیه هر چه که باشد، شما می‌توانید به شرکت در فرایندی از تحلیل و اقدام شروع کنید که بتواند تدریجاً به ایجاد تغییر در جهان منجر شود.

---

<sup>۱۳</sup> منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۱۲۷

## میدان عمل: وقف خویشتن

### مقدمه

فصول ۳-۶ به بررسی سلاح‌هایی اختصاص داشت که سرباز روحانی در اثر انضباط روحانی کسب می‌کند. در فصل هفتم، بحث کردیم که این سلاح‌ها چگونه بر حمایت از گفتمانی که به مسائل پیش روی عالم انسانی می‌پردازد، متمرکز است. به رغم تمام این زمینه‌های تلاش و کوشش، یک عنصر کلیدی دیگر برای غلبهء موفقیت‌آمیز بر قوای ظلمت باقی می‌ماند و آن میزان تمایل ما به وقف کردن خویشتن به حصول فتح و ظفر امر حضرت بهاءالله است.

وقف خویشتن به معنای متعهد ساختن خود به هدفی است. در سطحی دیگر، وقف خویشتن اشاره به کاری مقدس دارد.

نبرد نور و تاریکی، مانند هر نبردی، دارای تلفات خواهد بود. سکون، مادیت‌پرستی، تعصب، و گروهی از سایر نیروهای ظلمت آماده‌اند بر هر عضو بی‌فکر و لاپالی سپاه نور غلبه کرده از هر گونه تأثیری او را عاری سازند. اگر بخواهیم مقصود حضرت بهاءالله برای عالم انسانی را تحقق بخشیم، استقامت، تهوّر، ایثار و دلاوری - نشانه‌های ظاهری وقف خویشتن - ضروری است.

### نمای کلی

وقتی ارتشی وارد میدان نبرد می‌شود، تنها مهارت نیست که نتیجه را تعیین می‌کند. روحیهء سپاه - یعنی نگرش او به وظیفه، قوهء اراده و همتش برای حصول مظفریت، و تمایلش به فداکاری - اساسی‌ترین جزء است.

این نکته برای سپاه نور نیز مصداق دارد. در زمینه‌های آمادگی روحانی، تکوین شخصیت، خدمت، و تبلیغ هر سعی و تلاشی که صورت گیرد، اگر این مساعی همراه با وقف و تعهد اعضاء سپاه نباشد، هیچ دستاورد پایدار و توفیق دائمی حاصل نخواهد شد.

جُند روحانی باید خود را وقف ارادهء الهی کند. حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "[باید آن جناب بما اَرَادَ اللهُ قیام نمایند] به قسمی که به هیچ وجه از خود اراده و مشیت‌ی نداشته باشند."<sup>۱</sup> تا زمانی که در این حدّ از فداکاری و ایثار حاصل نشده باشد، فرد در مقابل قوای ظلمت ناتوان است. مادام که این ایثار نفس حاصل نگشته باشد، مقصود حضرت بهاءالله برای عالم انسانی قابل حصول نخواهد بود.

<sup>۱</sup> گنج شایگان، ص ۱۷۸

## توضیح

حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "می‌توان گفت دو نوع بهائی در امر وجود دارد؛ یکی آنهایی که دینشان بهائی است و دیگر کسانی که به خاطر امر زندگی می‌کنند. احتیاج به ذکر نیست که اگر شخصی بتواند در سلک دسته‌آخیر قرار گیرد، یا اگر فردی بتواند در صف مقدم باسلان و شهدا و مخلصین واقع شود، عندالله احسن و اولی است."<sup>۲</sup>

با پیشروی عالم به سوی اوج دو فرایند سازندگی و تخریب، سپاه نور بیش از پیش به این نوع دوم بهائیان نیاز خواهد داشت. نفوسی باید قیام کنند که در کمال ایثار و فداکاری، طبق نیازهای امر الهی، به آن خدمت کنند، نه کسانی که آنچه عرضه‌اش آسان و راحت باشد تقدیم نمایند. جوانان می‌توانند این طلایه "باسلان و شهدا و مخلصین" باشند. شما شخصاً می‌توانید در زمره این "فارسان میدان الهی"<sup>۳</sup> باشید.

حضرت عبدالبهاء خطاب برای احتیای اولیاء غرب داستانی را تعریف کردند که تفاوت نگرش کسانی را که مایلند در سیل پروردگارشان هر گونه ایثاری را بنمایند روشن می‌سازد. ایشان توضیح فرمودند، "در زمره اصحاب حضرت باب دو نفر بودند؛ کاتب وحی و یکی از احتیای قویم و راسخ. در شب شهادت حضرت باب، آن فرد ثابت و راسخ در کمال تضرع استدعا کرد، "اجازه دهید من هم در لحظه شهادت با شما باشم." کاتب به آن حضرت گفت، "من چه باید بکنم؟"

حضرت عبدالبهاء با لبخند فرمودند، "چه باید بکنم؟ از من می‌خواهید که چه بکنم؟" آن فرد مؤمن راسخ با حضرت اعلی جان داد در حالی که سرش روی سینه آن حضرت بود و جسم آنها در این شهادت به یکدیگر ملصق شد. دیگری نیز در زندان درگذشت، اما به تفاوت دو مقام و موقعیت توجه داشته باشید.<sup>۴</sup>

حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "یا ابن الانسان فکر فی امرک و تدبّر فی فعلک أتُحِبُّ أن تموت علی الفراش أو تستشهد فی سبیلی علی التراب و تکون مطلع أُمّری و مظهر نوری فی أعلی الفردوس؟"<sup>۵</sup>

امروزه امر مبارک نیاز به شهدای زنده دارد - جنود روحانی که با خداوند انس و الفت داشته باشند، نمونه‌های پویای خصلت حقیقی بهائی باشند، بندگان فداکاری که به معضلاتی که پیش روی امر مبارک و جامعه بشری وجود دارد بپردازند، مبلغین شهیم و دلاوری که نفوس نوع بشر را متحوّل سازند. هیچیک از ما نیازی نداریم که سؤال کنیم، "چه باید بکنم؟" ما می‌دانیم. "دیگر تا همت شما از مراتب انقطاع چه ظاهر نماید."<sup>۶</sup>

## مطالب خواندنی

۱- حضرت بهاءالله می‌فرمایند، "گر خیال جان همی هستت به دل اینجا میا گر نثار جان و دل داری، بیا و هم بیار رسم ره این است گر وصل "بهاء" داری طلب گر نباشی مرد این ره دور شو زحمت میار." (مآئده آسمانی، ج ۴، ص ۲۱۰)

۲- حضرت ولی امرالله می‌فرمایند، "قبل از آن که فرصت به نحوی جبران‌ناپذیر از دست برود، قیام کنید و در زمره سپاه مجاهدان حضرت بهاءالله وارد شوید. زمان برای استخلاص از کارهای بی‌حاصل دنیوی، سوار شدن بر مرکب استقامت، به اهتزاز آوردن رایت انکار نفس، ملتبس شدن به درع وقف کامل خود به امر الهی، بستن کمر همت جهت برخورداری از

<sup>۲</sup> نقل ترجمه از صفحه ۴۲ نمونه حیات بهائی / انوار هدایت، شماره ۲۷۱

<sup>۳</sup> بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۲۳ نظم جهانی بهائی

<sup>۴</sup> بیانات منتسب به حضرت عبدالبهاء در کتاب خاطرات ژولیت تامپسون، ص ۳۱۹. این فرد ثابت راسخ محمدعلی زنوزی بود که با حضرت باب به شهادت رسید و جسد او با رسم حضرت اعلی در کوه کرمل به خاک سپرده شد. به بخش "تشریح با مثال" در همین فصل توجه نمایید.

<sup>۵</sup> کلمات مکتونه عربی، فقره ۴۶

<sup>۶</sup> مؤخره کلمات مکتونه فارسی، مجموعه الواح طبع مصر، ص ۳۹۸

عفت و عصمت و تقوی، کشیدن سیف بیان حضرت بهاءالله، در دست گرفتن سپر محبت جمال ابهی، و به همراه داشتن تنها توشه یعنی اعتماد کامل به وعده آن مظهر کبریا مقتضی و مناسب است." (ترجمه - تلگراف ۲۸ مه ۱۹۵۳/ *Messages to the Baha'i World*، ص ۴۹)

۳- بیتالعدل اعظم در پیام ۳ ژانویه ۱۹۸۴ خطاب به جوانان دنیا می‌فرمایند، "در گذشته ایام خون بسیاری از بی‌گناهان بر زمین ریخته شده و اکنون نیز [۱۹۸۴] دماء برین، چه شیخ و چه شاب، خاک را گلگون نموده است... فی‌المثل وقایع شیراز را ملاحظه نمایید چگونه شش جوان مهذب آراسته از اماء عقیقه موقنه که ۱۸ الی ۲۵ سنه بیش از حیات جسمانی آنان نگذشته، دست غاصب غدار جسم لطیف آنان را بر سر دارد آویخته... همچنین به گزارش‌های مربوط به استقامت حیرت‌بخشی توجه نمایید که مکرراً توسط اطفال و جوانانی به منصفه ظهور رسیده که معرض اعتراضات شدید و استفسارات عدیده واقع گشتند و به ناسزاگویی‌های علما و مدرّسین اعتنا نمودند... لذا، آیا منطقاً از شما جوانان و بزرگسالان جوان که در چنین دوران و زمان خارق‌العاده‌ای زندگی می‌کنید نباید انتظار داشت که... "رها چون ریح صرصر شدیدالقوی" راهی میدان عمل بهائی شوید؟" (ترجمه)

۴- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "انسان تا به مقام فدا قدم نهد، از هر موهبتی محروم گردد و مقام فدا مقام فنا و نیستی است تا هستی الهی جلوه نماید؛ و مشهد فدا میدان انقطاع است تا آیات بقا ترتیب گردد. تا توانید از خود به کلی بیزار شوید و گرفتار آن روی پُرانوار و چون به این مقام سجود فائز شوید، من فی الوجود را در ظلّ خویش یابید." (منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۷۴)

۵- منشی حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک مرقوم داشت، "هیکل مبارک توصیه می‌فرمایند عزم خود را بر اجرائات عظیمه برای امر مبارک جزم نمایید و کمر همت بر امور جسیمه محکم ببندید؛ شرایط عالم یوماً فیوماً وخیم‌تر گردد و نسل شما باید قدّسین، باسلان و شهدا و مدیران آینده را تشکیل دهد. با وقف خود و قوه اراده می‌توانید به اعلیٰ مدارج مرتفعه واصل و نائل گردید." (ترجمه / انوار هدایت، شماره ۲۱۲۸)

۶- حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند، "جمال مبارک... در اواخر ایام از فم مطهر وعده فرمودند که به فیض مدار و تأییدات ملکوت اسرار نفوسی مبعوث گردند و هیاکل مقدّسی مشهود شوند که انجم سماء هدایتند... این نفوس شب و روز آرام نگیرند و آرام نبینند و فراغت نجویند، در مضجع راحت نیارمند، آسوده ننشینند، آلوده نگردند؛ اوقات را صرف نشر نجات‌الله کنند و ازمان را وقف اعلاء کلمه‌الله... اسرار الهی کشف نمایند و آثار رحمانی نشر کنند؛ چون شمع در شبستان هر جمع برافروزند و چون ستاره صبحگاهی بر جمیع افاق بدرخشند؛ نجات حقائق قلبیشان چون نسائم سحرگاهی آفاق قلوب را معطر نماید و فیوضات عقولشان چون باران بهاری هر اقلیمی را مخضر کند... این عبد در نهایت انتظار است که این نفوس مبارکه کی موجود و این مظاهر مقده ظاهر و پدیدار گردد. شب و روز در تضرع و ابتهالم که آن نجوم بازغه مشرق و لائح گردد و آن وجوه مقدّسه جلوه نماید..." (آیات بینات، ص ۳۳۴)

۷- حضرت ولی امرالله در ۱۲ مارس ۱۹۲۳ فرمودند، "حضرت عبدالبهاء، سالار همیشه مظفر ما، به مجاهدین شهیم و شجیع خود بر وجه ارض، که گاهی اوقات ممکن است احساس یأس و نومیدی نمایند، چنین اطمینان می‌بخشند:

«ای بندگان آستان مقدّس جنود ملاً اعلیٰ در اوج علا صف بسته و مهیا و منتظر و مترصد مرد میدان و فارس عرفان که به محض جَوْلان نصرت نمایند و تأیید کنند و قوت‌الظهر گردند. پس خوشا به حال فارسی که اسب جَوْلان دهد و طوبی از برای دلیری که به قوت عرفان در میدان برهان بتازد و صف جهل بدرد و سپاه ضلالت شکست دهد و علم هدی بلند کند و کوس غلبه بنوازد. تالله الحقّ انه لَفی فوزٍ عظیم و ظفرٍ مُبین...»<sup>۷</sup>

<sup>۷</sup> مأخذ بیان حضرت عبدالبهاء: منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۵۴-۵

با چنین بیانات الهام بخشی، آیا باز هم باید بی حرکت و بی تفاوت بمانیم؟ ندای صورمانند آن حضرت در جمیع اطراف و اکناف طنین انداخته، و جمیع ما را به خدمت فرا می خواند؛ آیا باید درنگ کنیم یا تأمل نماییم؟ ندای آن حضرت به اعلی درجه در جمیع اقالیم ارض بلند شده؛ پس، فارغ البال و بدون ادنی خوف و هراسی پیش برویم و به مقدرات جلیله خود واصل گردیم." (ترجمه - *Baha'i Administration*, صفحات ۴۳-۴۲)

## تشریح با مثال

در آن شب، از قراری که جناب آقا سید حسین تقریر نموده، سروری در طلعت اعلی بوده که در هیچ وقتی از اوقات نبوده... از جمله می فرمودند، "شکّی نیست که فردا مرا قتل خواهند نمود. اگر از دست شماها باشد بهتر است و گواراتر. یکی از شماها برخیزد و به حیات من خاتمه دهد." همگی گریستیم و از این عمل و تصوّر چنین امری که با دست خود به حیات چنان ذات مقدّسی خاتمه دهیم، تحاشی نموده سکوت اختیار کردیم. میرزا محمدعلی زنوزی برخاست و عرض کرد، "به هر نحو که بفرمایید عمل می نمایم." طلعت اعلی ... فرمودند، "همین جوان که قیام به اجابت اراده من نموده، با من شهید خواهد شد..."

چون صبح شد ... سامخان حکم کرد که ... بر پایه ای که مابین دو حجره بود میخ آهنی کوبیدند و دو ریسمان به آن میخ بستند که با یکی طلعت اعلی را و با دیگری حضرت میرزا محمدعلی را بیاویزند. میرزا محمدعلی از سامخان استدعا نمود که، "مرا رو به ایشان ببندید تا هدف بلایای ایشان شوم." چنان او را بستند که رأسش بر سینه مبارک واقع شد و بعد از آن سه صف سرباز ایستادند؛ هر صف دویست و پنجاه نفر؛ به صف اوّل حکم شلیک دادند؛ شلیک کرده نشستند و بلافاصله صف ثانی مأمور به شلیک شدند؛ آنها هم شلیک نموده نشستند. صف سوم بدون فاصله شلیک نمودند...

چون دود فرو نشست محمدعلی انیس را دیدند ایستاده و اصلاً اثری از جراحت در بدنشان نیست... ولیکن طلعت اعلی را غائب دیدند و همگی ندا نمودند که باب غایب شد و چون تفحص نمودند ایشان را در حجره ای که آقا سید حسین محبوس بود یافتند ... که در کمال اطمینان و آرام نشسته اند و با آقا سید حسین صحبت می دارند...

پس به همان ترتیب و تفصیل اوّل بستند و حکم به شلیک دادند. برعکس اوّل ... این دفعه دیدند که آن دو هیکل از شدت ضرب یک هیکل شده به یکدیگر ملصق گردیدند...

در مرتبه ثانی که خواستند آن حضرت را به دار بزنند، در پای دار به ندای بلند می فرمادند، "ای قوم سرکش عاصی اگر مرا می شناختید مثل این جوان ... در این سبیل قربان می شدید." (تاریخ نبیل، ص ۸-۵۴۳)

در هر مقامی از خدمت اسراری نهفته است. هیکل مبارک همه را به اعتدال تشویق می فرمایند. ولی اگر خود آنان از مکان های عادی زندگی قیام نموده به اعلی رتبه از خدمت و شهامت پرواز می کردند، البته تشویق می فرمودند و بی نهایت به وجود آنان فخر می نمودند. زیرا پیمودن سبیل شهادت و جانبازی با تعادل وفق نمی دهد. اینجاست که خیمه و خرگاه عقل واژگون می گردد. از اعظم افتخارات ما این است که مبشّر این امر اعظم جان خود را به رایگان در سبیل محبّه الله فدا فرمود و افتخار دیگر ما این است که بیست هزار نفس مقدّس بر اثر اقدام آن وجود اقدس اطهر مشی و حرکت نمودند. بارها خواسته ام

این حالت اعتدال را بفهمم و با آنچه که در کلمات مکنونه می‌فرمایند مقایسه کنم: "فاکتب من المداد الأحمر الّذی سفک فی سبیلی. إنه أحلی عنی من کلّ شیء"<sup>۸</sup>

برای فهم این مطلب به نظر من بهترین مثال طیاره است. وقتی که طیاره هنوز در روی زمین است و چرخ‌هایش را به زمین چسبانده، مجبور است در حدود قوانین زمین حرکت نماید. ولی وقتی چرخها را در فضا جمع کرد، دیگر طیاره مقید به قیود ارضی و در تحت قوانین زمین نیست بلکه موجودی آسمانی است و به مناسبت همین مقام با سرعت بی‌نهایت به سوی آفاق بعیده می‌شتابد. البته ما هم تا چسبیده به زمین هستیم، نصایح زمینی بسیار می‌شنویم. ولی اگر زمین را زیر پا گذارده در علو آسمان‌های تقدیر به حرکت آمدم، دیگر گوش به نصایح ارضی نخواهیم داد. اینجاست که قهرمانان عظیم الهی در پروازند؛ اینجاست که ارواح شجیعۀ افتخارات ابدیه می‌یابند و نام آنان بر پر و بال ابدیت منقوش می‌گردد. (گوهر یکتا، ص ۱۹۰)

### مطالعه بیشتر

یکی از بیاناتی را که در بخش "مطالب خواندنی" نقل شده، انتخاب کنید.

این فقره را به چه شیوه‌های مشخصی می‌توانید در زندگی خود به کار ببرید؟	محتوای این فقره چیست؟
---	-----------------------

سؤالات بدون جواب در مورد درس را که مایلید با عمق بیشتری مورد بررسی قرار دهید، فهرست کنید. از آثار بهائی و منابع دیگری که در زیر برای کمک به شما ذکر می‌شود برای یافتن جواب به سؤالات خود استفاده کنید.

	<p>۱-</p> <p>۲-</p> <p>۳-</p> <p>۱-</p>
--	---

<sup>۸</sup> توضیح مترجم: این بیان مبارک با توجه به متن انگلیسی گوهر یکتا آورده شد. متن فارسی بیان دیگری را آورده است.

*The Dawnbreakers* (مطالع الانوار) اثر جناب نبیل زرنندی – این کتاب تاریخ امر مبارک در دوران بایبه را مطرح می‌سازد؛ بایبان الگوی جنود روحانی واقعی‌اند. حضرت ولی امرالله فرمودند که این کتاب "نشان خواهد داد که امر مبارک چگونه به عالم عرضه گردید و چگونه مؤمنین اولیه در نهایت شهامت و بسالت با شهادت مواجه شده و برای تحقق آمال خود برای تثبیت امر الهی در سراسر عالم از آلام و رنجها استقبال کردند. وقوف بر حیات این باسلان در ما شور و اشتیاقی را ایجاد می‌کند که بر اثر اقدام آنها حرکت کنیم و به همان نتایج واصل گردیم."<sup>۹</sup>

*Release the Sun* اثر جناب ویلیام سیرز – این کتاب حاوی داستانهایی از مطالع الانوار است که به سبکی ساده و مؤثر بازگویی شده است.

## سؤالات

سؤالات زیر در مرور قسمت‌هایی از محتوای درس جهت استفاده در مطالعه فردی تهیه شده است. برای ملاحظه سؤالاتی جهت مطالعه گروهی، به بخش "بحث" در صفحه بعد مراجعه کنید.

۱- معنای وقف خویشتن را بیان کنید:

۲- سه وجه معنای ایثار را بیان کنید:

الف - .....

ب - .....

ج - .....

۳- پنج صفت سرباز روحانی که خویشتن را وقف کرده، آنگونه که در این فصل توصیف شده، فهرست کنید:

تعریف کنید که مقصود از گفتمان که در این فصل مطرح شده چیست:

الف - .....

ب - .....

ج - .....

---

<sup>۹</sup> ترجمه – *Compilation of Compilations*, ص ۲۱۶

## جوابها

ذیلاً جوابهای پیشنهادی ذکر می‌گردد. با توجه به برداشتی که از بیانات نقل شده دارید، جوابهای شما ممکن است متفاوت باشد. جوابهای پیشنهادی را به عنوان نقطه شروعی برای تفکر و بحث مد نظر قرار دهید.

۱- در نهایت ثبوت و استحکام، حتی ایثار و فداکاری، خود را به هدفی یا خدمتی متعهد ساختن؛ تعهدی مقدس نسبت به جریان و سیر خدمتی داشتن.

۲- صرف نظر کردن از رضایت خویشتن برای حصول رضای حضرت بهاءالله (بیان شماره ۱)؛ منقطع شدن از نفس خود (بیان شماره ۴)؛ و فانی ساختن اراده خود در اراده الهی (به "نمای کلی" مراجعه شود).

۳- جوابهای امکانپذیر متعددی در بیانات مبارکه مطرح شده از جمله صفات ایثار (بیان شماره ۱)، ثبوت و رسوخ (شماره ۲)، زندگی با عصمت و تقوی (شماره ۲)، اعتماد به حق (شماره ۲)، انکار نفس (شماره ۲)، انقصاص (شماره ۲ و ۴)، وقف خویشتن (شماره ۵)، قوه اراده (شماره ۵)، تمایل به گذشتن از راحتی و آسایش خود (شماره ۶)، تلاش بدون وقفه (شماره ۶)، و تهوّر و نترسی (شماره ۷).

## بحث

سرباز روحانی باید قیام کند - اما چگونه باید بداند که در کدام جهت حرکت کند؟ از چه منابعی سربازان روحانی در سپاه نور "دستور حرکت" را دریافت می‌کنند؟

ایثار چیست؟ چه ارتباطی با خدمت شما به امر مبارک دارد؟

شما شخصاً چه تلاش‌های می‌توانید بکنید تا به سطح خدمتی که در این فصل و این کتاب از شما خواسته شده برسید؟ اولین قدم‌هایی که برای ورود به میدان عمل برمی‌دارید، چیست؟